

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک‌نگاشت‌های  
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

# الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی محیط زیستی

## رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت  
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود  
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: صالحی، صادق، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی محیط زیستی/نگارش صادق صالحی، زهرا یازوکی‌نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۹ ص.
فروست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۵-۶۳-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: حفاظت محیط زیست -- مشارکت شهروندان
موضوع	: Environmental protection -- Citizen participation
موضوع	: حفاظت محیط زیست -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Environmental protection -- Social aspects
موضوع	: شیوه زندگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Lifestyles -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	: یازوکی‌نژاد، زهرا، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
رده بندی کنگره	: ۷/TD۱۷۱
رده بندی دیویی	: ۷۰۵۵/۳۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۸۲۶۹۶

### سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی محیط زیستی

نگارش: دکتر صادق صالحی (دانشیار جامعه‌شناسی محیط زیست دانشگاه مازندران)

زهرا یازوکی‌نژاد (دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه مازندران)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۵-۶۳-۶

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل‌احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳  
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.  
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

## پیشگفتار

طراحی الگوی بومی پیشرفت کشور و تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

با توجه به ضرورت تولید دانش و تعمیق ادبیات موضوعی در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر دارد آثاری را در قالب تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

معاون علمی و تقسیم کار ملی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



## فهرست مطالب

۷	چکیده
۹	(۱) مقدمه و طرح مسئله
۱۲	(الف) جایگاه محیط‌زیست در ایران در عصر ماقبل مدرنیته
۱۳	(ب) جایگاه محیط‌زیست در ایران در عصر مدرنیته
۱۹	(۱-۱) ضرورت و اهمیت انجام تحقیق
۲۲	(۲-۱) اهداف تحقیق
۲۲	(۳-۱) سؤالات تحقیق
۲۳	(۲) پیشینه تحقیق
۲۳	(۱-۲) تجربه کشورهای پیشرفته در خصوص سبک زندگی محیط‌زیستی
۳۱	(۲-۲) تجربه کشورهای مسلمان در خصوص سبک زندگی محیط‌زیستی
۳۳	(۳-۲) پیشینه داخلی
۳۹	(۴-۲) نتیجه‌گیری پیشینه موضوعی
۴۰	(۳) مبانی نظری
۴۰	(۱-۳) تعریف مفاهیم
۴۰	(۱-۱-۳) سبک زندگی
۴۱	(۲-۱-۳) سبک زندگی محیط‌زیستی
۴۲	(۳-۱-۳) سبک زندگی پایدار
۴۲	(۴-۱-۳) سبک زندگی پایدار اسلامی
۴۳	(۲-۳) رویکردها
۴۳	(۱-۲-۳) محیط‌زیست‌گرایی از دیدگاه اسلامی
۴۹	(۲-۲-۳) محیط‌زیست‌گرایی غربی
۵۴	(۳-۲-۳) مقایسه محیط‌زیست‌گرایی در دیدگاه‌های غربی و اسلام
۵۷	(۴-۲-۳) رویکرد شهروندی محیط‌زیستی
۶۱	(۵-۲-۳) رویکرد جامعه‌مصرفی و جامعه پایدار
۶۳	(۴) روش تحقیق
۶۵	(۵) تبیین سبک زندگی محیط‌زیستی
۶۶	(۱-۵) عوامل زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی
۶۷	(۱-۱-۵) جنسیت
۶۸	(۲-۱-۵) سن

۶۸.....	۳-۱-۵ محل سکونت
۶۹.....	۴-۱-۵ وضعیت تأهل
۶۹.....	۵-۱-۵ وضعیت اشتغال
۷۰.....	۲-۵ عوامل اجتماعی
۷۰.....	۱-۲-۵ نگرش محیط‌زیستی
۷۱.....	۲-۲-۵ عملکرد خانواده
۷۲.....	۳-۲-۵ فردگرایی
۷۲.....	۴-۲-۵ هنجارهای اجتماعی
۷۳.....	۳-۵ عوامل فرهنگی
۷۳.....	۱-۳-۵ تحصیلات
۷۴.....	۲-۳-۵ ارزش‌های محیط‌زیستی
۷۵.....	۳-۳-۵ دین‌داری
۷۶.....	۴-۳-۵ رسانه‌ها
۷۷.....	۴-۵ عوامل اقتصادی
۷۷.....	۱-۴-۵ نابرابری
۷۸.....	۲-۴-۵ درآمد
۷۹.....	۳-۴-۵ پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۷۹.....	۵-۵ عوامل سیاسی
۸۰.....	۱-۵-۵ قوانین و شفافیت
۸۰.....	۲-۵-۵ نهادهای دولتی
۸۱.....	۳-۵-۵ فرصت‌های حمایت
۸۵.....	۶ پیشنهادها
۸۵.....	۱-۶ آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی
۸۶.....	۲-۶ کنترل و نظارت
۸۷.....	۳-۶ نهادهای دولتی
۸۸.....	۴-۶ شهروندی
۸۸.....	۱-۴-۶ شهروندی متعهد نسبت به قانون
۸۹.....	۲-۴-۶ شهروندی پایدار
۹۱.....	۵-۶ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی و سبک زندگی محیط‌زیستی
۹۷.....	منابع



## چکیده

در عصر حاضر، زندگی انسان‌ها از سبک‌های مختلفی پیروی می‌کند و این سبک‌ها در عرصه‌های مختلف از جمله محیط‌زیست نمایان است. علاوه بر این، سبک زندگی محیط‌زیستی همانند سایر ابعاد زندگی انسان‌ها، تحت تأثیر انگاره مسلط اجتماعی هر جامعه است. با توجه با تسلط الگوی دینی در جامعه ایرانی، بررسی ابعاد مختلف و شناخت نسبت الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و سبک زندگی محیط‌زیستی لازم است. در تک‌نگاشت حاضر، در بخش مقدمه و بیان مسئله، وضعیت ایران در دو دوره پیشامدرن و مدرنیت، از نظر وضعیت محیط‌زیستی و نگرش طبیعت‌محوری و انسان‌محوری مورد بررسی قرار گرفتند. اهداف مورد نظر در این تک‌نگاشت عبارت بودند از: بررسی سبک زندگی در ایران به لحاظ محیط‌زیستی؛ تعریف و مقایسه سبک زندگی محیط‌زیستی اسلامی و غربی؛ تبیین سبک زندگی مسئولانه در ایران و تعریف الگوی پایه اسلامی و ایرانی سبک زندگی محیط‌زیستی. بر این اساس اهداف مذکور تلاش شد تا به این سؤالات پاسخ داده شود: سبک زندگی محیط‌زیستی در ایران چگونه است؟ جایگاه دین در سبک زندگی محیط‌زیستی مسئولانه چیست؟ چه عواملی برداشتن یک سبک زندگی محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند؟ الگوی اسلامی و ایرانی برای سبک زندگی محیط‌زیستی چیست؟ تک‌نگاشت حاضر از این حیث حائز اهمیت است که جامعه ایرانی، مدام در معرض تبلیغات داخلی و خارجی است که سبک زندگی وابسته به عادت و نادیده‌انگاری و راحت‌طلبی را ترویج می‌کند. رواج مصرف‌گرایی هنگامی که در کنار وضعیت نابسامان و آسیب دیده محیط‌زیست ایران قرار می‌گیرد، نشان دهنده‌ی عدم همخوانی شرایط زمینه‌ای-اجتماعی و طبیعی است. امروزه و در شرایطی که جهان غرب، خسته از فردگرایی، اومانیسم و مادی‌گرایی افراطی است، بارقه‌های امید در نتیجه بازگشت به دین و اصل خویشتن نمایان شده و از جمله، راهکارهای دینی و اخلاقی برای حل بحران‌ها و مشکلات محیط‌زیستی نیز مطرح شده است. به نظر می‌رسد، دین اسلام که کامل‌ترین دین برای بشریت است، نگاهی تعادل‌گرا به بحث انسان و محیط‌زیست دارد. در بخش مبانی تک‌نگاشت و با هم‌بین رویکرد، ابتدا تجربیات کشورهای پیشرفته در عمومیت بخشیدن به سبک زندگی مسئولانه نسبت به محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفت و سپس با توجه به موضوع این تک‌نگاشت، تجربیات



کشورهای مسلمان همچون مالزی و ترکیه در خصوص تقویت حس مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی محیط‌زیستی بیان شد و در نهایت پیش از جمع‌بندی، چند نمونه از تحقیقات داخلی که با موضوع سبک زندگی محیط‌زیستی انجام شد، مطرح شد. در بخش مبانی نظری این تک‌نگاشت، ابتدا مفاهیمی مانند سبک زندگی، سبک زندگی پایدار و سبک زندگی اسلامی تعریف شدند. در ادامه‌ی تک‌نگاشت، با در نظر گرفتن اهداف و سؤالات تحقیق که همان جایگاه دین اسلام در سبک زندگی مسئولانه و دیدگاه‌های متفکران غربی در خصوص مسئولیت‌پذیری در حفاظت از محیط‌زیست بود، آراء متفکران مسلمان در خصوص اسلام و محیط‌زیست از یک طرف و مکاتب محیط‌زیست در غرب، که در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست تعامل انسان و محیط‌زیست را مورد توجه قرار داده بودند، تشریح شد. علاوه بر این، دستاوردهای هر دو دیدگاه نیز با هم مقایسه شد. همچنین رویکردهایی که ارتباط نزدیک‌تری با بحث سبک زندگی محیط‌زیستی داشتند مانند جامعه مصرفی و مصرف پایدار و شهروندی محیط‌زیستی نیز مطرح شدند. در ادامه و پیش از شناسایی عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی، روش تحقیق مورد بحث قرار گرفت. پژوهش حاضر نوعی پژوهش نظری بود و جزء مطالعات اسنادی محسوب می‌شود. این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی می‌باشد که برای انجام آن از روش پژوهش اسنادی استفاده شد. برای بسط دیدگاه و تعیین دامنه پژوهش، بررسی‌های اکتشافی انجام شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و مشورت‌های علمی، هم با ادبیات و واژگان تخصصی موضوع آشنایی حاصل شد (سبک زندگی / محیط‌زیست / الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی / علم). جهت مسیر پژوهش و حوزه مطالعاتی مشخص شد. محل دسترسی به داده‌ها شامل کتابخانه، سازمان‌های پژوهشی مانند سازمان حفاظت از محیط‌زیست، سایت‌های مرتبط با انتشارات آثار پژوهشی مانند جهاد دانشگاهی، سایت‌های خارجی مانند گوگل اسکولار شیپ، مرکز الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت و جستجوی آزاد بر اساس مفاهیمی مانند (Life Style/ Environment/ Environmental Behavior/ Islamic Patterns of Development) بود. تحقیق حاضر عمدتاً بر اساس جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از کتاب‌ها و مقالات تأیید شده داخلی و عمدتاً خارجی صورت گرفت. پس از گردآوری اطلاعات، برای تدوین گزارش پژوهش از روش نگارش استفاده شد. در





بخش تبیین سبک زندگی محیط‌زیستی، مجموعه عوامل مؤثر به چند دسته تقسیم شدند و سپس، زیرمجموعه عوامل نیز معرفی و تشریح شدند. این عوامل عبارت بودند از عوامل جمعیت‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. در بخش پیشنهادها نیز برای اشاعه و عمومیت سبک زندگی محیط‌زیستی مسئولانه با رویکرد اسلامی، علاوه بر بیان پیشنهادهایی در حوزه شهروندی، نهادهای اجرایی و کارگزاران، سند الگوی پایه اسلامی و ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفت و مبانی جامعه‌شناختی در خصوص حفظ محیط‌زیست، مصرف و منابع طبیعی، تبیین شد.

**کلمات کلیدی:** محیط‌زیست، سبک زندگی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، سبک زندگی پایدار اسلامی.

## ۱) مقدمه و طرح مسئله

در عصر حاضر، آنچه که ارتباط انسان با محیط‌زیست را بیش از اندازه تحت تأثیر قرار می‌دهد، نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست و به ویژه سبک زندگی محیط‌زیستی است. یعنی شیوه‌ای از زندگی که انسان در ارتباط با محیط‌زیست در پیش می‌گیرد. به طور کلی، سبک زندگی محیط‌زیستی یا به عبارتی، شکل زندگی مردم و انتخاب‌های آنها برای مصرف کالا و خدمات خاص یا شیوه زندگی خاص، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر محیط‌زیست دارد (امام‌قلی، ۱۳۹۷: ۲). سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی<sup>۱</sup> و احساس مسئولیت در برابر محیط‌زیست به ویژه مواردی نظیر مصرف کالاهای سبز، مصرف بهینه انرژی، سبک ساختمانی محیط‌زیستی (رعایت استانداردهای محیط‌زیستی مقررات مبحث ۱۹ ساختمان)، حمل و نقل پایدار، تفکیک زباله‌ها و بازیافت آن را شامل می‌شود. به بیان دقیق‌تر، سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی به آن نوع از سبک زندگی گفته می‌شود که با اجتناب از آسیب رساندن به محیط‌زیست و جلوگیری از مشکلات محیط‌زیستی، تضمین‌کننده حد بالای از سلامت محیط‌زیست باشد. در حالی که برآورده ساختن نیازهای مردم با توجه به منابع محدود، بزرگ‌ترین چالش پیش رو



است، سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی به معنای به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی، تولید زباله و آلاینده‌ها است (بیکهوس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۸-۲۰).

با توجه اهمیت سبک زندگی محیط‌زیستی در شرایط کنونی، سؤالات مختلفی پیرامون آن مطرح می‌گردد. آیا الگوهای رفتار محیط‌زیستی شهروندان مسئولانه است؟ و آیا سبک زندگی شهروندان مسئولانه است یا غیرمسئولانه؟ اینها مهم‌ترین سؤالات در مورد سبک زندگی محیط‌زیستی هستند که برای پاسخ به آنها نیاز به مطالعه و بررسی منابع است. اگرچه داده‌های علمی معتبر و لازم در خصوص مسائل محیط‌زیستی در سطح کلان در دسترس نمی‌باشد، یا اینکه اساساً تولید نمی‌شود تا قابل دسترس باشد (امام‌قلی، ۱۳۹۷: ۳) ولی با این وجود، مختصر داده‌ها و اطلاعات موجود بیانگر آن است که:

اول، انبوه مغازه‌ها، پاساژها، مراکز خرید، رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ در سرتاسر کشور، افزایش تبلیغات تجاری به ویژه در زمینه کالاهای مصرفی نشان می‌دهد که جامعه ایران بیش از آنکه تولیدمحور باشد، مصرف‌محور و مصرف‌گرا است (بهار، ۱۳۹۰: ۲۲). همچنین، بر اساس اعلام آژانس جهانی اطلاعات انرژی<sup>۲</sup> میانگین مصرف برق خانگی در ایران ۲۹۰۰ کیلووات ساعت است (سایت آژانس جهانی اطلاعات انرژی، ۲۰۱۸). از نظر مصرف گاز، ایران چهارمین تولیدکننده گاز دنیا است ولی در مصرف رتبه سوم مصرف‌کننده را با یک درصد از جمعیت دنیا در اختیار دارد (آقائی تبریزی، ۱۳۹۱). در واقع، این نوع نامتعارف مصرف می‌تواند بیانگر نوعی زیاده‌روی و اتلاف منابع باشد که آسیب‌های جدی به محیط‌زیست وارد می‌کند.

دوم، گسترش فضای زندگی<sup>۳</sup> و کار به خصوص در شهرهای ایران از چالش‌هایی است که قابلیت‌های محیط‌زیستی این شهرها را به مخاطره انداخته است. این شهرها در طی سال‌های اخیر رشدی شتابان و لجام‌گسیخته داشته و تحولات جمعیتی و کالبد ناپاوارانه‌ای را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که نوعی شهرسازی غیر محیط‌زیستی در آن به وقوع پیوسته است. چنین وضعیتی تبعات اقتصادی و محیط‌زیستی جبران‌ناپذیری برای کشور خواهد داشت. همچنین، جاذبه خودرو شخصی و تبدیل شدن آن به نوعی شاخص منزلت اجتماعی در ایران در حال

1. Backhaus  
2. International Energy Agency  
3. Living Space



افزایش است. افزایش اتومبیل، گسترده‌گی شهر و افزایش مسافت سفرهای بین‌شهری و سفرهای تکراری بین محل سکونت و محل کار باعث افزایش آلودگی در شهرها شده و شهر به عنوان یکی از مراکز اصلی آلاینده‌ها محیط‌زیست درآمده است (امام‌قلی، ۱۳۹۷: ۱۳).

سوم، در نتیجه رشد مصرف‌گرایی، افزایش شهرنشینی و افزایش فضای زندگی و کار، بر میزان زباله‌های تولیدی افزوده شده است و سامان‌دهی زباله‌ها به یک معضل جدی تبدیل شده است. انباشت زباله و کمبود منابع برای دفع آن دارای پیامدهای منفی محیط‌زیستی است (همان: ۱۳). کنترل و سامان‌دهی عوامل مخرب محیط‌زیست در مبدأ از جمله راه‌های مطلوب، جهت پیشگیری از تخریب محیط‌زیست و گامی مؤثر در جهت ایجاد توسعه پایدار هست. اما این راهکار، در بسیاری از موارد در حال اجرا بوده و یا هنوز تحقق پیدا نکرده است. بررسی سابقه اجرای طرح‌های بازیافت زباله در مناطق شهری کشور نشان می‌دهد که از جمله دلایل عدم اجرای موفق طرح بازیافت، عدم همکاری و مشارکت خانواده‌ها در امر سامان‌دهی و مدیریت زباله‌های منازل هست. اگرچه با شناخت نگرش‌های انسانی مؤثر در امر مدیریت زباله‌های خانگی می‌توان زمینه‌های مناسب برای اجرای طرح بازیافت را شناسایی نمود، ولی این مهم نیز چندان محقق نشده است. بی‌تردید، با در اختیار داشتن چنین شناختی، بهتر و مناسب‌تر می‌توان زمینه‌های اجرای طرح بازیافت زباله‌های خانگی را در سطح شهرها اجرا نمود (صالحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲).

بدین ترتیب، می‌توان ملاحظه نمود که مصرف‌محور و مصرف‌گرا بودن شهروندان و استفاده‌های بی‌رویه از منابع طبیعی نظیر آب، برق و گاز، ساخت و سازهای زیاد در مناطق شهری بر اثر تراکم جمعیتی و نیاز به حمل و نقل در این مناطق و نهایتاً، انباشت زباله‌ها در حاشیه شهرها، نوعی اختلال در چرخه زیست‌بوم ایجاد نموده و در حقیقت، سبک زندگی محیط‌زیستی شهروندان باعث بروز مشکلات متنوع محیط‌زیستی شده است. چگونگی تعامل تأمل‌برانگیز شهروندان با محیط‌زیست حاکی از این است که شهروندان در مواجهه با محیط‌زیست، نوعی سبک زندگی غیرمسئولانه محیط‌زیستی را اتخاذ کرده‌اند. به عبارت دیگر، برخی از شهروندان، مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری، ارزشی و فعالیت‌های محیط‌زیستی دارند که نامناسب و مخرب است. توجه به اخلاق در سبک زندگی یکی از حوزه‌های جدید مطالعات



سبک زندگی، مصرف و مصرف‌گرایی در سال‌های اخیر می‌باشد. این توجه ناشی از دو دلیل عمده است. دلیل اول، آسیب‌های اجتماعی و محیط‌زیستی است که به‌واسطه مصرف توده‌ای و رفتارهای خرید روزانه در سطح گسترده‌ای رواج یافته‌اند و دومی، آگاهی فزاینده از قدرت مصرف‌کننده در ایجاد تغییر در این وضعیت است. با توجه به وضعیت محیط‌زیستی ایران و تخریب بی‌سابقه‌ای که در تمامی بخش‌های آن شاهد هستیم (کریم‌زاده، ۱۳۹۶: ۴)، توجه به اخلاق در بحث مصرف یا مصرف اخلاقی یک ضرورت است. مفهوم «مصرف اخلاقی»، به نوع مصرفی اشاره دارد که در آن انتخاب‌های مصرفی افراد متأثر از موضوعات اخلاق خاصی مانند حقوق بشر، عدالت اجتماعی، محیط‌زیست و حفظ کره زمین و آنچه در آن است به عنوان یک امانت الهی است.

برای شناخت جایگاه محیط‌زیست در ایران معاصر، لازم است ابتدا وضعیت و جایگاه محیط‌زیست را در ایران قبل از مدرنیته مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم.

#### الف) جایگاه محیط‌زیست در ایران در عصر ماقبل مدرنیته

در فرهنگ کهن ایران، عمده‌ترین عامل حیات را چهار عنصر آب، هوا، خاک و گیاه می‌دانستند. پاکیزه نگه‌داشتن و حفاظت این چهار عنصر در دین زرتشت جزء یکی از مهم‌ترین وظایف اخلاقی، سیاسی و مذهبی محسوب می‌شد (بخ‌کشی، ۱۳۸۲: ۲۷). نگاهی به تاریخ باستان ایران نشان می‌دهد که ایرانیان باستان شادی مردمان را توأم با شادمانی زندگی برای جانوران و گیاهان و زمین و جهان می‌دانستند و به این پرسش که «کدام زمین شادتر است» پاسخ مینوی خرد یا همان روح عقل چنین بوده است:

«... نخستین زمین شادمان، زمینی است که مرد پارسا در آن زندگی کند. دو دیگر زمینی که در آن آتشکده‌ها سازند. سه دیگر آنجا که در آن گاوان و گوسفندان خوابند. چهارم زمینی که در آن کشاورزی کنند. پنجم زمینی که لانه جانوران زینکار را در آن ویران سازند. ششم زمینی که آمد و شد نیکان و نیایش یزدان در آن باشد. هفتم زمین ویرانی که آباد کنند. هشتم زمینی که از آن بدان به دارایی نیکان درآید. نهم زمینی که از بر و حاصل آن در راه یزدان به نیکان و ارزانیان (مستحقان) بهره رسانند. دهم زمینی که در آن زوهر (آبی که با آفرین و



ستایش بر زمین می‌ریختند و بدین‌گونه زمین را شادمان می‌کردند) ستایش کنند».

به گواهی اسناد، ایرانیان قبل از اسلام با الهام از تعالیم مذهبی آیین زرتشت، به طبیعت، به ویژه خاک، آب، آتش، هوا و گیاه به مثابه عناصری مقدس می‌نگریسته‌اند که نه تنها آلودن آنها گناه شمرده می‌شد که پاک نگه داشتن و پاک نمودن آنها وظیفه‌ای دینی بوده است، ضمن آنکه علاوه بر وجه ظاهری و دنیایی، وجهی معنوی و آسمانی نیز برای آنها قائل بودند. کوروش (حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد) و داریوش (۴۸۶-۵۵۲ سال قبل از میلاد) به حکام ولایات در خصوص حفاظت از جنگل‌ها و اقدام به امور نهال‌کاری درختان توصیه می‌کردند. خشایارشا (۴۶۵-۴۸۶ پیش از میلاد) نسبت به حفاظت از جنگل‌ها و درختان علاقه زیادی ابراز می‌داشت. در یکی از لشکرکشی‌های خود به آسیای صغیر برای اولین بار دستوری در مورد حفاظت یک منطقه جنگلی سرو را صادر و بدین طریق اولین منطقه حفاظت شده جهان را تأسیس کرد. پارسیان در پاکیزه نگه داشتن آب‌ها نیز سعی جدی داشتند. در این مورد هرودت مورخ یونانی می‌نویسد: «هیچ ایرانی حق نداشته فاضلاب منزل خود را در رودخانه یا آب‌های روان وارد کند یا در آنها خاکروبه و اضافات منزل خود را بریزد». در عصر ساسانیان (۶۰۰-۲۲۶ بعد از میلاد) پادشاهان ساسانی به جنگل و باغات علاقه زیادی داشته و حتی در این ایام یک روز از ماه اسفند را به عنوان روز درختکاری نامیده‌اند. از تاریخ به یاد داریم که در یکی از روزهای درختکاری انوشیروان پادشاه ساسانی مرد پیری را ملاحظه می‌کند که درخت گردو می‌کارد. کیسه‌ای زر به او می‌دهند و می‌پرسد آیا فکر می‌کند بتواند آن قدر زنده بماند تا از آن درخت بهره گیرد؟ دهقان دوراندیش جواب می‌دهد دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما می‌کاریم تا دیگران از آن بهره بگیرند. این فکر و گفتار همان نظریه توسعه پایدار است که در فرهنگ ایران زمین از هزاران سال قبل وجود داشته و امروز سازمان ملل و کشورهای غربی به نام خود آن را تبلیغ می‌کنند (بخ‌کشی، ۱۳۸۲: ۲۸).

#### ب) جایگاه محیط‌زیست در ایران در عصر مدرنیته

در پی تحولات بنیادین گسترده علمی، صنعتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در غرب، این سؤال اساسی در اذهان سایر مردم جهان از جمله مردم ایران پدیدار شد که راز پیشرفت غرب چیست و چرا ما عقب مانده‌ایم. این سؤال را می‌توان مهم‌ترین تأثیر موج اول



مدرنیته در جوامع غیرغربی از جمله ایران دانست (قنبری، ۱۳۷۹). موج اول یا تجدد لیبرالی که از رنسانس، اومانیسم، پروتستانیسم و انقلاب فرانسه مایه گرفته بود تا پایان قرن نوزدهم را در بر می‌گیرد. موج اول مدرنیته بر مفهوم فرد و فردیت، استقلال فردی و هویت فردی استوار بود. اندیشه تجدد در آن زمان از انسان، فرد ساخت و هویتی فردی به انسان بخشید. اندیشه فردیت انسان، محور اقتصادی تجاری و سرمایه‌داری جدید، مذهب پروتستان و اندیشه سیاسی عصر جدید بود؛ اما در نتیجه بروز تضادهای عمده میان فردیت تجدد لیبرالی و پراکسیس اجتماعی، تحقق پروژه تجدد اولیه ناممکن شد (بشیریه، ۱۳۷۶: ۴۴۲-۴۴۳). شاید نسل اول ایرانیان و مسلمانانی که در پی رفع این وضع نامناسب بودند، به منظور جبران انحطاط و عقب‌ماندگی خود درصدد اقتباس از فناوری نظامی و علمی غرب برآمدند؛ اما هدفشان رویارویی با آن و یا حداقل حفظ هویت خودی بود؛ اما نسل‌های بعدی تداوم دهنده این راه، شیفته اصول لیبرالیسم و مبانی مدرنیته غربی شده و حالتی بهت زده و متحیر به خود گرفتند. اینان در واقع پاسخ سؤال فوق را در همین شیفتگی و شیدایی می‌دیدند. در هر صورت، غرب‌گرایی یعنی جریان خاص فرهنگی که در نتیجه آن، جامعه یا بخشی از آن، فرهنگ مدرن غرب را به طور کامل یا به صورت جزئی اقتباس کرده و به ناچار عناصر و هنجارهای فرهنگی سنتی را به کنار می‌نهد در جامعه رواج پیدا کرد (بشیریه، ۱۳۷۶: ۴۴۲-۴۴۳) و بخشی از تأثیر موج اول تجدد بر ایران بوده است. یکی از مهم‌ترین تجلیات تأثیر مبانی تجدد، انقلاب مشروطه است. این انقلاب هر چند با نهضت عدالت‌خواهی و تأسیس عدالت‌خانه آغاز گردید، اما در ادامه به تحول مهم تبدیل سلطنت مطلقه به مشروطه رسید. تأثیر انقلاب کبیر فرانسه که از درون‌مایه‌های اصلی مدرنیته غربی بود در این انقلاب آشکار بود. از قرائن چنین بر می‌آید که مدرنیسم یا تلاش در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی جامعه با پیشرفت علوم و تمدن غربی، از دغدغه‌های جدی عباس میرزا بوده است. او به طور اساسی درصدد بود تا راز پیشرفت غرب را دریافته و آن را در ایران به اجرا درآورد (قنبری، ۱۳۷۹).

در بررسی پدیده تجدد، اعتقاد بر این است که تجدد دو چهره دارد: یک چهره تجدد که مهم‌ترین ویژگی آن می‌باشد (اندیشه آزادی) است. متعلقات اندیشه آزادی عبارت‌اند از: برابری سیاسی و حقوقی، گرایش به فرد یا فردگرایی، سکولاریسم، تأکید بر منافع فرد به عنوان



مهم‌ترین منافع جامعه، تأکید بر تشخیص فردی در خصوص مصالح خویش و نیز رگه اساسی اندیشه فردگرایانه‌ای که ما در کل این پروژه تجدید مشاهده می‌کنیم. چهره دوم تجدید مبتنی بر اندیشه انضباط و سازمان‌دهی است که به عنوان واکنشی در مقابل لجام‌گسیختگی‌ها یا بی‌انضباطی‌های ناشی از بعد اول تجدید، متجلی می‌گردد و رگه دوم این پروژه مدرنیستی را تشکیل می‌دهد (قنبری، ۱۳۷۹). بنابراین تمام تلاش‌های تجدیدطلبان در ایران از زمان آشنایی با غرب در زمان صفویه زدودن تفکرات سنتی و هماهنگ ساختن نهادهای سنتی جامعه با پیشرفت علوم و جوامع غربی بوده است. اما چنین تلاش‌هایی با شکست مواجه شده است که طبق نظر جامعه‌شناسان توسعه تأخر فرهنگی یکی از دلایل آن است. زمانی تأخر فرهنگی رخ می‌دهد که بین توسعه مادی و توسعه غیرمادی (تغییر نگرش‌ها، اندیشه‌ها و باورهای مردم) شکاف اتفاق بیفتد. در ایران افراط در غرب‌گرایی یا همان غرب‌زدگی سبب ترویج چهره‌ای دوپایه از اسلام به عنوان یک تفکر محدود کننده شده بود. هر چند متفکرانی نیز بودند که تلاش داشتند این چهره را از اسلام بزدایند از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی. بی‌شک سید جمال در زمره متأثران از مدرنیته بود که حرکت اصلاحی خود را از بیرون قدرت سیاسی حاکم و در سطح وسیعی آغاز کرد. او همچنین سلسله‌جنبان نهضت‌های اصلاحی اخیر شمرده می‌شود؛ البته اگرچه سیدجمال مردی تجدیدگرا به شمار می‌رفت؛ اما متوجه خطر تجدیدگرایی افراطی نیز بود. از جمله دردهایی که سیدجمال در مورد جوامع اسلامی تشخیص داده بود، نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و دور افتادن آنها از اسلام اصیل بود؛ از این رو او درصدد پیرایش‌گری از چهره دین از یک سو و مبارزه با استبداد و استعمار از دیگر سو بر آمد. وی در آثارش به ذکر مزایای اسلام از جمله اعتبار دادن به عقل، برهان و استدلال و این‌که اسلام، دین علم، عمل و سخت‌کوشی، جهاد و مبارزه با فساد است، پرداخت (قنبری، ۱۳۷۹). در عصر حاضر کشورهای مسلمانی را شاهد هستیم که توانسته‌اند با حفظ سنت‌های دینی خود تعاملات گسترده‌ای با دنیای غرب و تفکر غربی داشته باشند. مالزی یکی از این کشورها است. افق توسعه سال ۲۰۲۰ کشور مالزی متکی بر نیروهای جوان و تربیت آنان بر مبنای ارزش‌های توسعه ملی مبتنی بر اخلاق، شامل مذهب، آداب‌ورسوم و سنت‌های ملی و غیره است. در این راستا، ارزش‌های اجتماعی همچون سخت‌کوشی، امانت‌داری، صرفه‌جویی و احترام به قوانین و



حقوق دیگران پشتوانه توسعه و پشت‌کار در جهت پررنگ‌تر شدن ارزش‌های دینی است. بستر این کار خانواده و آموزش و پرورش است که دولت‌مردان مالزی به دنبال تربیت شهروندانی فرهیخته، دین‌باور، قانونمند، درستکار، با اخلاق و مفید هستند (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). همچنین در این کشور، رشد طبقه متوسط و فرایند توسعه سیاسی و دموکراسی به عنوان عامل تداوم‌بخش توسعه اقتصادی نیز در این کشور در حال تعمیق است (همان: ۱۵۵).

به طور کلی، بخش عمده پیشرفت در یک جامعه باید تغییری اجتماعی و فرهنگی باشد. فراورده‌های عصر جدید یا تجددطلبی در غرب چالش‌هایی را ایجاد کرد که (با توجه به موضوع این جستار)، مداخله انسان در طبیعت و تغییر در آن را تا سطح نگران‌کننده‌ای افزایش داد. همین امر باعث شد انسان غربی متجدد، نوعی بازنگری اساسی نسبت به یافته‌های خود داشته باشد و تکانه‌ای شدیدی در ذهنیت انسان غربی نسبت به صنعت و تجدد به وجود آید به نحوی که انسان متجدد بتواند ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای پرشتاب عصر صنعتی جهان زیست قابل قبول و هماهنگ با طبیعت را ایجاد کند. گرایش‌های فکری و جنبش‌های حفاظت از محیط‌زیست، تعیین‌کننده‌ترین گفتمان در این راستا بودند (در بخش تفکر نظری این جستار به آنها اشاره می‌شود). این جنبش‌ها به دنبال ارائه رهیافتی بودند تا با دگرگونی روابط انسان صنعتی با جهان طبیعی غیرانسانی، شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی و حیات طبیعی پایدار و شکوفایی را برای انسان متجدد توضیح دهد و نگرش فرجام‌گرایانه مبتنی بر حفظ محیط‌زیست در روابط بین انسان و طبیعت ارائه نماید (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۶۰).

در کشورهای اروپایی، اداره منابع طبیعی در آنها از دو‌یست سال پیش مورد توجه بوده و به تدریج در طول سالیان متمادی تغییر، اصلاح و توسعه‌یافته و در زمینه تشکیلات اداری راه تکامل را پیموده است (یخ‌کشی، ۱۳۸۲). واقعیت آن است که محیط‌زیست‌گرایی در غرب، بوم‌گرایی و مرکزیت‌زدایی از انسان، جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن و توسعه پایدار است (در بخش نظری این جستار به این اندیشه‌ها اشاره شده است). ورود مشکلات محیط‌زیستی به عرصه مباحث اجتماعی و جلب توجه افکار عمومی نسبت به آنها در کشورهای توسعه‌یافته، زمینه لازم برای حمایت عمومی جهت مقابله با این مشکلات را فراهم نمود. اما در ایران به هنگام بحث از عدم تبدیل مشکلات محیط‌زیستی به یک مسئله اجتماعی که با ارزش‌های





بخش مهمی از مردم جامعه مغایرت داشته باشد و اقدامات لازم برای بهبود وضعیت محیط‌زیست صورت گیرد، انگشت اشاره عمدتاً متوجه دولت است. به عبارت دیگر، وقتی صحبت از این می‌شود که چگونه مشکلات محیط‌زیستی برای مردم ایران مسئله می‌شود، اعتقاد عمومی بر این است که دولت نقش اصلی را در این زمینه ایفا می‌کند و مردم سهم خود را در آلودگی محیط‌زیست ناچیز و محدود می‌دانند. حتی حفاظت از محیط‌زیست مانند کاهش آلودگی‌ها و حفاظت از حیات‌وحش و یا پسماند را در حوزه اختیارات و مسئولیت‌های دولت یا نهادهای مرتبط با آن می‌بینند. در ایران داده‌هایی که از اقتدار و اعتبار علمی لازم و کافی برخوردار باشند وجود ندارد و یا این که اساساً انتشار نمی‌یابند. در برخی موارد، چنین داده‌ها و اطلاعاتی اصلاً تولید نمی‌شوند تا موجود و قابل دسترسی باشند. دومین عامل برای عمومی ساختن یک مشکل محیط‌زیستی داشتن یک یا چند مروج علمی است که بتوانند مسائل محیط‌زیستی را به یک مسئله اجتماعی تبدیل کنند. بر خلاف تصور عمومی پدیده‌های محیط‌زیستی ساده نبوده و دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی مختلفی هستند. بررسی وضعیت ایران نشان می‌دهد که چنین مشاغلی هنوز معرفی نشده و یا در حد وسیع مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. البته تجربیات پراکنده و شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی از شرکت‌های بزرگ در حوزه سدسازی برای حل برخی از مشکلات برنامه‌ای و اقدامات توسعه‌ای محیط‌زیست، در ارتباط با سد اقدام به تعیین کارشناسان مستقر در محل نموده تا بتوانند از بروز مشکلات توسعه محیط‌زیستی در ارتباط با مردم جلوگیری کنند. متأسفانه اطلاعات قابل دسترس در این زمینه وجود ندارد تا تصویری روشنی از این موضوع فراهم گردد. سومین عامل در تبدیل مسائل محیط‌زیستی به مسئله اجتماعی، پرداختن به مسائل محیط‌زیستی از سوی رسانه‌های جمعی است. در اینجا یک مسئله محیط‌زیستی باید مورد توجه رسانه‌هایی قرار بگیرد تا بدین ترتیب یک ادعای مرتبط، هم واقعی و هم مهم جلوه کند. عمده‌ترین منبع کسب اخبار محیط‌زیستی در ایران تلویزیون و سپس رادیو است. در حال حاضر این علاقه‌مندی و تمایل در صدا و سیما کاملاً مشخص است که مسائل محیط‌زیستی در برنامه‌های مختلف مطرح و باعث تنویر افکار عمومی شده است. هر چند این حرکت کند است، اما در مقایسه با دهه‌های گذشته وضعیت مناسب‌تری به خود گرفته است. نباید برخوردها سیاسی شود. حساس ساختن افکار عمومی



یک هنر است و نیازمند هنرمندان مطلع و آگاه نسبت به مسائل محیط‌زیستی و نیز متخصصان محیط‌زیستی هنرمند و علاقه‌مند به جاذبه‌های طراحی و نمادسازی‌ها. پنج‌مین عامل در موفقیت مسئله‌سازی محیط‌زیست استفاده از مشوق‌های اقتصادی است. باید مشوق‌های اقتصادی وجود داشته باشد تا اقدامی در باب مشکلات محیط‌زیستی صورت گیرد. البته انگیزه‌های اقتصادی برای یک گروه، ممکن است برای گروه دیگر هزینه‌بر باشد و با آن مخالفت شدیدی کنند. در ایران سیستم جریمه وجود دارد که معمولاً از آن فرار می‌شود یا در گرداب فساد مالی غرق می‌شوند. مشوق‌های اقتصادی مانند مالیات سبز یا حمایت از دستگاه‌ها، شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که اصول حفاظت را در حوزه کاری خود رعایت می‌کنند باید تقویت شود. آخرین عامل در تبدیل یک وضعیت نامطلوب محیط‌زیستی به یک مسئله اجتماعی، نهادهای مردمی است؛ یعنی نهادهایی که حامی باشند. در فصل ۲۷ از برنامه دستور کار ۲۱ «منشوری برای آینده»، بر اهمیت سازمان‌های غیردولتی و نقش مهم آنها در حفاظت از محیط‌زیست تأکید شده است و دولت‌ها بایستی فعالیت این سازمان‌ها را بپذیرند و به طور سازنده با این نهادها همکاری کار کنند. در ایران ۱۸۰ سازمان مردم‌نهاد در زمینه محیط‌زیست فعالیت دارند که متأسفانه غالب این سازمان‌ها تنها از عضویت اسمی اعضا بهره‌مند هستند و دامنه فعالیت غالب آنها نیز تنها به بنیان‌گذاران و اعضای هیئت‌مدیره ختم می‌شود. با این وجود، تأثیرگذاری این سازمان‌ها و حضورشان در محله‌ها، شورای شهر و آموزش و پرورش باید مورد توجه قرار گیرد (صالحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۵۹).

به دنبال رویکردهای نوین برای حفظ محیط‌زیست و جست‌وجوی منابع جدید برای تأثیرگذاری بر رفتار انسان در جهت پایداری، این سؤال مطرح می‌شود که جایگاه دین در توسعه سبک زندگی پایدار کجا است؟ در واقع، با برجسته شدن اهمیت حفظ محیط‌زیست و آغاز جست‌وجوی منابع رهایی‌بخش، نگاه‌ها متوجه دین نیز شده است. در حقیقت، در جهان معاصر، دین و مذهب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات محیط‌زیستی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از محققان تلاش دارند تا علت‌های فلسفی مؤثر بر نگرش استثمار گونه انسان به محیط‌زیست را بیابند. بخشی از این جست‌وجو، تعمق در فلسفه‌های مؤثر بر دیدگاه انسان و تعاملش با جهان هستی و نقش مسئولیت‌پذیری دینی در شکل‌گیری



نگرش‌ها و فلسفه‌های بی‌حرمتی نسبت به طبیعت است (آکتان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۴۳۸). اکنون بسیاری از طرفداران محیط‌زیست بر این باورند که سیاست محیط‌زیستی کارآمد نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است؛ زیرا در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زرتشت و غیره، احترام به طبیعت و همه عالم هستی به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه است (ابراهیمی سالاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). تفکر درباره طبیعت، اجزا و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، انسان را همواره به آن ترغیب و توصیه می‌نماید. در دین اسلام، محیط‌زیست بعد مهمی است و اگرچه کلمه محیط‌زیست صراحتاً در قرآن و سنت ذکر نشده است، ولی با این حال، چنانچه ما معنای محیط‌زیست را زمین و هر آنچه آن را احاطه کرده است در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که این مفهوم ۱۹۹ بار در قرآن اشاره شده است (www.Islamset.com). اصول اساسی اسلام مبتنی بر این نگرش عمیق و تطبیقی قرار دارد که مردم محیط‌زیست را باید حفظ کنند و به آن احترام بگذارند. در اسلام این تنها راه حفظ پایداری و بقا است. خداوند همه چیز را در تعادل خلق کرده است. اتلاف منابع و تخریب آن تعادل محیط‌زیست را برهم می‌زند. برای مثال، پدیده‌های محیط‌زیستی مانند گرمایش جهانی و تغییرات آب و هوا نتیجه تخریب منابع طبیعی هستند. این پدیده‌ها عدم تعادل محیط‌زیست را نشان می‌دهند. با حفظ تعادل منابع طبیعی، مردم می‌توانند از بروز مشکلات محیط‌زیستی که غیرقابل پیش‌بینی‌اند، جلوگیری کنند و از خودشان محافظت کنند (عبدالنامی سلیم<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۰۹-۱۱۰).

### ۱-۱) ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

ایران کشوری است که در کمتر از یک دهه (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، هم تغییر ساختار حاکمیت را تجربه کرد و هم جنگ را که خود نزدیک به یک دهه طول کشید. تغییر ساختار حاکمیت برای دگرگون کردن تمامی بنیان‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در سطح کلان و بازتاب این وقایع در سطح روزمرگی و خرد، نیرویی بسیار قدرتمند است. هم‌زمانی این شرایط با



جنگ، وضعیت دهه‌ی شصت ایران را بحرانی‌تر کرد. در طول دوران جنگ، تمام منابع و تمرکز کشور در جهت دفاع از سرزمین برآمدند و همین امر فرصت اندکی برای توجه به محیط‌زیست و موضوعات محیط‌زیستی باقی گذاشت. پس از اتمام جنگ، تمام توجهات به سمت بازسازی معطوف شد و یک‌بار دیگر هم محیط‌زیست در تنگنا قرار گرفت. این کم‌توجهی به محیط‌زیست که در سطح کلان و تصمیم‌گیری‌های ملی شایع بود، در طول زمان و در گفتمان رشد اقتصادی و صنعتی رایج در نیمه‌ی اول دهه هفتاد شمسی تبدیل به موضوعی شد که بسیار بدیهی جلوه می‌کرد و حتی لازمه رسیدن به ثبات اقتصادی و توسعه صنعتی را نیز عبور از محیط‌زیست می‌دانست. در سال‌های پایانی دهه هفتاد شمسی و سال‌های ابتدایی دهه هشتاد که مقارن با ریاست جمهوری آقای خاتمی بود، توجه به محیط‌زیست قوت گرفت. اما در مقایسه با سال‌های پیش از تغییر حاکمیت ایران، نه اهمیت سازمان محیط‌زیست و نه بودجه آن قابل توجه نبود و کفاف رسیدگی به آسیب‌های محیط‌زیستی را نمی‌داد. برخی اذعان داشتند که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد محیط‌زیست در حاشیه بود. به رغم افزایش درآمدهای کشور از فروش نفت، این درآمدها راهی برای حل مشکل آلودگی هوا، آلودگی و کمبود آب، جنگل‌زدایی، تخریب زیستگاه، فرسایش و پراکندگی شهرها نیافتند (کریم‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۹). ساخت‌وسازهای غیرقانونی گسترش یافت. سدسازی، بی‌رویه و غیرقابل مهار شد، حریم طبیعت حفظ نشد، تولید و کشاورزی ناپایدار بود و آسیب‌های جدی به محیط‌زیست و حیات طبیعی ایران وارد آمد. این موارد سوءمدیریتی در کنار تغییرات آب و هوایی به سرعت اثرات تخریبی خود را نشان داد. دریاچه‌ها و تالاب‌ها خشک شدند، درختان قطع شدند، آب‌های زیرزمینی پایین رفتند، مواد غذایی آلوده شدند، هوای شهرهای بزرگ و صنعتی آلوده‌تر شد، وسعت جنگل‌ها کوچک‌تر شدند، ساخت‌وسازها در سواحل و دامنه کوه‌ها گسترش یافت و ناپایداری به سرعت خود را بازتولید کرد. این شرایط روز به روز بحرانی‌تر شد و اهمیت آن در میان سایر مسائل و کاستی‌های اجتماعی و اقتصادی فرو کاست. نگاه به محیط‌زیست همچنان نگاهی لوکس و تجملی بود و به رغم نیاز عاجل به حفاظت و نگهداری، از اولویت‌های برنامه‌ریزی کلان کشور کنار گذاشته شده بود. یکی از بحران‌های محیط‌زیستی حاصل از این شرایط که رابطه مستقیمی هم با الگوی مصرف و مصرف‌گرایی در کشور دارد،



بحران افزایش ردپای اکولوژیک<sup>۱</sup> و کاهش ظرفیت زیستی ایران در سال‌های اخیر است (همان: ۲۰).

ردپای اکولوژیکی به ارزیابی و میزان تأثیر انسان بر محیط می‌پردازد. آمارها در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۹ حاکی از رشد فزاینده رد پای اکولوژیکی از یک سو و افت شدید ظرفیت زیستی از سوی دیگر است. این امر بدین معنا است که در ایران بهره‌برداری غیراصولی از سرزمین منجر به کاهش ظرفیت زیستی شده و فرصت لازم برای بازیابی توان طبیعی از آن سلب شده است (سایت ردپای بوم‌شناختی، ۲۰۱۵). بر اساس گزارش‌ها، تأثیرگذاری سرانه ایرانی‌ها بر محیط‌زیست از حدود یک هکتار در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲/۸ هکتار در سال ۲۰۱۲ رسید و این روند همچنان روند افزایشی دارد (آقایی‌هیرو و همکاران، ۱۳۹۶). شاخص‌ترین نماد این وضعیت نابسامان در سطح فردی، حیف و میل مواد غذایی، زباله‌ریزی در مکان‌های عمومی، گردشگاه‌ها، ساحل‌ها و دامان طبیعت و همچنین استفاده گسترده از مواد پلاستیکی و غیرقابل بازیافت در بین خانواده‌های ایرانی است. تخریب منابع به امری روزمره و عادی تبدیل شده است و به دلیل گستردگی آن، حساسیت‌ها فروکش کرده است. حس مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی، حفاظت از منابع، اهمیت اکوسیستم، پایداری شیوه‌های تولید و مصرف و توجه به رفتارهای محیط‌زیستی همه حکایت از شرایط بحرانی اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی دارند.

گسترش و در دسترس بودن رسانه‌های ارتباط جمعی، حاکی از این هستند که سبک زندگی غربی و لذت‌جویانه، بسیار سریع‌تر از توسعه‌های زیرساختی و فن‌شناختی، از مرزها وارد می‌شوند و در زندگی روزانه‌ی افراد و نوع نگاه و نگرش آنها به موضوعات روزانه در حوزه‌ی عمومی و خصوصی، تأثیر می‌گذارند. رسانه‌های ارتباط جمعی فراگیر، تحت الزام قیده‌های سرمایه‌داری، به گونه‌ای مداوم، لذت‌بخش بودن مصرف را به افراد القاء می‌کنند. سائنس از این موضوع با عنوان «اخلاق عاطفی مصرف<sup>۲</sup>» نام می‌برد که بر پایه خواستن و اشتیاق در مورد چیزی قرار دارد و تبلیغات کنندگان هم به خوبی از آن اطلاع دارند و از همین رو، و با توسل



به این ابزار، میل خرید را در افراد ایجاد و تشدید می‌کنند. این اخلاق رمانتیک و عاطفی مصرف‌گرایی، فاجعه‌بار است؛ زیرا به معنی تولید انبوه و مصرف انبوه در جهت تولید آلودگی و تخریب منابع طبیعی است (ساتن، ۱۳۹۲).

امروزه، جامعه ایرانی، مدام در معرض تبلیغات داخلی و خارجی است که سبک زندگی غربی و لذت‌جویی بی‌حد و حصر از زندگی را یادآوری می‌کند و البته جهانی شدن هم سرعت پذیرش سبک زندگی غربی را در مناطق دیگر جهان سرعت می‌بخشد. رواج مصرف‌گرایی هنگامی که در کنار وضعیت نابسامان و آسیب دیده محیط‌زیست ایران قرار می‌گیرد، نشان دهنده‌ی عدم همخوانی شرایط زمینه‌ای-اجتماعی و طبیعی است. در راستای بهبود این ناهمخوانی، یکی از حوزه‌های خردی که می‌توان نقش شهروند-مصرف‌کننده<sup>۱</sup> را در آن پررنگ کرد، توجه به اخلاق مصرف در بین شهروندان و آگاهی از نوع نگاه آنان به موضوع خاص «مصرف» می‌باشد. بالا بردن حساسیت شهروندان نسبت به موضوعات اخلاقی در ارتباط با مصرف و خرید و همچنین تمایل به انتخاب کالاهای مصرفی که هم «مسئولیت اجتماعی» شهروندان و هم «مسئولیت محیط‌زیستی» آنان را بازتاب دهد از جمله اولویت‌های حرکت در این مسیر است.

### ۱-۲) اهداف تحقیق

اهداف تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

- الف. بررسی سبک زندگی در ایران به لحاظ محیط‌زیستی؛
- ب. تعریف و مقایسه سبک زندگی محیط‌زیستی اسلامی و غربی؛
- ج. تبیین سبک زندگی مسئولانه در ایران؛
- د. تعریف الگوی پایه اسلامی و ایرانی سبک زندگی محیط‌زیستی.

### ۱-۳) سؤالات تحقیق

با توجه به اهداف فوق، سؤالات تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

- الف. سبک زندگی محیط‌زیستی در ایران چگونه است؟
- ب. جایگاه دین در سبک زندگی محیط‌زیستی مسئولانه چیست؟



ج. چه عواملی برداشتن یک سبک زندگی محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند؟  
د. چه الگویی را به لحاظ اسلامی و ایرانی برای سبک زندگی محیط‌زیستی پیشنهاد می‌شود؟

## ۲) پیشینه تحقیق

### ۲-۱) تجربه کشورهای پیشرفته در خصوص سبک زندگی محیط‌زیستی

جامعه‌شناسی محیط‌زیست به عنوان مهم‌ترین حوزه مطالعات سبک زندگی محیط‌زیستی، از قرن ۲۰ به بعد مورد توجه بیشتری قرار گرفت. به عنوان مثال، دانلپ و همکارانش تعدادی از تغییرات قابل توجه در مورد محیط‌زیست و تأثیر فعالیت‌های انسانی بر روی آن را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیدند که رفتار مسئولانه محیط‌زیستی، یکی از عناصر کلیدی در فرآیند توسعه پایدار محیط‌زیست در جوامع مدرن و در حال توسعه است. اولین مطالعه خارجی سبک زندگی محیط‌زیستی مربوط به کریستنسن ۱۹۹۷ است و از سال ۲۰۰۴ به طور گسترده این مفهوم توسط خارجی‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به کم بودن مطالعات سبک زندگی محیط‌زیستی در ادامه علاوه بر این مطالعات، مطالعاتی که نزدیک به مفهوم سبک زندگی محیط‌زیستی ارائه می‌گردد.

کریستنسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) به بررسی سبک زندگی‌های متفاوت پرداخته است. وی معتقد است که انتقال به یک جامعه پایدار به کندی اتفاق می‌افتد. اگرچه بسیاری از تغییرات در سیاست‌های عمومی برای اطمینان به صنعت سبز انجام گرفته، اما این تغییرات برای انتقال به جامعه پایدار کافی نیست، مگر اینکه خانواده‌ها نیز به این انتقال کمک کنند. وی با این مطالعه درصدد است تا نشان دهد که خانواده‌ها اثرات بسیار متفاوت بر محیط‌زیست دارند. تفاوت در سبک زندگی، یعنی این‌که ما چگونه روش زندگی کردن را انتخاب می‌کنیم، چه روش‌هایی برای حمل و نقل را انتخاب می‌کنیم و یا چگونه منابع و تدارکات زندگی را انتخاب می‌کنیم. این مطالعه نشان داد که تفاوت‌های زیادی در میان سبک زندگی خانواده‌ها وجود دارد. سبک زندگی خانواده‌های آمریکایی تا حد زیادی وابسته به حمل و نقل با ماشین شخصی، زندگی در خانه‌های بزرگ، خوردن مقدار زیادی گوشت دارد. علاوه بر این، سبک زندگی آنها هشت برابر



مخاطره‌آمیزتر از سبک زندگی سبز است. این مطالعه ضرورت توجه به سبک زندگی سبز به عنوان یک گام منطقی در گذار به یک جامعه پایدار را نشان می‌دهد.

مارچند<sup>۱</sup> و والکر<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) نیز مطالعه‌ای با عنوان بینشی برای سبک زندگی و اجتماعی پایدار: شهروندان محیط‌زیستی به عنوان آگاهی دهندگان کلیدی انجام داده‌اند. هدف این تحقیق طرحی برای درک پیچیدگی‌های مفاهیم ارائه شده است. تحقیق مذکور، این استدلال را مطرح می‌کند که رویکردی شهروندمحور که بر اشکال جایگزین جامعه مدنی مانند جنبش زندگی ساده و جوامع روستایی محیط‌زیستی - هر دو آنها سبک زندگی و اجتماع پایدار را ترویج می‌کنند - تمرکز دارد، بینشی برای کاوش در طبیعت، محدودیت‌ها و پتانسیل را برای اصلاح گسترده پایدار زندگی ارائه می‌دهد. همراه با ارائه یک چارچوب تجربی برای انجام چنین تحقیقی، این تحقیق به بررسی جزئیات معیارهای راهنمای شهروندان محیط‌زیستی به عنوان آگاهان کلیدی برای ساختن محیط‌زیست پرداخته است.

بار<sup>۳</sup> و گیلگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) به بررسی سبک زندگی پایدار: چارچوبی برای کنش محیط‌زیستی در داخل و اطراف خانه پرداختند. تحقیق آنها به بررسی ماهیت کنش محیط‌زیستی در داخل و اطراف خانه می‌پردازد. بدین منظور، طیف وسیعی از رفتارهای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و حفظ آب، بازیافت زباله و مصرف سبز مورد سنجش قرار گرفته است. پژوهشگران این تحقیق این استدلال را مطرح می‌کنند که با توجه به اظهارات مدافعان رهیافتی مشورتی نسبت تعامل مردم با محیط‌زیست، یک رویکرد مبتنی بر درک اجتماعی - روانی از رفتار می‌تواند مزایای قابل توجهی برای محیط‌زیست داشته باشد. هدف این تحقیق بررسی رفتار محیط‌زیستی در رابطه با دو موضوع کلیدی بوده است: اولی، روشی که در آن کنش محیط‌زیستی در اعمال روزمره (مانند رفتار مصرف) شکل می‌گیرد و دومی، چگونه این روش در میان بخش‌های مختلف مردم که بازتابی از سبک زندگی گروه‌های مختلف است. تحقیق مذکور، بینش‌های جدید برای بررسی سبک زندگی پایدار که بیشتر درک ما از چگونگی کنش برای کمک به

1. Marchand  
2. Walker  
3. Barr  
4. Gilg





محیط‌زیست در زندگی اعمال روزمره است و انواع سبک زندگی‌های مختلف را فراهم می‌کند. همچنین، این تحقیق بینش‌های جدیدی را برای دانش‌گاہیان و سیاست‌گذاران برای تمرکز بر گروه سبک زندگی به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار فراهم می‌کند.

گاتوسکی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۸) نیز به تحلیل سبک زندگی محیط‌زیستی می‌پردازند. رویکرد آنها برای تحلیل سبک زندگی محیط‌زیستی اقتصادی است. این مطالعه به ارتباط سبک زندگی و الگوی مخارج مردمان ساکن در ایالات‌متحده با اثرات محیط‌زیستی و پیامدهای اقتصادی می‌پردازد. نتایج تحقیق این پژوهشگران نشان می‌دهد که سبک زندگی متعارف، اثرات محیط‌زیستی بسیار بیشتری نسبت به میانگین جهانی دارد.

پارتیداریو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان چگونه دیدگاه پایداری سبک زندگی را هدایت می‌کند؟ به این مسئله اشاره کرده‌اند که در طول دو دهه گذشته طیف گسترده‌ای از تغییرات فنی، اجتماعی و سیاسی به لحاظ درک مفهوم پایداری ایجاد شده است. این تغییرات اساساً در تغییر مصرف منابع طبیعی، تغییر الگوی غلبه بر طبیعت و نوآوری‌های اقتصادی که رعایت قواعد حفظ محیط‌زیست در آن انعکاس یافته، دیده می‌شود. نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که تأکید بیشتر بر بسترهای خاص حفظ پایداری موجب می‌شود این اصول در انتخاب سبک زندگی، رفتار و انگیزه‌های مصرفی مردم بروز یابد.

گدن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی پیمایشی به بررسی تأثیر باورها و نگرش‌های محیط‌زیستی مصرف‌کنندگان بر رفتارهای صرفه‌جویی انرژی پرداختند. در این پژوهش که با تکیه بر یک چارچوب مفهومی در زمینه رفتار مصرف‌کننده محیط‌زیستی و در قالب چارچوب توسعه و با تکیه بر نظرسنجی از مصرف‌کنندگان سبز انجام شد. محققان دریافتند که همبستگی قوی‌ای بین نگرش‌های محیط‌زیستی و رفتارهای صرفه‌جویی انرژی وجود دارد. در این پژوهش که در یک دوره زمانی پنج‌ماهه (اکتبر ۲۰۰۲ - مارس ۲۰۰۳) مصرف مستقیم و غیرمستقیم انرژی ۱۸۹ خانواده هلندی مورد نظارت قرار گرفته شد، به منظور بررسی عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی مصرف مستقیم و غیرمستقیم انرژی از تئوری رفتار



برنامه‌ریزی شده آجزن، تئوری رفتار سازمانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری انسانی و مدل هنجاری فعالیت- اثرات هنجارمند در زمینه نوع‌دوستی- استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مصرف انرژی به وسیله متغیرهای اجتماعی- جمعیت‌شناختی تعیین می‌گردد، در حالی که تغییر در مصرف انرژی ممکن است به برخی از انواع تلاش (شناختی) نیازمند باشد، به متغیرهای روان‌شناختی مرتبط است. متغیرهای مدل هنجاری فعال‌سازی به مراتب بسیار بیشتر از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توانستند مسئله صرفه‌جویی انرژی را تبیین نمایند. بر اساس یافته‌های تحقیق، محققان مذکور ادعا کردند که به نظر می‌رسد، انواع مختلف مصرف انرژی و صرفه‌جویی انرژی با مجموعه‌هایی متفاوت از عوامل مسلط مرتبط باشند.

شولتز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) به مطالعه زباله‌ریزی پرداختند و درصد پیش‌بینی‌های شخصی و محیط‌زیست از رفتار ریختن زباله بودند. تمرکز بر همه موارد رفتار ریختن زباله بود، اما یک نمونه به طور جداگانه گزارش شده است. این مورد شامل ریختن ته سیگار بود. میزان ریختن زباله ته سیگار در میان افراد سیگاری ۶۵ درصد مشاهده شده بود. نتایج مشاهدات ریختن زباله به طور کلی نشان داد که ریختن ته سیگار شامل ۱۷ درصد از همه رفتارهای دفع زباله مشاهده شده بود. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از مدل چند سطحی نشان داد که سن (به طور منفی) پیش‌بینی کننده ریختن زباله فردی بود. در سطح مکان، وجود زباله در محل (به طور مثبت) و در دسترس بودن ظروف زباله‌های موجود (به طور منفی) ریختن زباله را پیش‌بینی می‌کردند. در نهایت، پیامدها برای استراتژی‌های پیشگیری زباله مورد بحث قرار گرفت.

نیورا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی در میان جوانان پرداخته است. مطالعات قبلی حاکی از اهمیت بررسی عوامل مؤثر بر دانش محیط‌زیستی، نگرش و رفتار در میان جوانان است. در این مطالعه، با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده شکاف بین نگرش محیط‌زیستی و رفتار واقعی جوانان بررسی شده است. تحقیق به صورت آنلاین در میان پاسخ‌دهندگان ۱۷-۳۶ ساله (در مجموع ۴۵۹)

1. Schultz  
2. Niaura



انجام شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که بین رفتار مسئولانه و نیت رفتار رابطه وجود داشته و بین این دو متغیر با نگرش رابطه‌ای قوی وجود داشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز نشان داد که فشار اجتماعی تأثیر کمتری بر نیت رفتاری جوانان در مقایسه با کنترل رفتاری درک شده دارد.

چن<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) تحقیقی با عنوان «اندازه‌گیری تأثیر تعلل و آگاهی محیط‌زیستی بر رفتارهای صرفه‌جویی انرژی خانگی: یک رویکرد تجربی» انجام داد و در آن به بررسی چگونگی میل به تعلل مردم و تأثیر آگاهی محیط‌زیستی بر رفتارهای صرفه‌جویی انرژی با استفاده از پیمایش پرداخت. نتایج تحقیق مذکور نشان داد افرادی که تمایل بیشتری به تعلل در کاری دارند، به میزان قابل توجهی کمتر احتمال دارد که در بسیاری از فعالیت‌های صرفه‌جویی انرژی درگیر شوند. این مطالعه همچنین به وجود یک رابطه مثبت بین آگاهی محیط‌زیستی و درگیر شدن در فعالیت‌های روزانه صرفه‌جویی انرژی پی برده است.

شیائو<sup>۲</sup> و مک کرایت<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) به آزمون تفاوت‌های جنسیتی رفتار محیط‌زیستی بر اساس فارغ‌البال بودن در زندگی پرداخته‌اند. در مقایسه با مردان، زنان اغلب نگرش‌ها و ارزش‌های طرفدار محیط‌زیست قوی‌تری را بیان می‌کنند و بیشتر درگیر رفتارهای شخصی محیط‌زیستی (نظیر بازیافت) می‌شوند، اما در رفتارهای عمومی محیط‌زیستی (نظیر پیوستن به اعتراضات محیط‌زیستی) وضعیت این گونه نیست. این مطالعه با استفاده از داده‌های پیمایش اجتماعی عمومی سال ۲۰۱۰، به دنبال آزمون این سؤال است که آیا این الگو بر اساس فارغ‌البال بودن در زندگی مردان و زنان اثبات می‌شود؟ آیا مسئولیت‌های محدودکننده زنان، نظیر داشتن شغل دستمزدی، زندگی در خانواده گسترده یا زندگی با والدین، با ضعیف بودن مشارکت آنها در رفتار عمومی محیط‌زیستی یا قوی بودن رفتار محیط‌زیستی خصوصی آنها مرتبط است؟ نتایج تحقیق نشان داد که زندگی با بزرگ‌سالان و نداشتن شغل دستمزدی، مشارکت زنان را برای داشتن رفتار محیط‌زیستی خصوصی افزایش می‌دهد.



ژانگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) عوامل مؤثر بر رفتار تفکیک پسماندهای خانگی را در شهر گوانگ ژوا چین بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بررسی کرده‌اند. همراه با متغیرهای مطرح در این تئوری سه متغیر دانش محیط‌زیستی و تعهدات اخلاقی و عوامل موقعیتی نیز مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نگرش نسبت به تفکیک پسماند ارتباط معناداری با نیت نسبت به رفتار تفکیک دارد. نگرش‌ها تمایل خانوارها را نسبت به رفتار تفکیک پسماند تعیین می‌نماید. دانش محیط‌زیستی و تعهدات اخلاقی هر دو تأثیر مثبتی بر روی نگرش دارند و تعهدات اخلاقی برای تعیین نگرش فاکتور مهم‌تری است. هنجارهای ذهنی نیز در این پژوهش ارتباط معناداری با رفتار تفکیک پسماند نشان دادند. متغیر کنترل رفتار برنامه‌ریزی شده نیز تأثیر مثبتی بر روی نیت رفتار دارد و نیت‌های رفتار تفکیک پسماند تأثیر مثبت بر روی تفکیک پسماند داشت. بین فاکتورهای موقعیتی و تفکیک پسماند، همبستگی منفی دیده شد، به طوری که خانوارها علی‌رغم داشتن زمان کافی تفکیک پسماند کمتری داشتند.

ورپلانکن<sup>۲</sup> و روی<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) به بررسی توانمندسازی مداخلات ترویج سبک زندگی پایدار: آزمون فرضیه انقطاع عادت در یک آزمایش میدانی پرداختند. این مطالعه فرضیه انقطاع عادت را مورد آزمون قرار داد. بر اساس این فرضیه زمانی که زمینه تغییرات دوره زندگی متحول می‌شود، مداخلات تغییر رفتاری مؤثرتر هستند. فرض بر این است، زمانی که عادات (به طور موقت) دچار اختلال می‌شوند، مردم به اطلاعات جدید حساس‌تر می‌شوند و پذیرش مجموعه ذهنی مساعد تغییر رفتاری است. آزمایش در میان ۸۰۰ شرکت‌کننده انجام شد که شامل دو گروه بود. گروه اول کسانی که تحت تأثیر مداخلات بهبود رفتار پایدار قرار داشتند و گروه دوم شامل کسانی که تحت تأثیر هیچ مداخله قرار نداشتند. در هر دو گروه شرایط نیمی از خانوارهای که به تازگی نقل مکان کرده بودند و یا خانوارهای که نقل مکان نکرده بودند، همسان بود. فراوانی ۲۵ سؤال رفتار محیط‌زیستی خود گزارشی سنجش شد و دوباره هشت هفته بعد این رفتارهای سنجش شد. نتایج نشان داد که در صورت کنترل رفتارهای گذشته، از مجموعه مداخلات

1. Zhang  
2. Verplanken  
3. Roy



انجام شده نظیر قدرت عادت، نیت، کنترل درک شده، ارزش‌های زیست‌کره، هنجارهای شخصی و درگیری‌های شخصی، بیشترین تأثیر را در میان مشارکت‌کنندگانی که به تازگی نقل مکان کرده بودند دارا بودند.

هینزا<sup>۱</sup> و مک کانل<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین هنجارهای محیط‌زیستی و پذیرش انرژی خورشیدی در استرالیا پرداختند. این تحقیق به تحلیل تغییر هنجاری در ذخیره انرژی برق به منظور درک چالش‌های مرتبط با ارائه هنجار رفتاری غیرقابل مذاکره و تغییرات لازم برای اطمینان از پایداری طولانی‌مدت محیط‌زیستی سیستم ذخیره انرژی پرداخت. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه اشکال قوی از تغییر سیاست مدرن محیط‌زیستی، سیاست‌هایی که در آن هنجارهای بوم‌شناختی واضح و آشکار است، بر حسب استدلال اقتصاد شدید کربنی که بیش از حد مخاطرات اجتماعی را مطرح می‌کنند، آسیب‌پذیر است. با این حال، انرژی خورشیدی فتوولتائیک با ضعیف‌ترین شکل از توسعه سیاست مدرنیزاسیون محیط‌زیستی مرتبط است که در آن طرفداران انرژی خورشیدی علی‌رغم مخالفت‌های جدی موفق شده‌اند نشان دهند که چگونه انرژی خورشیدی فتوولتائیک می‌تواند با توسعه رقابت و اهداف محیط‌زیستی موجب تقویت هنجارهای رقابتی شوند.

نیلان<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) به بررسی عادت محیط‌زیستی دانش‌آموزان اندونزی طرفدار محیط‌زیست پرداخته است. در این تحقیق، مفهوم عادت محیط‌زیستی از طریق گفتگو با دانش‌آموزان اندونزی طرفدار محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا، مفهوم عادت محیط‌زیستی در رابطه با فعالیت‌های محیط‌زیستی تعریف شد و پس از آن بحث‌های مربوط به فعالیت‌های محیط‌زیست در اندونزی مد نظر قرار گرفت.

برای ارائه تصویری کلی از تحقیقات پیشین، جدول ذیل مشخصات و خلاصه‌ای از تحقیقات گذشته را منعکس نموده است.



جدول (۱) خلاصه‌ای از مهم‌ترین نتایج تحقیقات خارجی

محقق / محققان	سال	مهم‌ترین نتیجه
کریستنسن	۱۹۹۷	نهاد خانواده از طریق اتخاذ نوع سبک زندگی تأثیرات متفاوتی بر گذار به جامعه پایدار دارد
مارچند و والکر	۲۰۰۴	اتخاذ رویکردی شهروندمحور برای اصلاح گسترده سبک زندگی پایدار
بار و گلیگ	۲۰۰۶	نقش شهروندان در اتخاذ سبک زندگی پایدار، با رویکردی جغرافیایی
گاتوسکی و همکاران	۲۰۰۸	بررسی رابطه بین سبک زندگی و الگوی مخارج یا هزینه‌های زندگی، با رویکردی اقتصادی
اسپارگان و استرویر	۲۰۱۰	نقش شیوه مصرف در ایجاد تغییر در محیط‌زیست
کارین اسکیل و پریگریگ	۲۰۱۰	رابطه درک فرد از عمل و رفتار در قبال محیط‌زیست و تمایل به مشارکت در اقدامات محیط‌زیستی
پارتیداریو و همکاران	۲۰۱۰	تأکید بر بسترهای حفظ پایداری بر انتخاب سبک زندگی پایدار تأثیرگذار است
مک کنزی و همکاران	۲۰۱۰	به دست آوردن درکی روشن از ویژگی‌های فردی کسانی که رفتار مسئولانه دارند برای تغییر در سبک زندگی معاصر
گدن و همکاران	۲۰۱۱	همبستگی قوی بین نگرش و رفتار صرفه‌جویی انرژی وجود دارد
نیورا	۲۰۱۳	کنترل رفتار درک شده نسبت به فشار اجتماعی تأثیر بیشتری بر قصد و نیت رفتار جوانان دارد
چن	۲۰۱۴	بین تمایل به تعلل در انجام فعالیت‌های روزمره و صرفه جوی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد همچنین آگاهی محیط‌زیستی بر فعالیت‌های روزانه صرفه‌جویی مصرف انرژی تأثیر مثبت دارد
گیبیرت	۲۰۱۴	بین نگرش‌ها و رفتار واقعی بازیافت زباله شکاف وجود دارد که این شکاف ناشی از عامل مطلوبیت اجتماعی این امر است.
شیائو و مک کرایت	۲۰۱۴	زنان دارای نگرش‌ها و ارزش‌های محیط‌زیستی قوی‌تری نسبت به مردان هستند و زنان بیشتر درگیر رفتارهای شخصی محیط‌زیستی می‌شوند و مردان بیشتر درگیر رفتارهای عمومی محیط‌زیستی می‌شوند.
ژانگ و همکاران	۲۰۱۵	دانش محیط‌زیستی و تعهدات اخلاقی بر نگرش محیط‌زیستی مؤثر هستند و هنجارهای ذهنی و متغیر کنترل رفتار برنامه‌ریزی شده ارتباط معنی‌داری با رفتار محیط‌زیستی دارد
ورپلاتکن و روی	۲۰۱۶	تأثیر مثبت مداخلات بهبود رفتار(زمانی که عادات به طور موقت دچار اختلال می‌شوند، مثل نقل مکان کردن) بر رفتارهای محیط‌زیستی.
هینز و مک کانل	۲۰۱۶	تأثیر تغییرات هنجاری در ذخیره انرژی برق، تغییر به سمت‌وسو پایداری طولانی‌مدت سیستم ذخیره انرژی
نیلان	۲۰۱۷	بررسی مفهوم عادت محیط‌زیستی در بین دانشجویان اندونزی

(یافته‌های تحقیق حاضر، ۱۳۹۸)



## ۲-۲) تجربه کشورهای مسلمان در خصوص سبک زندگی محیط‌زیستی

کشورهای مسلمان از حیث تنوع و گستردگی بسیار فراوانند و در اینجا، به تجربه دو کشور مسلمان یعنی اندونزی و ترکیه در زمینه سبک زندگی محیط‌زیستی می‌پردازیم تا شناخت بیشتری در این خصوص حاصل شود.

### ۱) مالزی

مالزی به عنوان یک کشور مسلمان در قالب برنامه ملی افق ۲۰۲۰، تعدادی از برنامه‌های آگاهی محیط‌زیستی را با کمک وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط در دست اجرا دارد. برخی از برنامه‌های آگاهی محیط‌زیستی ملی این کشور عبارت‌اند از: چشم‌انداز فرهنگ انرژی هوشمند که توسط کمیسیون انرژی این کشور در دست اجرا است، هر استان یک برنامه مصرف آب توسط وزارت کشاورزی، مدیریت پسماند توسط انجمن طبیعت مالزی و نظیر آن دارد. در این کشور شاخص جهانی آگاهی محیط‌زیستی هر دو سال یک بار سنجیده می‌شود.

ساداتیان<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۲) با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای روند توسعه پایدار در این کشور را مورد بررسی قرار داد. در برنامه نهم توسعه این کشور، توسعه پایدار در رأس برنامه‌های این کشور قرار گرفت و تحت تأثیر مجموعه اقدامات انجام‌شده، مالزی در میان ۱۴۶ کشور جهان در امر توسعه پایدار به رتبه ۳۸ و رتبه دوم در آسیا رسیده است. جامعه برابر و عدالت محور، پایداری توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست، سه رکن توسعه در این کشور تعریف شد. در برنامه افق ۲۰۲۰ هدف، تبدیل مالزی از یک کشور در حال توسعه به یک کشور توسعه یافته بود که توسعه نه فقط در بعد اقتصادی بلکه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فضایی، روان‌شناختی و فرهنگی مد نظر بود. اما در ارزیابی انجام شده در توسعه پایدار این کشور یک نقطه ضعف شناسایی شد که عبارت بود از نبود رویکردهای تطبیقی یا چارچوب‌ها و نبود شاخص‌های کافی از جمله توسعه پایدار، شاخص کیفیت زندگی، شاخص کیفیت زندگی شهری. انتشار آمارهای محیط‌زیستی در رابطه با وضعیت هوا، آب، زمین، محیط‌زیست دریایی و زمینی. شاخص ساخت و سازهای استاندارد و پایدار برای ارزیابی وضعیت محیط‌زیست



تعریف شده است. همچنین، نهادهای علمی نیز دستاوردهای خود را در روند توسعه پایدار و به خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی در اختیار سیاست‌گذاران این کشور می‌گذارند. در سال ۲۰۱۶، سائومی<sup>۱</sup> و همکارانش، آگاهی محیط‌زیستی ۱۳ ایالت را مورد بررسی قرار دادند. چهار مقوله آلودگی آب، آلودگی هوا، مدیریت منابع آبی و تغییر اقلیم و نیز رفتارهای محیط‌زیستی مردم با توجه به این چهار مقوله مورد سنجش قرار گرفت. مطابق یافته‌های به دست آمده، سطح آگاهی محیط‌زیستی مردم نسبت به این چهار مسئله در سطح متوسط قرار داشت و اولویت با مقوله آلودگی آب بود. در بحث تغییر اقلیم عامل مهم برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و آب، کاهش هزینه‌ها بود و نه نقش آگاهی محیط‌زیستی. در این بررسی آگاهی محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی همبستگی مثبت نداشت. به عبارت دیگر، افراد می‌دانستند که حفاظت از محیط‌زیست مهم است، اما این امر دلالت بر این نداشت که آنها قصد و نیت پذیرش مسئولیت انجام آن را بر عهده داشته باشند. این نتایج نشان دهنده مداخله عوامل اجتماعی - روانی است که بر روی نیت انجام رفتار محیط‌زیستی مردم مالزی تأثیر داشت.

شیسین آنگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) میزان اهمیت آموزه‌های اسلامی حفاظت از محیط‌زیست را نزد ۴۰۰ نفر از شهروندان مالزیایی بررسی کرد. آنها به طور اتفاقی از سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و شرکت‌های مختلف انتخاب شدند. روش بررسی کمی بود و از پرسشنامه اینترنتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که آگاهی محیط‌زیستی اسلامی با آگاهی محیط‌زیستی و حفاظت از محیط‌زیست همبستگی مثبت و نیرومند داشته است. این نتایج آگاهی اجتماعات مسلمان درباره محیط‌زیست‌گرایی اسلامی و نیز آگاهی داشتن درباره محیط‌زیست خویش را تأیید می‌کرد و همچنین یافته‌ها نشان داد که آگاهی محیط‌زیستی با حفاظت از محیط‌زیست همبستگی مثبت دارد. به عبارتی هر چه آگاهی بیشتر باشد سطح حفاظت از محیط‌زیست نیز بالاتر است.

1. Sau Meia  
2. Shwesin Aung





## ۲) ترکیه

با وجود اینکه در ترکیه تلاش‌هایی صورت گرفته است تا جریان محیط‌زیست‌گرایی را در کنار مارکسیست‌های طرفدار محیط‌زیست رونق بخشند، با این وجود، اسلام قطعاً مانند سایر ادیان آسمانی، در هسته فکری‌اش انسان را اشرف مخلوقات دانسته است. اسلام همه موجودات زنده را دارای حق حیات و ارزشمند دانسته و همواره بر تعادل‌گرایی تأکید دارد و به ارزش‌های طبیعی اهمیت می‌دهد. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که یکی از علت‌های گرایش مردم ترکیه به جنبش‌های محیط‌زیستی، دین اسلام بوده است. در سال ۱۹۷۷ اولین تظاهرات محیط‌زیستی این کشور در تاسیوکیو<sup>۱</sup> در مخالفت با ساخت نیروگاه اتمی اتفاق افتاد. در سال ۱۹۸۸ اولین حزب سبز (حزب یسلر<sup>۲</sup>) تأسیس شد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که جنبش محیط‌زیستی در این کشور قدمتی ۳۰-۴۰ ساله دارد. جنبش‌های محیط‌زیست‌گرایی در ترکیه به جای تمرکز بر روی مسائل جهانی محیط‌زیست، دریافته‌اند که مشکلات محلی محیط‌زیستی مانند خشک‌سالی یا کم‌آبی را بهتر می‌توانند در ادراک عمومی قرار دهند. یکی دیگر از تلاش‌ها در حوزه سیاست‌گذاری، راه‌اندازی اخبار 2B است که مربوط به مشکلات محیط‌زیست و منابع طبیعی است (دورو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۶-۷). آیدین و کینی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) و مودیرایگلو<sup>۵</sup> و آلتانر<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) و آیدین<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۱) دریافته‌اند که در ترکیه محیط‌زیست‌گرایی متفاوت است. به عبارت دیگر، نگرش و رفتار محیط‌زیستی برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، محل سکونت متفاوت بوده و آموزش محیط‌زیست از طریق رسانه‌ها یا در فضاهای آموزش رسمی مانند مدرسه یا دانشگاه بر آن تأثیر داشته است.

## ۲-۳) پیشینه داخلی

امام‌قلی (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود، به تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی محیط‌زیستی پرداخته است. پرسش اصلی تحقیق مذکور شامل دو پرسش جامعه‌شناختی، پرسش مبتنی بر

1. Tasucu
2. Yesiller Party
3. Duru
4. Cepni
5. Muderrisoglu
6. Altanlar
7. Aydin



واقعیت و پرسش نظری بود. پرسش مبتنی بر واقعیت تحقیق این بود که وضعیت سبک زندگی محیط‌زیستی چگونه است؟ و پرسش نظری تحقیق مذکور این بود که چه عواملی بر سبک زندگی محیط‌زیستی شهروندان تأثیرگذار هستند؟ علاوه بر این، متناسب با موضوع تحقیق و سؤالاتی که در مطالعه و بررسی مذکور مهم بوده‌اند، مطالعات خارجی و داخلی (پیشینه تجربی) و مدل‌ها و نظریه‌های مربوطه (پیشینه نظری)، ارائه و بررسی شدند. در تحقیق مذکور از تحقیقات تجربی برای متغیرهای جمعیت‌شناختی به عنوان چارچوب و نیز ترکیبی از مدل‌ها و نظریه‌ها به عنوان چارچوب نظری عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی و در نهایت از مدل رقابتی کارکردهای محیط‌زیستی به عنوان چارچوب نظری سبک زندگی محیط‌زیستی استفاده شد. روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی و روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای بوده است. همچنین، حجم نمونه شامل ۵۰۰ نفر از شهروندان شهر سنندج بوده است. از آزمون‌های آلفای کرونباخ و آزمون اسپرمن- براون و روش گاتمن برای سنجش پایایی استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها نشان داد که پرسشنامه تحقیق از پایایی قابل قبولی برخوردار است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. نتایج آزمون تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از اعتبار پرسشنامه بوده است. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که سبک زندگی محیط‌زیستی شهروندان در سه بعد الگوی رفتار محیط‌زیستی، الگوی فضای زندگی و الگوی مدیریت پسماند در وضعیت مناسب و پایداری قرار دارد.

کریم‌زاده (۱۳۹۶) در قالب رساله دکتری، به بررسی اهمیت اخلاق در مصرف در بین شهروندان، شناسایی متغیرها و عوامل مؤثر بر اخلاق مصرف و همچنین دستیابی به دلایل توجیهی مصرف‌کنندگان در ارتباط با شیوه‌های مصرف‌شان توجه داشت. روش این تحقیق ترکیبی و استراتژی مورد استفاده در آن متوالی اکتشافی بود. در فاز کیفی، به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رفتار مصرفی و میزان پایبندی به اخلاق مصرف در بین شهروندان، مصاحبه‌هایی عمیق و نیمه ساختار یافته انجام شدند. نمونه‌گیری به شیوه‌ی هدفمند و در میان شهروندان ارومیه‌ای انجام شد و اشباع نظری بعد از انجام ۲۰ مصاحبه حاصل شد. با استفاده از شیوه‌های کدگذاری نظریه زمینه‌ای، داده‌ها پیاده‌سازی و تحلیل شدند. در این



مرحله ۵ مقوله محوری استخراج شد. در فاز کمی، طراحی مدل تحقیق و فرضیه‌ها بر اساس مقوله‌های استخراج شده در فاز قبلی صورت گرفت. پس از طراحی گویه‌ها برای متغیرهای مورد نظر، نمونه‌گیری به شیوه‌ی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد و پرسشنامه‌ها در بین ۴۱۹ شهروند ارومیه‌ای توزیع شدند. یافته‌های این تحقیق در دو بخش کیفی و کمی ارائه شدند. در گام کیفی، پنج مقوله‌ی اصلی استخراج شد که عبارت بودند از اعتماد، عدم مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی، کالایی شدن پیوندهای انسانی، هویت‌گرایی مادی و کاتارسیس. سنجش این مقوله‌ها در فاز کمی نیز نشان داد که از بین مجموع متغیرهایی که فرض بر آن بود که با اخلاق مصرف در ارتباط باشند متغیرهای اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و هویت‌گرایی مادی بیشترین رابطه‌ی معنادار با متغیر اخلاق مصرف داشتند. در مجموع و با استناد به تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره، این متغیرها ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند. یافته‌ها نشان دادند که نارضایتی‌های عمومی شهروندان از وضعیت حاکم بر زندگی و شرایط اجتماعی‌شان نقش معناداری در نادیده گرفتن اخلاق در کنش‌های مصرفی روزانه داشت و دامنه‌ی آسیب‌های اجتماعی و محیط‌زیستی ناشی از این نوع نگاه به مصرف را روزبه روز وسعت بخشیده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که علی‌رغم شرایط محیط‌زیستی ایران که نیازمند توجه و حفاظت بیشتر از سوی شهروندان است، عدم توجه به اخلاق در مصرف با این استدلال از سوی شهروندان توجیه شده که رفتار آنها بازتابی از رفتارهای مسئولان و متولیان حوزه‌های تصمیم‌گیری برای مصرف و محیط‌زیست بود.

رستگار و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارزش‌های محیط‌زیستی و سبک زندگی و عوامل تعیین‌کننده رفتار (بوم‌شناختی) مصرف‌کننده پرداخته‌اند. هدف این مقاله تبیین آن دسته از ارزش‌ها و سبک‌های زندگی بود که رفتارهای دوستانه با محیط‌زیست را بهترین وجه تشریح می‌کنند این مقاله ارتباط بین متغیرهای ارزش‌ها و سبک زندگی را با متغیرهای محیط‌زیستی، نگرشی و دانشی جهت تشریح ساختار بوم‌شناختی شهروندان شهرهای قم و کرج مورد سنجش قرار داد. ۵۴۰ پرسشنامه در شهرهای قم و کرج توزیع شد که از آن ۳۹۳ پرسشنامه سالم دریافت و داده‌های اولیه از طریق آن جمع‌آوری گردید. پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق، از نوع استاندارد بوده و روش تحقیق هم از لحاظ هدف کاربردی و از نظر شیوه



گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع پیمایشی بود. تحلیل صورت گرفته بر روی داده‌ها نیز از نوع ساختاری بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که الگوهای زیستی، مدگرایی و روحیه هیجان‌طلبی بهترین تعیین‌کننده‌های بخش بازار سبز است. در این تحقیق متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، جنسیت، تحصیلات و میزان درآمد خانوادگی نیز مورد بررسی قرار گرفتند که نشان دهنده تأثیر درآمد خانوادگی و سطح تحصیلات بر رفتار بوم‌شناختی بود. مدل مورد استفاده در این پژوهش احتمالاً برای اولین بار در ایران مورد استفاده قرار گرفته شده، علاوه بر آن متغیرهای مربوط به سبک زندگی زیستی و جمعیت‌شناختی نیز به این مدل اضافه شده‌اند. این تحقیق به بازاریابان و محققان برای شناخت هر چه بیشتر جامعه آماری مورد تحقیق جهت شناسایی بازار کالاهای بوم‌شناختی و شناسایی ویژگی‌های مصرف‌کنندگان علاقه‌مند به این کالاها کمک‌کننده است.

صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۵) سبک زندگی پایدار را نقطه شروع ارزیابی پیامدهای محیط‌زیستی دانسته‌اند که بر چرخه زندگی وارد می‌شود؛ بنابراین، از دیدگاه سبک زندگی باید به اقداماتی که افراد انجام می‌دهند و پیامدهای محیط‌زیستی آن توجه داشت. در این تحقیق، میزان گرایش دانشجویان نسبت به سبک زندگی پایدار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفت. سبک زندگی پایدار نوعی شیوه زندگی سازگار با محیط‌زیست و پایدارسازی منابع انرژی برای کاهش تولید کربن تعریف شد. این بررسی با رویکرد کمی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ۴۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان مازندران به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان داد که سبک زندگی دانشجویان، ناپایدار بوده و میزان رعایت سبک زندگی پایدار بر حسب جنسیت و محل سکونت دانشجویان متفاوت است. به عبارت دیگر، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و شهرنشینان بیش از روستانشینان سبک زندگی پایدار داشتند. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که بین منابع اطلاعات محیط‌زیستی، نگرش و دانش محیط‌زیستی و سبک زندگی پایدار رابطه مستقیم داشت. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که منابع اطلاعاتی و نگرش محیط‌زیستی بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی پایدار دانشجویان داشته‌اند.



فتحتی و همکاران (۱۳۹۴) به تحلیل رفتارهای محیط‌زیستی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی پرداختند. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سبک زندگی و رفتارهای محیط‌زیستی ساکنان شهر رشت بود. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی و جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۶ سال ساکن شهر رشت بودند که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای به صورت تصادفی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش مذکور نشان داد که بین سبک زندگی و رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود نداشت. به نظر می‌رسد مسئله محیط‌زیست در شهرهایی مانند رشت به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی تلقی نمی‌شود و بحثی است که هنوز وارد عرصه عمومی نشده و محدود به نخبگان جامعه می‌باشد.

بنی فاطمه و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط‌زیستی در بین شهروندان شهر تبریز پرداختند. هدف این تحقیق بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط‌زیستی و تأثیر ابعاد این دو متغیر بر یکدیگر بود. در این تحقیق محققان با استفاده از نظریه پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان یک عنصر تأثیرگذار در زندگی شهروندان شهر تبریز تلقی شده که به رفتار اجتماعی آنها جهت داده است. همچنین، سبک زندگی شامل مجموعه‌ای از رفتارهای محیط‌زیستی است. نتایج تحقیق نشان داد از میان ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی، ابعاد مشارکت و انسجام اجتماعی رابطه معنی‌دار با سبک زندگی محیط‌زیست داشت. اما، اعتماد اجتماعی با سبک زندگی محیط‌زیستی رابطه‌ای نداشت. همچنین بین تحصیلات و سبک زندگی محیط‌زیستی رابطه معنی‌دار وجود داشت. ولی بین درآمد و سبک زندگی محیط‌زیستی رابطه‌ای مشاهده نشد. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد مشارکت اجتماعی، تحصیلات و انسجام اجتماعی بر روی هم حدود ۱۱ درصد از واریانس سبک زندگی محیط‌زیستی را تبیین کردند.

نواح و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز) پرداختند. هدف از نگارش تحقیق مذکور بررسی رابطه میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی در شهر اهواز بود. روش بررسی در این تحقیق، پیمایشی و ابزار سنجش پرسشنامه و نمونه تحقیق شامل ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر اهواز بود که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های این تحقیق



نشان داد که بین متغیرهای سن، جنس و تحصیلات با رفتار محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود داشته است. ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه متغیرهای میزان دین‌داری و رفتار محیط‌زیستی ۰/۰۸ و سطح معناداری ۰/۱۱ که نشان از این بود که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد، اما ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه میزان دین‌داری و ارزش محیط‌زیستی ۰/۱۵ و ارزش محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی ۰/۱۶ به دست آمد که هر دو رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی سبک زندگی و تأثیر آن بر میزان مصرف انرژی پرداختند. برای بررسی سبک زندگی متغیرهای اندازه منزل و نحوه معماری آن را در نظر داشته و منظور آنها از مصرف انرژی، میزان مصرف برق بر اساس قبض دریافتی از اداره برق شهر گرگان بود. نمونه آماری آنها شامل ۳۸۲ نفر از شهروندان شهر گرگان بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان داد که سن افراد، زیربنای ساختمان، تعداد لوازم برقی موجود در منزل، نحوه معماری منزل بر میزان مصرف برق تأثیرگذار است. علاوه بر این، نتایج نشان داده که سبک زندگی افراد در مصرف انرژی شهروندان تأثیرگذار بود. برای ارائه تصویری کلی و در عین حال موجز، مشخصات و نتایج عمده تحقیقات پیشین داخلی در جدول زیر منعکس شده است



جدول ۲) خلاصه‌ای از مهم‌ترین نتایج تحقیقات داخلی

محقق / محققان	سال	مهم‌ترین نتیجه
محمدی و همکاران	۱۳۹۰	سن افراد، زیربنای ساختمان، تعداد لوازم برقی موجود در منزل، نحوه معماری منزل بر میزان مصرف برق تأثیر دارد.
نواح و همکاران	۱۳۹۰	بین دین‌داری و رفتار محیط‌زیستی رابطه‌ای وجود ندارد بین دین‌داری و ارزش‌های محیط‌زیستی رابطه وجود دارد.
بنی فاطمه و همکاران	۱۳۹۱	مشارکت و انسجام اجتماعی رابطه‌ای با سبک زندگی محیط‌زیستی دارد بین اعتماد اجتماعی و درآمد با سبک زندگی محیط‌زیستی رابطه‌ای وجود ندارد.
حاجی‌زاده میمندی و همکاران	۱۳۹۳	بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی و رفتار محیط‌زیستی رابطه مثبتی وجود دارد.
فتحی و همکاران	۱۳۹۴	بین سبک زندگی و رفتار محیط‌زیستی رابطه‌ای وجود ندارد.
صالحی و پازوکی‌نژاد	۱۳۹۵	نتایج تحقیق نشان داد که سبک زندگی دانشجویان، ناپایدار بوده و میزان رعایت سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت و محل سکونت دانشجویان متفاوت است. به عبارت دیگر، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و شهرنشینان بیش از روستانشینان سبک زندگی پایدار داشتند. علاوه بر این بین منابع اطلاعات، نگرش و دانش محیط‌زیستی و سبک زندگی پایدار رابطه مستقیم داشت.
رستگار و همکاران	۱۳۹۶	یافته‌های تحقیق نشان داد که الگوهای زیستی، مدرگرایی و روحیه هیجان‌طلبی بهترین تعیین‌کننده‌های بخش بازار سبز می‌باشند.
امام قلی	۱۳۹۷	نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که سبک زندگی محیط‌زیستی شهروندان در سه بعد الگوی رفتار محیط‌زیستی، الگوی فضای زندگی و الگوی مدیریت پسماند در وضعیت مناسب و پایداری قرار دارد.
کریم زاده	۱۳۹۶	از بین مجموع متغیرهایی که فرض بر آن بود که با اخلاق مصرف در ارتباط باشند متغیرهای اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و هویت‌گرایی مادی بیشترین رابطه‌ی معنا دار با متغیر اخلاق مصرف دارند.

(یافته‌های تحقیق حاضر، ۱۳۹۸)

۲-۴) نتیجه‌گیری پیشینه موضوعی

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد غالب پژوهش‌هایی که در پیشینه‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همانند یک روند مشابه در سیاست‌های محیط‌زیستی به طرح مسائل خاصی مانند صرفه‌جویی در مصرف انرژی و بازیافت پرداخته‌اند. تحقیقات پیشین انجام شده در داخل کشور، نشان داد که در داخل کشور یک سنت پژوهشی سیستماتیک حول موضوع تحقیق یعنی سبک زندگی محیط‌زیستی شکل نگرفته است.

در اینجا سعی شده است تا با استفاده از پژوهش‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی در ارتباط با عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی، فرضیه‌های اولیه تدوین شود و پس از بررسی



پیشینه نظری و اتخاذ رویکرد نظری مناسب و تعیین متغیرها، ارزیابی و سنجش رویکرد نظری و متغیرها در جامعه آماری مورد نظر صورت پذیرد. تحقیق حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی به تحلیل جامعه‌شناسانه سبک زندگی محیط‌زیستی با استفاده از نظریه‌های حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست و تحلیل سبک زندگی محیط‌زیستی و ارتباط آن با الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی می‌پردازد.

### ۳) مبانی نظری

در اینجا، پیشینه نظری پژوهش اعم از نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مدل‌های مرتبط با موضوع پژوهش مطرح می‌شوند. هر حوزه علمی تحت تسلط یک یا چند نظریه بنیادین یا انگاره است. بدون یک بنیاد نظری نمی‌توان یافته‌ها را در قالب یک علم جای داد. وقتی داده‌های کمی پژوهشی و نیز داده‌های کیفی‌ای که قابلیت تبدیل به کمیت را دارند، از نظر آماری تحلیل می‌شوند، نمی‌توان با قاطعیت نتیجه به دست آمده را واقعی و معنادار به حساب آورد. در حقیقت، معنی‌داری واقعی یعنی انطباق نتیجه به دست آمده با پایه مفهومی و زمینه‌ای که در آن، این انطباق به وقوع می‌پیوندد. پس، اگر مطالعه مورد نظر یک پایه مفهومی درستی داشته باشد و مبتنی بر نظریه‌های موجود انجام شود، می‌بایست با آنها نیز قابل توجیه باشد. بنابراین، نظریه‌ها به عنوان یک پایه مفهومی برای هدایت پژوهش و مطالعه به کار می‌روند (امام قلی، ۱۳۹۷). در اینجا مفاهیم اصلی و نظریات مربوط به سبک زندگی و ارتباط آن با محیط‌زیست و دین با تکیه بر دیدگاه‌های جامعه‌شناسی محیط‌زیست و پیشینه تحقیق ارائه می‌شود.

#### ۳-۱) تعریف مفاهیم

در اینجا، به ارائه تعریف مفاهیم مورد نظر در این پژوهش می‌پردازیم که عبارت‌اند از: الف) سبک زندگی، ب) سبک زندگی محیط‌زیستی، ج) سبک زندگی پایدار، د) سبک زندگی پایدار اسلامی.

#### ۳-۱-۱) سبک زندگی

سبک زندگی، ادراک از خویشتن و جهت‌گیری ارزشی فرد را منعکس می‌کند. در عصر حاضر، بدون سبک زندگی و هویت اجتماعی یعنی بدون چارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و





تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و پایدار میان خود را نخواهد داشت (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). سبک زندگی مفهومی است که شامل عملکردها، رفتارها و در کل شیوه زندگی است. بسیاری از عملکردهای مصرفی و رفتارها سلیقه‌ای هستند و با هدف آسان‌تر شدن زندگی انجام می‌شوند. هر محصول یا هر خدمتی که استفاده می‌شود انتخابی و سلیقه‌ای است. زیرا به طریقی برآورده شدن نیازها را تسهیل می‌کند و بر کیفیت زندگی فرد می‌افزاید.

### ۳-۱-۲) سبک زندگی محیط‌زیستی

سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی و احساس مسئولیت در برابر محیط‌زیست به ویژه مواردی نظیر مصرف کالاهای سبز، مصرف بهینه انرژی، معماری پایدار (رعایت استانداردهای محیط‌زیستی مقررات مبحث ۱۹ ساختمان)، حمل و نقل پایدار، تفکیک زباله‌ها و بازیافت آن را شامل می‌شود. سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی به آن نوع سبک زندگی گفته می‌شود که با اجتناب از آسیب رساندن به محیط‌زیست و جلوگیری از مشکلات محیط‌زیستی، تضمین‌کننده حد بالایی از سلامت محیط‌زیست باشد. در حالی که برآورده ساختن نیازهای مردم با توجه به منابع محدود بزرگ‌ترین چالش پیش رو است، سبک زندگی مسئولانه محیط‌زیستی به معنای به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی، تولید زباله و آلاینده‌ها است (بیکهوس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۸-۲۰). آنچه که ارتباط انسان با محیط‌زیست را بیش از اندازه تحت تأثیر قرار می‌دهد، نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست و به ویژه سبک زندگی محیط‌زیستی است. یعنی اینکه انسان در ارتباط با محیط‌زیست چه سبکی را برای زندگی خود در پیش می‌گیرد. به طور کلی، سبک زندگی محیط‌زیستی یا به عبارتی، شکل زندگی مردم و انتخاب‌های آنها برای مصرف کالا و خدمات خاص یا شیوه زندگی خاص تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر محیط‌زیست دارد.



### ۳-۱-۳) سبک زندگی پایدار

سبک زندگی پایدار مفهومی است که در یک چارچوب گسترده‌تر یعنی توسعه پایدار قرار می‌گیرد. توسعه پایدار توسعه‌ای است تا زمینه مشترکی در میان گروهی از دولت-ملت‌های پراکنده و اغلب متعارض و نیز سایر گروه‌های اجتماعی ایجاد شود (ساتن، ۱۳۹۲: ۲۷۰). از دیدگاه فلسفه اسلامی، توسعه پایدار در جستجوی ایجاد تعادل میان محیط‌زیست و ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. به عبارتی دیگر، تعادل‌گرایی در تأمین رفاه مصرف‌کننده و کارآمدی اقتصادی و تعادل اکولوژیکی در کنار مدل اجتماعی عدالت اجتماعی که با دو رکن پرداخت زکات و انفاق یا بخشش به کاهش فقر می‌انجامد، اساس مدل توسعه پایدار اسلامی است (آبورونیا<sup>۱</sup> و سیکستون<sup>۲</sup>، بی‌تا: ۷۶۳). مفهوم سبک زندگی پایدار به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. به نظر دارنتن<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۸) سبک زندگی پایدار الگوهای کنش و مصرفی است که مردم برای متمایز ساختن خود از دیگران به کار می‌گیرند. تأمین نیازهای پایه، حداقل مصرف منابع طبیعی و تولید ضایعات، احترام به نیازهای نسل آینده از جمله شرایط داشتن سبک زندگی پایدار است. بنابراین، هر گونه تلاش مؤثر برای تغییر الگوهای سبک زندگی با توجه به پایداری مستلزم درک چرایی مصرف کالاها به طریق دلخواه، ترویج آگاهی برای تغییر الگوهای مصرف و تثبیت امکان تمایل فرد به تغییر الگوها می‌باشد (بدفورد<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۴: ۱-۵).

### ۳-۱-۴) سبک زندگی پایدار اسلامی

با اتکا به مجموعه مطالعات انجام‌شده در حوزه ارتباط بین اسلام و طبیعت، می‌توان سبک زندگی اسلامی پایدار اسلامی را این گونه تعریف نمود: هرگاه افراد با لحاظ کردن امانت‌دار بودن خویشتن در برابر آنچه خالق جهان هستی برای تأمین نیازهای جسمانی، روحی و رفاه در اختیار آنها نهاده است، در برابر محیط‌زیست مسئولانه عمل کنند گفته می‌شود که آنها سبک زندگی اسلامی پایدار را در پیش گرفته‌اند (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۸).

1. Aburounia  
2. Sexton  
3. Darnton  
4. Bedford



### ۲-۳) رویکردها

#### ۱-۲-۳) محیط‌زیست‌گرایی از دیدگاه اسلامی

قرآن و سنت منابع تفکر اسلامی هستند. شریعت راهنمای مسلمانان است. در اسلام تعیین آنچه مفید یا مضر است صرفاً مبتنی بر استدلال انسانی نیست و شریعت اسلام آنها را تعیین می‌کند. این اصول، طرز فکر و عملکرد ۱/۴ میلیارد مسلمان را تعیین می‌کند. در اسلام، مالک حقیقی خدا است و حیات از او نشأت می‌گیرد. رفتار انسان در برابر محیط‌زیست طبیعی بر اساس فرمان خداوند ارزیابی می‌شود. ارزش‌های کانونی در اسلام مستقیماً با توحید و بندگی خداوند مشخص شده است. بنابراین، ارزش ذاتی فقط به خدا تعلق دارد و ارزش چیزهای دیگر در رابطه با او تعریف می‌شود. پس همه اشیاء و موجودات زنده و بی‌جان ارزشمند بوده و انسان مسئول مراقبت از طبیعت و همه اجزا و تعلقات آن است. در این نگرش، معیار ارزیابی برای یک عمل با علم اخلاق تعریف می‌شود. عمل انسان اخلاقاً زمانی درست است که او مطابق با آیین الهی عمل کند. برخورد با طبیعت بر اساس فرمان الهی همان چیزی است که در اسلام از انسان خواسته می‌شود در برابر طبیعت و هستی عمل کند. از این رو، عملکرد انسان در برابر طبیعت را می‌توان بر اساس چنین فرمان‌هایی ارزیابی کرد (عابد سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸). جدول زیر دو پرسش اخلاق محیط‌زیستی و پاسخ به آن را بر اساس یک رویکرد اسلامی نشان می‌دهد.

#### جدول ۳) دو پرسش اساسی و پاسخ علم اخلاق اسلامی به آن

پرسش اول: ارزش ذاتی به چه کسی تعلق دارد؟ از منظر حکمت الهی: همه موجودات زنده و بی‌جان (کل هستی) مخلوقات خداوند هستند و دارای ارزش‌اند. آنها شایسته برخورد با رعایت ملاحظات اخلاقی هستند.
پرسش دوم: معیارهای ارزیابی یک رفتار اخلاقی چیست؟ انسان به عنوان یک امانت‌دار الهی می‌بایست ضمن بهره‌برداری از طبیعت و جهان هستی به آن احترام بگذارد و سایر موجودات هستی را دارای حق حیات بداند.

(عابدی سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸)

دیدگاه اسلامی سهم خاصی را برای الهی محوری قائل است که طبق آن، خداوند خالق و احاطه‌کننده بر هر مخلوقی است. تبیین اخلاق محیط‌زیستی بر این اساس سبب شکل‌گیری



یک رویکرد اخلاقی تطبیقی‌تر برای درک رابطه متقابل انسان - طبیعت می‌شود (عابدسروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸: ۶۱۳).

جدول ۴) مقایسه مکاتب ارزشی مختلف درباره محافظت از محیط‌زیست

معیارها				ارزش‌های کانونی
جامعیت	تضمین‌ها	مسئولیت‌پذیری	پیوستگی بین انسان و طبیعت	
انسان اولویت دارد	منافع انسانی نباید به خطر بیفتد	انسان‌ها نسبت به یکدیگر متعهدند	انسان‌ها و طبیعت دو چیز متفاوت هستند	انسان‌محوری
گونه‌های زنده اهمیت دارند	حیات برخی از گونه‌های زنده نباید تهدید شود.	انسان فقط در برابر برخی از موجودات زنده مسئول است	انسان‌ها و گونه‌های زنده در برخی چیزها با هم مشترک‌اند	زیست‌محوری
اجزای اکوسیستم مهم‌اند	ثبات اکوسیستم نباید به خطر بیفتد	انسان فقط در برابر اکوسیستم به عنوان یک کلیت مسئول است	انسان‌ها به اکوسیستم مرتبط‌اند	محیط‌محوری
کل هستی اهمیت دارد.	مخلوقات و هستی نباید تهدید شود.	انسان در برابر خداوند و مخلوقاتش مسئول است	انسان با همه مخلوقات خداوند در ارتباط است	خدای‌محوری

(عابدی سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸)

همچنین دو نگرش نسبت به روابط بین انسان و طبیعت وجود دارد: شیوه مداخله‌گرایانه و شیوه تربیتی<sup>۱</sup>؛ خدا، انسان‌ها و طبیعت ارکانی مجزا اما در سلسله‌مراتب روابط دیده می‌شوند. این دو نگرش ناکامل هستند. نگرش مداخله‌گرانه به این دلیل نقد شده است که انسان‌محور است. اگرچه نگرش تربیتی نیز تلاش دارد تا از منظر اصول اخلاقی رابطه انسان و طبیعت را ببیند، اما به دلیل تأکید بر جدایی حیات و مذهب به شدت مورد انتقاد است. در اسلام، رابطه خداوند-انسان و طبیعت وقتی بهتر فهمیده می‌شود که درک کنیم همه چیزها توسط خداوند آفریده شده است. اسلام رویکرد مناسبی برای حفاظت از محیط‌زیست نیز محسوب می‌شود زیرا همه هستی را یک نظام منسجم و یکپارچه می‌بیند. رابطه انسان و طبیعت در دیدگاه اسلامی باید این گونه نگریسته شود که نه تنها خداوند همه چیز را خلق کرده بلکه آنها را در بر گرفته است. تحت این شرایط، ذات روابط انسان و طبیعت در یک چارچوب تطبیقی منحصر به فرد قابل توصیف است (عابدسروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸) و بنیان آرای دینی سنتی درباره



نظام طبیعت همه مبتنی بر اعتقاد به وحدت وجود است. بر اساس نظریه وحدت وجود، تنها یک حقیقت غایی در آفرینش وجود دارد و آن نیز خداوند است که به «وحدت متعالی وجود» تعبیر می‌شود. طی چند سال گذشته برخی از دانشمندان پیشنهاد کرده‌اند که فرضیه گایا که زمین و عالم مرئی مادی را به عنوان یک موجود زنده می‌بیند که همه اجزای آن به شیوه غیرقابل پیش‌بینی با هم پیوند دارند تبیین می‌کند. فرضیه گایا فرضیه‌ای است که تنها به حیطه مادی اشیا محدود می‌شود. درست است که کشف پیچیدگی‌های رابطه جنگل‌های آمازون و تغییرات آب و هوا در زمینه مطالعات طبیعت و محیط‌زیست چارچوب جامعی ارائه می‌دهد اما فرضیه مزبور حتی اگر به کهکشان‌ها و جهان بیکران نیز بسط داده شود هنوز حیطه مادی را به عنوان یک نظام بسته و محدود به خود می‌بیند. ادراک دینی نظام طبیعت افق فرضیه گایا را وسعت می‌بخشد و نه تنها رابطه میان آلودگی خون خرس قطبی با آلودگی رودخانه هودسن را نشان دهد، بلکه قادر است تعادل همه‌جانبه‌ای را که به برکت کلام و تجلیات گوناگون اصل الهی نشان دهد که بر ملائک و مراتب معنوی، برزخی و روانی عوالم دینی مختلف حاکم است. بنابراین ادراک دینی نظام طبیعت حقیقت «ادراک وجود» را روشن می‌سازد، در صورتی که فرضیه گایا تنها انعکاسی از حقیقت، تجسم عرضی و دو بعدی آن است (نصر، ۱۳۸۹: ۵۳۴-۵۳۵).

در جدول (۲) معرفت اسلامی و سایر مکاتب ارزشی در اخلاق محیط‌زیستی مقایسه شده است که فواید آنها را می‌توان در نحوه محافظت از طبیعت درک کرد. زمانی که ما به سؤال بدون پاسخ درباره یافتن راهی برای رسیدن به اجماع درباره عملکردمان نسبت به هستی بر می‌گردیم، اهمیت این مقایسه بهتر تشخیص داده می‌شود. این اجماع و توافق برای موعظه موجودی مانند انسان و بازداشتن او از تخریب محیط‌زیست لازم است. معرفت دینی اسلامی بر روی یک سری از عوامل مهم برای حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد. اینها عبارت‌اند از پیوستگی بین انسان‌ها و طبیعت، تضمین عملکرد درست و جامعیت که در جدول شماره ۲ این محورها در بین کانون‌های ارزشی اخلاق محیط‌زیستی مقایسه شده‌اند. اخلاق محیط‌زیستی اسلامی اهمیت چنین عملکردهایی را با بیان نقش و اهمیت مخلوقات و نیز نحوه برخورد انسان با آنها ترویج نموده است:



الف. طبیعت هدیه خداوند است: بیش از ۷۵۰ آیه در قرآن است که به طبیعت مربوط است/ گفته شده است که طبیعت در واقع فضل خداوند برای بشریت و همه موجودات زنده در روی زمین است (سوره جاثیه، آیه ۱۳).

ب. آب: در فرهنگ اسلامی، آب بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کلمه «ماء» تقریباً ۶۰ بار در قرآن آورده شده است. آب منشأ حیات است (سوره انبیا، آیه ۳۰).

ج. زمین: هر مسلمانی در نمازهای یومیه چندین بار در برابر خداوند بر روی زمین سجده می‌کند. در متون اسلامی زمین اصلی برای خلقت انسان معرفی شده است (سوره طه، آیه ۵۵). همچنین، زمین مادر همه انسان‌ها معرفی شده است. پیامبر اسلام می‌فرماید: از زمین مراقبت کنید زیرا آن مادر شما است.

د. نهی از جنگل‌زدایی: اسلام مخالف قطع درختان و تخریب جنگل‌ها است. اسلام به شدت مسلمانان را به کاشت درختان و گیاهان و مراقبت از آنها توصیه کرده است و آن را نوعی عبادت می‌داند.

ه. حفظ منابع آب: آب در قرآن ریشه حیات عنوان شده است. خداوند در قرآن درباره نحوه حفظ حیات از طریق آب و پایداری بقای آن به وسیله باران، رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها که مایه حیات میلیون‌ها مخلوق هستند سخن گفته است (سوره نحل، آیه ۶۵).

و. حفاظت از جانوران و گونه‌ها: خداوند می‌فرماید: همه موجودات زنده به اندازه انسان‌ها حق حیات دارند و حریم آنها باید حفظ شود. بنابراین باید برای حفظ حیات گونه‌های جانوری و گیاهی تلاش کنیم.

ز. حفظ منابع به عنوان امانت الهی: تاکنون درباره مفهوم نگهبان<sup>۱</sup> (خلیفه) در اندیشه مدرن محیط‌زیستی بسیار سخن رفته است. از نقطه نظر قرآن، این جایگاه کاملاً روشن می‌باشد: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گذاشت» (سوره بقره، ۳۰). خداوند مالک حقیقی همه منابع است. بشر بایستی به طریق‌های درست از آنها استفاده کند و در صورت تملک باید آنها را امانت الهی بداند و نباید آنها را هدر دهد. امانت بودن طبیعت، به انسان وظیفه‌ی محافظت از آن را گوشزد می‌کند. پیامبر اسلام (ص) نیز فرموده است: «اگر



مسلمانی درختی بکارد یا مزرعه‌ای آباد کند و پرندگان، جانوران و افراد از آن بهره‌مند شوند نوعی خیرات برای او محسوب می‌شود». حفاظت از محیط‌زیست زمانی محقق می‌شود که چنین ارزش‌هایی مورد قبول همگان واقع شود و بخش جدایی‌ناپذیر از روان و وجود شخص شود. در واقع، انسان در میان یک رابطه دوجانبه قرار گرفته است: انسان خلیفه و نگاهبان سایر مخلوقات و زمین است که در قبال آنچه که به آن تسلط دارد مسئول و متعهد شده و در عین حال خود انسان بنده خداوند است چرا که در قبال رفتار خود پاسخگو باید باشد (فولتزر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

ط. آخرت (حیات ابدی): در نظام ارزشی اسلام همه اعمال نیک پایدار است ولی برخی از کارها به عنوان اعمال جاودانه و ماندنی مطرح شده‌اند. از جمله آثار خیر ماندنی، احیای محیط‌زیست مانند درختکاری، حفر قنات یا چاه آب، سدسازی و دیگر فعالیت‌هایی است که بستر مناسبی را برای زیست بشر فراهم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). آخرت یکی از باورهای بنیادی اسلام است و دلالت بر اصل اسلامی مسئولیت‌پذیری و حسابرسی دارد. یک مسلمان باور باید داشته باشد که هر کاری (خوب یا بد) حتی به اندازه ذره‌ای باشد در آخرت محاسبه می‌شود. او قطعاً تأثیر انتخاب‌هایش بر زندگی اخروی خود را باید پیش از هر تصمیمی برآورد کند. این باور همچون سیستم نظارتی درونی در ذهن و قلب یک مسلمان بوده و او را در قرار گرفتن در مسیر درست و بازداشتن از اعمال ناشایست و بیهوده باز می‌دارد. آیات ۷ در سوره زلزال، ۱۵ در سوره جاثیه، ۳۱ در سوره نجم گواه بر این نظرات است. بنابراین، یک جامعه اسلامی رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه‌ای باید داشته باشد که به حفظ تعادل آن کمک کند.

ی. *مقابله با فساد*: فساد انواع مختلفی دارد- جرائم، تقلب سیاسی، نظام‌های بانکداری غیرقانونی، سرقت، احتکار و غیره. بسیاری از این نوع فسادها پنهانی انجام می‌شوند و می‌توان به فهرست آنها جرائم محیط‌زیستی را نیز افزود مانند جنگل‌زدایی، آلوده ساختن منابع طبیعی (زمین و آب با پسماندها)، تخلیه غیرمجاز پسماندهای صنعتی، جنگل‌زدایی و غیره. قطعاً زشتی چنین اعمالی به اندازه قتل نیست ولی در بلندمدت بلای جان انسان‌ها شده و حیات آنها را تهدید می‌کند و این چیزی است که قرآن درباره آن هشدار داده است (سوره قصص، آیه ۷۷). هر عمل شایسته‌ای از جانب خداوند رحمت را به همراه دارد و هر عمل ناشایستی نیز



متعاقباً خشم و غضب الهی را به همراه خواهد داشت (فولتر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۵). «به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند» (سوره روم، آیه ۴۱). فساد در بخش محیط‌زیست در قالب اختلاس و رشوه‌خواری، رباخواری به نقصان منابع طبیعی و آلودگی محیط‌زیستی شده و فرایند نظارت را مختل می‌کند. فساد موجب توسعه سیاست‌های مخرب محیط‌زیستی و اختصاص ناعادلانه منابع طبیعی می‌شود. می‌توان گفت به دلیل سرمایه‌گذاری و تأمین مالی ضعیف، مدیریت ضعیف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح در بخش محیط‌زیست و منابع طبیعی، فساد در این بخش بیشتر آشکار می‌شود (اصغری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۲). بررسی نقش فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کیفیت محیط‌زیست کشورهای اسلامی حوزه مناسبتی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ نشان داد که وجود فساد منجر به تخریب محیط‌زیست گشته است.

ک. کاهش فقر: مطالعات علمی مختلفی تائید کردند که فقر و تخریب محیط‌زیست ارتباط مستقیمی با هم دارند. کنترل فقر برای حفاظت از محیط‌زیست لازم است. در اسلام دستگیری از مستمندان و مقابله با فقر توصیه شده است (سوره فجر، آیه ۱۸ و ۱۷). مسئله تخریب محیط‌زیست و فقر مشترکات بسیاری دارند. در کشورهای در حال توسعه فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع طبیعی و بهره‌برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع موجب تشدید تخریب محیط‌زیست می‌گردد و بحران‌های محیط‌زیستی نیز به واسطه تحلیل و از بین رفتن منابع مورد استفاده روستائیان بر شدت فقر آنان می‌افزاید. بررسی شریفی‌نیا و مهدوی (۱۳۹۰) نشان داد که پایین بودن درآمد سرانه خانوارهای روستایی، بازدهی پایین مراتع و بالا بودن بعد خانوار، پایین بودن سطح تحصیلات و عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی باعث شده بود تا روستائیان از طریق عملکرد مستقیم (بوته کنی به منظور تأمین سوخت، فروش و ایجاد آغل) و غیرمستقیم (نگهداری دام مازاد بر ظرفیت مراتع) سبب تخریب محیط‌زیست و فرسایش خاک مرتع ممیزی شده شور رود بخش شیب آب شهرستان زابل شود.

۱. کشورهای منتخب حوزه مناسبتی شامل ایران، بحرین، عربستان، الجزایر، مراکش، تونس، مصر، یمن، امارات متحده عربی، سوریه، قطر، عمان و اردن است.





ل. حفاظت کردن و نه اسراف کردن: عدم وارد کردن خسارت بر محیط‌زیست و مراقبت از طبیعت فلسفه محیط‌زیست‌گرایی اسلامی است. این وظیفه انسان‌ها است که از محیط‌زیست مراقبت کامل داشته باشند. در کنار مراقبت از محیط‌زیست، اسلام انسان را به احتیاط در برابر هدر دادن و اسراف کردن سفارش می‌کند (سوره اعراف، آیه ۳۱).

م. ساده‌زیستی: ساده‌زیستی مهم‌ترین ویژگی حیات اسلامی است که برای حفظ تعادل محیط‌زیست ضروری است. قرآن کریم این شیوه زندگی را در مقابله با اسراف و افراط‌گرایی توصیه کرده است. برای ساده‌زیستی دو دلالت محیط‌زیستی وجود دارد: (۱) با کاهش تقاضای منابع طبیعی از طریق کاهش مصرف کالاهای تولیدی، مقدار قابل توجهی از ذخایر منابع طبیعی ایجاد می‌گردد که سبب تقویت عرضه این منابع می‌شود؛ (۲) ساده‌زیستی می‌تواند مقدار تولید ضایعات و هدر رفت‌ها را (با مصرف بهینه) کنترل کند. این موجب بهبود شرایط سلامتی، بهداشت و نیز کاهش هزینه‌های بازیافت و تولید پسماند می‌شود. ورود به این دو کانال می‌تواند به حفظ تعادل محیط‌زیست کمک کند. ساده‌زیستی ارتباط نزدیکی با الگوهای مصرف دارد. با آزادی اقتصادی، پیشرفت‌های فنی و گسترش کانال‌های بازاریابی، عادت‌های مصرفی بیشتر پیچیده شده است تا ساده‌تر. برای تغییر دادن الگوهای ناپایدار مصرف می‌بایست ذهنیت نسبت به مصرف تغییر کند. معنویت و خودسازی در تغییر طرز فکر افراد تأثیرگذار است. ترویج ساده‌زیستی آگاهی مصرف‌کنندگان را افزایش داده، رفتار را تغییر می‌دهد و موجب بهزیستی شخص می‌شود. پول و دارایی تنها منبع شادی نیستند، بلکه آنها ابزارهایی هستند که به انسان اجازه می‌دهند در قالب منزلت، روابط و محیط شاد و سالم به شادی دست پیدا کنند (کروننبرگ<sup>۱</sup> و لیدا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۷۰).

### ۳-۲-۲) محیط‌زیست‌گرایی غربی

امروزه با رشد و توسعه جامعه‌شناسی محیط‌زیست، شاهد مطالعات گسترده‌ای در زمینه محیط‌زیست هستیم. در جامعه‌شناسی محیط‌زیست، نظریه‌های علمی مختلفی مانند نوسازی بوم‌شناختی، سرمایه‌داری طبیعی، اکومارکسیسم و پارادایم نوین محیط‌زیستی ظهور کردند که



هدف‌شان پاسخگویی به سؤالاتی از این قبیل بود: بازخورد اثرات محیط‌زیستی در زندگی انسان و موقعیت اجتماعی او در جامعه چگونه است و چگونه جامعه مدرن/سرمایه‌دار می‌تواند در برابر محیط‌زیست پاسخگو باشد. در اینجا، این نظریه‌ها مرور می‌شوند.

الف) مکتب نوسازی بوم‌شناختی: در دهه ۱۹۸۰ با آراء هوبر<sup>۱</sup> در آلمان و هلند شکل گرفت. هوبر معتقد بود که سرمایه‌داری سبز<sup>۲</sup> یک گزینه احتمالی و مطلوب است. این مکتب در جستجوی پاسخی برای این پرسش است که چگونه می‌توان فرایندهای تولید را با رعایت معیارهای بوم‌شناختی فراهم ساخت (تریسی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۴۵۸). هانیگن (۱۳۹۳) در مورد نظریه نوسازی بوم‌شناختی یا اکولوژیکی توضیح می‌دهد که منظور اسپارگون<sup>۴</sup> و مول<sup>۵</sup> از نوسازی اکولوژیکی، تغییر اکولوژیکی فرایند صنعتی شدن در جهت است که به حفظ منابع معاش موجود توجه نماید. به تعبیر گزارش برانت لند<sup>۶</sup> نوسازی اکولوژیکی همانند توسعه پایدار، از امکان غلبه بر بحران‌های محیط‌زیستی بدون ترک مسیر نوسازی حکایت می‌کند. در نظریه نوسازی بوم‌شناختی پیشنهاد می‌شود که پنج ساختار اجتماعی و نهادی باید از نظر اکولوژیکی تغییر یابد که عبارت‌اند از: فناوری و علم- فعالیت در جهت نوآوری و تحویل فناوری‌های پایدار؛ بازار و عوامل اقتصادی- معرفی ابتکارات برای پیامدهای مطلوب محیط‌زیستی؛ دولت- ملت‌ها- ایجاد شرایط بازاری مطلوب جهت تحقق این امر؛ جنبش‌های اجتماعی- اعمال فشار بر اقتصاد و دولت تا به حرکت در مسیر اکولوژیکی ادامه دهد؛ و ایدئولوژی‌های اکولوژیکی- اصرار بر تشویق افراد جهت مشارکت در نوسازی بوم‌شناختی و قرار گرفتن در مسیر جامعه دارد (ساتن، ۱۳۹۲). بر خلاف رویکرد توسعه پایدار که در آن هیچ تلاشی برای توجه به مشکلات جوامع کمتر توسعه یافته‌ی جهان سوم صورت نمی‌گیرد، این نظریه بر اقتصادهای کشورهای اروپای غربی تمرکز می‌کند که باید از طریق جایگزینی میکروالکترونیک، فناوری ژنتیک و سایر

1. Huber
2. Green capitalism
3. Tracy
4. Spaargaren
5. Mol
6. Bruntland report



فرایندهای پاک تولید به جای فناوری‌های قدیمی‌تر مرتبط با صنایع شیمیایی و کارخانه‌ای، محیط‌زیستی شوند (ساتن، ۱۳۹۲).

ب) نظریه سرمایه‌داری طبیعی: در نظریه سرمایه‌داری طبیعی محققانی مانند پائول هاوکین، آموری لوینز، ال. هانتز لاینز در اثر خود با عنوان سرمایه‌داری طبیعی: انقلاب صنعتی دوم، نظریه‌ای مشابه با نظریه نوسازی بوم‌شناختی را در ارتباط با نقش فناوری، دولت و بازار در حل مسائل محیط‌زیستی مطرح کردند. به نظر این محققان، انقلاب صنعتی دوم، واکنشی به تغییر الگوهای کمیایی است. در حقیقت، انقلاب صنعتی، در عین حال که شرایط سختی را ایجاد می‌کند، اما فرصتهایی را نیز برای شرکت‌های سازگار شونده مهیا می‌کند. آنها چهار تغییر اساسی را برای انتقال به سرمایه‌داری طبیعی پیشنهاد نمودند:

\* افزایش سریع و شدید بهره‌وری استفاده از منابع. تغییرات بنیادی در فناوری و طراحی به ذخیره‌سازی ارزشمند در منابع منجر می‌شود.

\* تغییر در تولیدات بیولوژیکی بدون تولید سم یا ضایعات. سرمایه‌داری طبیعی درصد حذف ضایعات است.

\* تغییر مدل تجاری از ساخت و فروش کالاها به تأمین خدماتی که کالاها را تحویل می‌دهند. مدل سرمایه‌داری طبیعی ارزش را به عنوان جریان مستمر خدمات ارائه می‌دهد.

\* سرمایه‌گذاری مجدد در سرمایه طبیعی و انسانی. هر سرمایه‌گذار خوب در سرمایه تولیدی مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کند (گولد<sup>۱</sup> و لوئیس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۴۵-۴۴).

ج) اکومارکسیسم: اکومارکسیسم در جستجوی اصلاح جنبه تولیدگرایی<sup>۳</sup> ثنوری مارکس بوده است. جیمز اکانر<sup>۴</sup> تولیدگرایی را نوعی تناقض ثانویه سرمایه‌داری بین نیروهای تولید و شرایط (ضرورتاً طبیعی و محدود) تولید می‌داند که این نیروها درصد تخریب شرایط طبیعی محدود و فانی هستند (تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۸). در حالی که طرفداران نوسازی بوم‌شناختی معمولاً خوش‌بینانه به مسائل می‌نگرند (یرلی<sup>۵</sup>، به نقل از تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۸) و نتایج را

1. Gould  
2. Lewis  
3. Productivism  
4. James O'Connor  
5. Yearley



محتمل‌الوقوع و قابل‌نقض می‌دانند، اکثر اکو مارکسیست‌ها بر این باورند که سرمایه‌داری پایدار<sup>۱</sup> یک احتمال نیست از این رو محدود به کار پرزحمت تولید<sup>۲</sup> است و باید یا رشد کند و یا از بین برود. در مقابل، برخی معتقدند که با کالاسازی طبیعت<sup>۳</sup> و تبدیل آن به انبار سرمایه می‌توان آن را مدیریت کرد. بحران محیط‌زیستی اجاره‌بهایی جدید حیات جامعه سرمایه‌دار لیبرال بوده (اکانر، به نقل از تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۹) و فرصت‌های تازه‌ای را برای رشد، کسب مشروعیت و سود دارا هست و این ممکن است پاسخی احتمالی نسبت به تهدید تغییر آب و هوا باشد (بوچر<sup>۴</sup> و رزوارن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸: ۴۵۹). این دو مکتب خود را اومانیست<sup>۶</sup> می‌پندارند و مدعی‌اند که دغدغه آنها، رفاه جامعه و قبول نیاز به دانش علمی و وجود محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی طبیعت خارجی است.

د) پارادایم مسلط اجتماعی: علم‌گرایی، دیدگاه جزء‌گرایانه، جدایی انسان از طبیعت و تسلط بر آن و نیز نحوه ارزش‌گذاری آن‌گونه که در دنیای معاصر رواج دارد سبب شده است تا انسان مدرن اصالت را به ماده دهد و رفاه و امرار معاش را به عنوان هدف غایی حیات بشناسد. تأثیر این تفکر بر سیاست‌های محیط‌زیستی سبب شد تا این سیاست‌ها انسان‌گرا و بر پای‌محوریت انسان تدوین گردند. تفکر مرکزیت انسان به عنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولیدکننده در نظام طبیعت حقی را در ذهن او ایجاد می‌کند که تنها به خود بیندیشد (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰). پارادایم مسلط اجتماعی بشر را تنها حکمران کره زمین دانسته و بر معافیت بشر تأکید دارد؛ به طوری که انسان‌ها نیازی به پیروی از قوانین طبیعت ندارند و انسان از طبیعت جدا است و ضمن اینکه خود را وارث و حاکم بر طبیعت می‌داند، هیچ حقی برای موجودات غیر از خودش قائل نیست (ژنو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰: ۲). انگاره معافیت بشر ریشه در دوره روشنگری جوامع صنعتی غربی دارد و دارای سه بعد فنی، اقتصادی و سیاسی است. خوش‌بینی نسبت به فناوری از ویژگی‌های بعد فنی این پارادایم است که در آن، تمام مشکلات بشر می‌تواند با کمک

1. Sustainable capitalism
2. Treadmill of production
3. Commodifying nature
4. Boucher
5. Rosewarne
6. Humanist
7. Geno



فناوری حل شود. بعد اقتصادی آن بر مبنای اقتصاد آزاد است و بر نفع شخصی تأکید دارد. بعد سیاسی نیز بر دموکراسی آزاد بنا شده است و بر مالکیت و حریم خصوصی، بی‌طرفی سیاسی و فردگرایی انحصاری تأکید دارد. تحقیقات نشان داده است که این پارادایم با نگرش‌های حامی محیط‌زیست رابطه منفی دارد (کیلبورن<sup>۱</sup> و پولونسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۳۹). به تدریج و به علت ناکارآمدی فناوری‌هایی که انسان‌ها آن را مایه خیر و برکت می‌دانستند، نظریات و باورهای طبیعت-محور شکل گرفتند که مجموعه‌ای از آنها را می‌توان در پارادایم نوین محیط‌زیستی مشاهده کرد. پارادایم نوین محیط‌زیست ریشه در جنبش محیط‌زیستی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد که با چاپ کتاب راشل کارسون<sup>۳</sup> با عنوان بهار خاموش<sup>۴</sup> الهام گرفته شد (ساتن، ۱۳۹۲ و کارسون، ۱۳۸۸).

ه) پارادایم نوین اکولوژیکی: کاتون<sup>۵</sup> و دانلپ رویکرد جدیدی که در غرب نسبت به محیط‌زیست شکل گرفت را پارادایم نوین محیط‌زیستی و بعدها پارادایم نوین اکولوژیکی نامیدند و بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال رشد محیط‌زیستی نه تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی هم نتایج مهمی به بار خواهد آورد (دانلپ، ۲۰۰۲: ۲۳۸). این رویکرد عرصه جدیدی را در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که محیط‌زیست را به اندازه‌ی فرایندهای سیاسی و اقتصادی، برای درک شرایط اجتماعی ضروری می‌داند. در ابتدا به این پارادایم به صورت یک رابطه تک‌بعدی از روابط بین انسان و کیفیت محیط‌زیست نگریسته می‌شد، اما به مرور زمان از آن به عنوان ترکیبی از یک ساختار پیچیده یاد می‌شود که مرکب از سه عنصر تعادل اکولوژیکی، توسعه محدود و رد تسلط انسان بر طبیعت است. در این پارادایم انسان از طبیعت جدا نیست، بلکه بخشی از آن به شمار می‌رود (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰۲). یکی از انتقادهایی که به این پارادایم وارد شده است این است که طیف نوین محیط‌زیستی فاقد عناصر مهم جهان‌بینی حفاظت از محیط‌زیست است و لذا ناقص است. به

1. Kilbourne
2. Polonsky
3. Rachel Carson
4. Silent Spring
5. Catton



خصوص این که گفته می‌شود این طیف نمی‌تواند جهان‌بینی بوم‌محوری یا زیست‌محوری را که از اواخر دهه بیستم وارد ادبیات اخلاق محیط‌زیستی شد، بسنجد (اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۲۶۱).

### ۳-۲-۳) مقایسه محیط‌زیست‌گرایی در دیدگاه‌های غربی و اسلام

مقایسه محیط‌زیست‌گرایی در اسلام و غرب نشان می‌دهد که تفاوت بین نگرش اسلامی و نظریه‌های غربی در این است که تفکر اسلامی منافع عمومی از جمله برخورداری از محیط‌زیست سالم و طبیعت را بر منافع فردی اولویت می‌دهد. بنابراین، شرکت‌ها و افراد باید از محیط‌زیست حفاظت کنند، حتی اگر انجام آن بر منافع خاصشان اثر بگذارد. تقدم مسائل محیط‌زیست بر سایر امور را در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان ملاحظه نمود که بیان نموده است:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

این اصل نشان می‌دهد که نگاه به محیط‌زیست نباید ابزاری باشد، بلکه باید به آن به عنوان یک ارزش نگاه کرد. همان‌گونه که ادیان الهی به خصوص اسلام چنین نگاهی به طبیعت و محیط‌زیست دارد و انسان را امانت‌دار آن می‌داند.

در تفکر غربی سه نظریه اخلاقی عمده قابل توجه است که چرا باید از طبیعت محافظت نمود. یک رویکرد اخلاقی به ما توصیه می‌کند تا بر اساس پیامدهای ناشی از کارهایمان تصمیم‌گیری کنیم و به گونه‌ای عمل کنیم که منافع کلی اجتماعی به حداکثر برسد. مکتب سودگرایی که خوبی و بدی را در ارتباط با پیامدهای کلی کارهایمان تعیین می‌کند، متناسب با این الگوی استدلال اخلاقی است. نظریه‌های غربی تأکید می‌کنند که شرکت‌ها باید از محیط‌زیست به عنوان بخشی از حفاظت از منافع خودشان در آن محافظت کنند. این منافع در سیاست‌های محیط‌زیستی غرب که مبتنی بر نظریه‌های آن اجتماعات هست مختلف‌اند. برای مثال،



شرکت‌ها از محیط‌زیست حفاظت می‌کنند تا از شکایت و محکومیت یا مجازات مالی جلوگیری کنند، مشتری جذب کنند یا تولید ثروت کنند. رویکرد دوم به استدلال بر اساس حقوق و اصول پرداخته و به ما می‌گوید هر یک از ما وظایفی بنیادی داریم که لازم است تا به روش خاصی عمل کنیم و از اقدام به روش‌های دیگر اجتناب نماییم. آنچه که رویکردهای وظیفه‌گرا در اخلاق نامیده می‌شوند با اصول اخلاقی بنیادی آغاز می‌شود که راهنمای رفتار ما است. حفاظت از یک گونه به این دلیل که حق حیات دارد و یا محدود کردن اجرای قانون گونه‌های در خطر انقراض به این دلیل که ناقض حقوق مالکیت فردی است با این الگوی استدلال اخلاقی متناسب هستند. رویکرد سوم از وجود حقوق طبیعی و وظایف تعیین شده به وسیله قوانین طبیعت بحث می‌کند که به طور مستقیم رفتار اخلاقی را هدایت می‌کند. این قوانین طبیعی با کمی تغییرات در واقع از قوانین خداوند نشأت گرفته‌اند. مبانی اخلاق قانون طبیعت از استانداردهای حقوقی به عمل آمده از قوانین طبیعت ناشی می‌شوند. حفظ طبیعت به دلیل آنکه ارزش ذاتی دارد یا نقش مهمی در توازن طبیعت ایفا می‌کند با این الگوی استدلال متناسب است (دژاردن، ۱۳۹۶: ۶۶).

اما در اعتقاد دینی که طبیعت را آفریده یک خداوند خوب و بخشنده فرض می‌کند، این گرایش وجود دارد که برای آن طبیعت، ارزشی فارغ از ارزش‌گذاری بشری وجود دارد. بر این اساس، خوب بودن جهان حتی قبل از آنکه انسان خلق شود پایه‌ریزی شده بود. تفکر اسلامی یک نگرش الهیاتی و عمومی مبتنی بر قرآن و سنت ارائه می‌دهد که یک چارچوب فلسفی جایگزین برای درک روابط متقابل انسان و محیط‌زیست است. زمانی که مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی یک وظیفه مذهبی تلقی شود که شرکت‌ها و افراد تلاش می‌کنند از محیط‌زیست مراقبت کنند و به عنوان یک عکس‌العمل نسبت به وظیفه اسلامی‌شان، این واکنش با انگیزه نیرومند خشنودی و رضایت خداوند توأم می‌شود که تأثیر معنی‌داری خواهد داشت. دومین موضوع از اصول اخلاق دینی حاکی از آن است که انسان‌ها هنگامی که به خداوند نزدیک‌تر می‌شوند که خود را از تمدن و فرهنگ بشری جدا کنند. به این دلیل که خداوند طبیعت را آفرید و انسان جامعه را ساخت، پس انسان می‌تواند به وسیله خلوت‌گزینی از جامعه برای روبه‌رو شدن با خلقت به خداوند نزدیک‌تر شود پیامبران و فرستادگان الهی ما نیز در مرحله‌ای

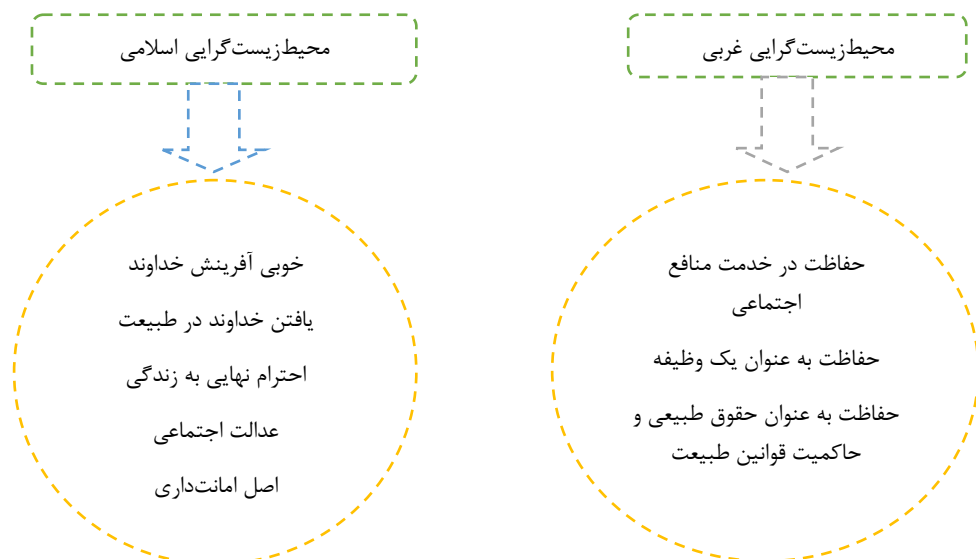


از زندگی خود همواره با طبیعت مأنوس بوده و با دیدن نشانه‌های آفرینش در طبیعت، آسمان و زمین انسان‌ها را به تفکر درباره خلقت و هستی خود دعوت می‌کردند (نویسندگان). از نظر سنت دینی اسلام حرمت زندگی ارزش‌نهایی است که پیچیده‌ترین راز و بزرگ‌ترین نمود عشق خداوندی است. اصل زندگی که روح یا جان نامیده می‌شود نزدیک‌ترین چیز به خالق است. ادیان از جمله دین اسلام مؤمنان را دعوت می‌کنند تا برای خیر همگانی خدماتی انجام دهند. این سنت عدالت اجتماعی در چارچوب اصول اخلاق دینی حاوی دو مفهوم ضمنی مهم در امور محیط‌زیستی هستند. بسیاری از مردمی که بیشترین صدمات را از تخریب و آلودگی محیط‌زیست می‌بینند همان کسانی هستند که کمترین توانایی را در دفاع از منافع خود دارند. آنها بیشترین هزینه‌های محیط‌زیستی را تحمل و کمترین سود محیط‌زیستی را دریافت می‌کنند. در حال حاضر، اکثر ساکنان جنوب کشورمان به دلیل وجود ریزگردها و آلودگی صنعتی ناشی از وجود پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های پتروشیمی با کمترین سود، بیشترین هزینه این آلودگی را پرداخت می‌کنند. آلودگی محیط‌زیستی در این مناطق به بلای خانمان‌سوز تبدیل شده و ساکنان را وادار به مهاجرت به سایر استان‌ها نموده است (نویسندگان). دوم اینکه در چارچوب این سنت عدالت اجتماعی، بسیاری از ناظران ظلم اجتماعی و تخریب محیط‌زیست را حاصل نگرش‌ها و روش‌های اجتماعی متداول می‌دانند. اصالت ماده، صنعت‌گرایی، مصرف‌گرایی و پدرسالاری در فلسفه‌های محیط‌زیست مانند بوم‌شناسی ژرف، بوم‌شناسی اجتماعی، اکوفمنیسم دارای چنین نگرش‌هایی هستند. به عقیده بعضی از ناظران، همین نگرش‌ها بخشی از یک جهان‌بینی عمومی هستند که به استیلا یکی گروه (ثروتمندان، مردان، افراد برخوردار از امتیازات) بر گروه دیگر (فقرا، زنان و محرومان) میدان می‌دهد. بر این اساس، تلاش برای دستیابی به عدالت اجتماعی علل ریشه‌ای ظلم اجتماعی و تخریب محیط‌زیست را مورد توجه قرار خواهد داد. اصل‌نهایی در دین اسلام مسئولیت انسان را در قبال جهان طبیعی در چارچوب امانت‌داری منابعی فرض می‌کند که به وسیله خالق به انسان‌ها سپرده شده است و از این چشم‌انداز جهان طبیعی برای منابعی که می‌تواند برای استفاده انسان فراهم می‌کند ارزشمند است، اما با این جهان باید با سپاس، حرمت و احترامی که شایسته یک نعمت الهی است برخورد شود. چون تخریب، بی‌حرمتی یا هدر دادن منابع توهین





به سخاوت و بخشندگی خداوند است (دژاردن، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۸).



شکل ۱) مقایسه محیط‌زیست‌گرایی در تفکر غربی و اسلامی (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

### ۳-۲-۴) رویکرد شهروندی محیط‌زیستی

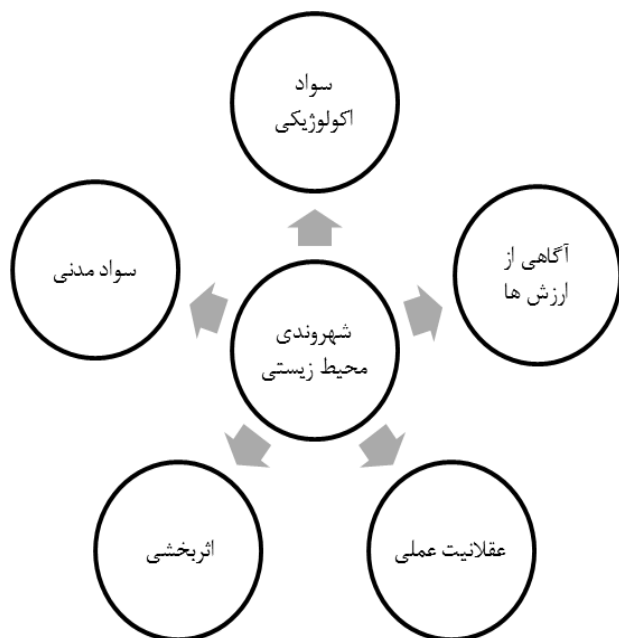
امروزه، سخن از نقش جدی برای شهروندان در امورات مختلف زندگی اجتماعی مطرح است که نشان می‌دهد مجموعه نوینی از توقعات و انتظارات رفتاری نسبت به شهروندان وجود دارد که از آن با عنوان «شهروند محیط‌زیستی»<sup>۱</sup> یاد می‌شود. نهادهای علمی، سیاست‌گذاری و صنعتی به خوبی این واقعیت را می‌دانند که عملکرد افراد در زمینه خرید، شیوه مصرف و میزان آن توسط مصرف‌کنندگان تا حد زیادی میزان پایدار بودن جامعه را تعیین می‌کند. بنابراین، کانون توجه از تولید به مصرف در هر دو بعد فردی و اجتماعی آن باید تغییر کند. جامعه پایدار بر نقش شهروند بیش از مصرف‌کننده تأکید می‌شود. مصرف‌کننده کسی است که فقط خریدار و مصرف‌کننده کالا و خدمات است. مصرف‌کننده گرایش به مصرف کالاهایی دارد که به او تشخص اجتماعی دهد و بتواند با آن تعریفی از پایگاه اجتماعی خود به جامعه ارائه دهد. در واقع، او رفاه‌طلب بوده و حاضر نیست برای حفاظت از محیط‌زیست در تمایلات خود



تجدید نظر نماید (کاسیمیر<sup>۱</sup> و دوتیل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۳۱۷). در حالی که، شهروند کسی است که نسبت به جامعه و آینده آن شناخت و دغدغه دارد. هر فردی می‌تواند هر دو این نقش‌ها را داشته باشد. این نقش‌ها یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نیز می‌توانند با هم تناقض داشته باشند. در واقع، لازمه تغییر الگوهای مصرفی در جامعه، شکل‌گیری و گسترش شهروندی محیط‌زیستی است. در شهروندی محیط‌زیستی تصریح شده است که شهروندان به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با حقوق محیط‌زیستی و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ و سیاست می‌باشند. یک شهروند محیط‌زیستی به پیامدهای محیط‌زیستی تصمیماتش در زندگی روزمره- اینک با انواع زباله چه باید کرد، چگونه سفر کرد و چه چیزی را مصرف کرد، توجه خاصی نشان می‌دهد و به دولت‌ها کمک می‌کند تا جوامع مصرفی خود را به جوامعی تبدیل کنند که در آن تأکید عمده بر محیط‌زیست باشد (کهیل، ۱۳۸۷). بدین ترتیب، امروزه شهروندی پایدار، ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود. مشارکت شهروندان به معنی دخالت همه‌جانبه آنان اعم از همفکری، همکاری، تصمیم‌گیری و اجرا در امور اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی است که به آنان امکان می‌دهد تا در فرایند مدیریت جامعه مشارکت فعال داشته باشند (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

برکویتز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۴) شهروندی محیط‌زیستی را دارای ۵ رکن پایه می‌داند: (۱) سواد اکولوژیکی یا توانایی درک سیستم‌های اکولوژیکی و ویژگی‌های علم اکولوژیکی و رابطه آن با جامعه؛ (۲) سواد مدنی یا توانایی درک نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با کاربرد مهارت‌های فکری- انتقادی؛ (۳) آگاهی ارزشی یا شناخت و دانستن ارزش‌های شخصی در رابطه با محیط‌زیست و توانایی برقراری ارتباط بین این ارزش‌ها و دانش عقلانیت عملی برای تصمیم‌گیری؛ (۴) کارایی شخصی یا دارا بودن توانایی یادگیری و عمل با توجه به ارزش‌ها و علائق شخصی در محیط‌زیست و در نهایت، (۵) عقلانیت عملی یا همان خرد و مهارت‌های عملی تصمیم‌گیری و کنش با توجه به محیط‌زیست (ص. ۲۳۰).

1. Casimir  
2. Dutilh  
3. Berkowitz



شکل ۲) پنج رکن شهروندی محیط‌زیستی (برکویتز و همکاران، ۲۰۰۴)

درباره شهروندی محیط‌زیستی توجه به نکته‌های زیر ضروری است: اول اینکه شهروند محیط‌زیستی به گونه‌ای فزاینده از فرایند ارگانیک تولد و رشدش در زمین به عنوان یک ارگانیسم زنده آگاه می‌شود. چنین برداشتی از شهروندی نگرش مردم‌محوری و تجریدی به شهروندی را به چالش می‌کشد، دیدگاهی که برای لیبرالیسم محوریت داشته و رویکرد ذره‌انگاره‌ای را به مسئله حقوق و مسئولیت‌ها تشویق نموده است. دوم اینکه شهروند محیط‌زیستی باعث می‌شود که در مورد شهروندی درکی فراتر از علایق مادی‌مان به حقوق رفاهی و حقوق مالکیت و مبادلات بازار داشته باشیم. بررسی شهروندی محیط‌زیستی به ما کمک می‌کند که پیوندهای مفهومی میان شهروندی خصوصی و مشکلات جهانی را درک کنیم. افراد با تلاش برای عمل مسئولانه در روابطشان الگوهای مصرفشان و نحوه برخوردشان با محیط‌زیست می‌توانند از معیارهای کاملاً کمی موفقیت انسان به سمت ارزیابی‌های عمیق‌تر و کیفی‌تر حرکت کنند. نظیر کیفیت هوایی که تنفس می‌کنند، زیبایی طبیعی و بهره‌مندی از غذای تازه. چنین درکی از شهروندی چالش عظیمی را برای سلطه تفرقه‌افکنانه زبان مبتنی بر بازار ایجاد می‌کند (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۵). زبانی که بر معیارهای تنگ‌نظرانه اقتصادی به عنوان



معیارهای اصلی دستاوردهای بشر تأکید نموده است. محیط‌زیست‌گرایی به پذیرش گسترده‌تر این حقیقت منجر شده که رفاه اقتصادی به خودی خود مدنیت، انسجام اجتماعی یا حتی یک احساس نفع شخصی روشنفکرانه را ارتقا نمی‌دهد. سوم اینکه ایده پیشرفت بی‌نهایت که با لیبرالیسم نوآوری علمی و رشد اقتصادی مرتبط است به وضوح توسط جهانی‌شدن که محدودیت‌های مدرنیته را آشکار نموده به چالش کشیده شده است. شهروندی محیط‌زیستی مستلزم این است که ما موضوعات مربوط به حفظ محیط‌زیست را حداقل به اندازه پیشرفت در علم و اقتصاد حائز اهمیت بدانیم. بنابراین، مسئولیت‌های ما به عنوان شهروند نه تنها شامل افرادی که فعلاً با هم در یک جامعه یا سیاره زندگی می‌کنند، بلکه شامل همه گونه‌های دیگر محیط‌زیست و نسل‌های آینده شهروندان نیز می‌گردد. شهروندی محیط‌زیستی دربردارنده این موضوع نیز خواهد بود که حقوق و مسئولیت‌ها را در محیط‌های غیرمتعارف نظیر خانواده، سوپرمارکت (به وسیله انتخاب‌هایی که به عنوان مصرف‌کننده انجام می‌دهیم)، خیابان (داشتن خودروهای تک‌سرنشین) و محیط کار جدی‌تر بگیریم. بر این اساس، بسیاری از مسئولیت‌های این نوع شهروندی، پسالیبرال و داوطلبانه خواهند بود و نه وظایف اجباری (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۶). به نظر نش (۱۳۸۴)، نظریه‌پردازان شهروندی محیط‌زیستی معتقدند که ظهور جامعه مدنی جهانی امید بیشتر برای آینده این شهروندی ترسیم می‌کند. محیط‌زیست‌گرایان شهروندان حساس به محیط‌زیست را شهروندان جهانی می‌دانند. فرایندهای محیط‌زیستی به مرزهای مصنوعی دولت‌ها توجهی نمی‌کنند (عیوضی و باب‌گوره، ۱۳۹۱: ۲۰۳). اولین موضوع قابل بحث در شهروندی محیط‌زیست‌گرایان، حقوق شهروندی است چرا که محیط‌زیست‌گرایان معتقدند که در وهله اول باید نسل‌های آینده را برخوردار از حقوق شهروندی به حساب آورد. دومین موضوع این است که شهروندی محیط‌زیستی جهانی اغلب به عنوان مسئولیت در قبال طبیعت قلمداد می‌شود که گاهی اوقات به آن نظارت محیط‌زیستی نیز می‌گویند. سوم این که مسئولیت شهروندان در قبال محیط‌زیست به مشارکت وسیع‌تر آنان در زندگی سیاسی مرتبط است (عیوضی و باب‌گوره، ۱۳۹۱: ۲۳۸-۲۴۷).

منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ تهیه شد و بر حق شهروندی نسل حاضر و آینده در بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم و پاک از جمله دسترسی به هوا و آب



سالم، آموزش به شهروندان و مسئولان برای بهسازی محیط‌زیست، توجه به توسعه فعالیت‌های مدنی در حوزه محیط‌زیست، مقابله با حق‌برخورداری از منظر در حریم دریاها و رودخانه‌ها و مواردی مانند این تأکید شده است (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵).

### ۳-۲-۵) رویکرد جامعه مصرفی و جامعه پایدار

در این رویکرد، به دو مفهوم جامعه مصرفی<sup>۱</sup> و جامعه پایدار<sup>۲</sup> باید توجه کرد. از آنجایی که پایداری در تناقض با جامعه مصرفی مدرن قرار دارد تحقق جامعه پایدار مشکل است. پیش از بیان اهمیت مصرف در جامعه مدرن، لازم است دو دسته از کالا و خدمات را بشناسیم: اول، کالا و خدماتی که نیازهای کارکردی (شامل نیازهای روانی، نیاز به امنیت است را برآورده می‌کند) و دیگری، تمایلات و خواسته‌هایی که از تعلق به یک گروه اجتماعی خاص ناشی می‌شود (مانند نیاز به احترام و یا افزایش عزت یا اعتماد به نفس). نیازهای روانی با رفاه و آسایش روحی فرد ارتباط دارند و این از تمایلات و خواسته‌ها که در یک بستر فرهنگی خاص شکل می‌گیرد متفاوت است. خواسته‌ها و امیال ساخت‌های اجتماعی هستند که در ذهنیت افراد شکل می‌گیرند. این ایده که مصرف فقط برآورده سازی نیازهای مستقیم نیست توسط تورستون وبلن با عنوان «مصرف نمایشی» در سال ۱۸۹۹ مطرح شد. وبلن معتقد است اینها وسایلی هستند که انسان‌ها با آنها می‌کوشند تا در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند و در ضمن برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند (کوزر، ۱۳۸۰: ۳۶۲). در واقع، میل به متمایز ساختن خود از دیگران تأثیر زیادی بر گزینه‌های مصرفی افراد به ویژه در کشورهای صنعتی داشته است. در نتیجه، مصرف‌کنندگان متجدد وقت بیشتری را برای انتخاب کالا و خدماتی صرف می‌کنند تا موقعیت آنها را به نمایش بگذارند.

بودریار<sup>۳</sup> نیز معتقد است آن‌چنان شخص درگیر و محو مصرف‌زدگی می‌شود که برای آن وجودی مستقل از خود قائل می‌شود. پیامد تمایلات سیری‌ناپذیر آن است که بیهوده مصرف کردن و اتلاف کردن، امری واجب می‌شود (آیدین، ۲۰۱۰: ۱۳۴). مخاطرات محیط‌زیستی فاجعه‌بار از یک سو پیامد توسعه صنعتی و پیشرفت‌های فنی و از سوی دیگر، ساختار مصرف



در جامعه هستند. هزینه‌های مقابله با مشکلات محیط‌زیستی - گسترش زیرساخت‌ها، صرف هزینه‌های گزاف برای سوخت، هزینه‌های قربانیان حوادث و ...- در تولید ناخالص داخلی تأثیر داشته و بر رشد و رفاه جامعه تأثیر می‌گذارند. بیهوده مصرف کردن و اتلاف منابع، جدا از غیرمنطقی بودن یک کارکرد مثبت نیز دارد. بی‌فایده‌گی صرف هزینه برای هیچ است که به مکانی برای تولید ارزش‌ها، تفاوت‌ها و معانی در سطح فردی و اجتماعی مبدل شده است (دابسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۷۷). متمایز شدن، یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن است که نه فقط کنشی فردی است، بلکه همچنین دارای اهمیت اجتماعی است: الگوهای مصرف و ذائقه‌ها بر اساس مقولات اجتماعی و اقتصادی مانند طبقه، تحصیلات و پایگاه شغلی طبقه‌بندی می‌شود. در واقع، آنها منبعی برای تمایز اجتماعی و شاخص آن به شمار می‌روند. در قالب فرایندهای صنعتی شدن و مصرف‌تزایدی، استفاده از اطلاعات و فناوری اطلاعات و جهانی شدن روند رو به رشدی داشته است و همین امر نشان می‌دهد که توسعه جامعه مصرفی در بستر تغییرات ساختاری جای دارد (همان: ۲۷۸). این فرایندها تغییرناپذیرند و بازگشت به الگوهای مصرفی قرن گذشته مانند مصرف فرآورده‌های محلی و محصولات فصلی و یا داشتن تعطیلات کوتاه‌مدت و درون‌مرزی غیرممکن است. اما این امر ما را و خواهد داشت تا الگوهای مصرفی خود را پایدار کنیم و به سمت داشتن یک جامعه پایدار حرکت کنیم. جامعه پایدار جامعه‌ای است که در آن نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط‌زیستی در توازن و پایداری قرار دارند. به اختصار می‌توان گفت توزیع عادلانه درآمد، ثبات اقتصادی، عدالت‌محوری، رعایت حقوق همه گروه‌ها، تأمین امنیت سیاسی، رعایت آزادی‌های سیاسی از نشانه‌های جامعه پایدار است. از زمان برگزاری اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ و گزارش برون‌تولند، حفظ محیط‌زیست یکی از ارکان توسعه پایدار شناخته شده است. در واقع، توسعه پایدار مفهوم پیچیده‌ای است که با دغدغه محیط‌زیست شکل گرفت و بعدها با ابعاد اجتماعی و اقتصادی غنی شد. در ابتدا، توسعه پایدار به معنی راه‌حلی برای بحران محیط‌زیستی ناشی از بهره‌کشی صنعتی بیش از حد منابع و تخریب محیط‌زیستی تشدید شد. هدف اصلی آن نمایاندن اهمیت



کیفیت محیط‌زیست بود (آربویی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۷۴۹). ویدرمن<sup>۲</sup> معتقد است که پایداری محیط‌زیستی زمانی محقق می‌شود که برای ثبات محیط‌زیست برنامه‌ریزی صورت پذیرد؛ به این معنی که بر کاهش ضایعات بیش از مدیریت ضایعات، توسعه مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و منابع قابل بازیافت تأکید شود؛ به پیامدهای ناخواسته اجتماعی اقتصادی فرهنگی و سیاسی فناوری، مدیریت و قوانین توجه شود؛ فرایندهای تولیدی می‌بایست عاری از تولید مواد سمی و خطرناک باشند؛ همه کشورها سهم خود را در حفاظت از محیط‌زیست جهانی ادا کنند؛ تنوع زیستی حفظ و تقویت شود و در نهایت، رشد جمعیت جهان تثبیت شود (ویدرمن، ۱۹۹۳: ۳۹).

#### ۴) روش تحقیق

پژوهش حاضر نوعی پژوهش نظری است و جزء مطالعات اسنادی محسوب می‌شود. در این تحقیق از روش پژوهش اسنادی استفاده شده و از این حیث، نوع تحقیق کیفی است. در مطالعات کیفی برخلاف تحقیقات کمی، تحلیل به کمک اعداد یا همبستگی‌های عددی صورت نمی‌گیرد، بلکه اهداف تحقیق به کمک طبقه‌بندی‌ها توصیف و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. روش پژوهش اسنادی جزء روش‌های غیرمزامحی یا غیرواکنشی است که شامل مطالعه رفتار انسانی است که بر گفتگو مستقیم با افراد (مانند مصاحبه) یا مشاهده آنها (مانند مشاهده مشارکتی) مبتنی نیست (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۰۱). از مزیت این روش آن است که هنگامی که نمی‌توان در جمع‌آوری داده‌ها مستقیماً به میدان وارد شده و به مصاحبه یا مشاهده پرداخت، روش اسنادی می‌تواند بخشی از داده‌های پیشین را در اختیار ما قرار دهد. در بخش پیشینه تحقیق از فن اسنادی استفاده می‌شود. از فواید این روش، کم‌هزینه و سهل‌الوصول بودن آن است. در فن اسنادی ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. مثلاً در تحقیق حاضر، یک مسئله اجتماعی با عنوان «الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی و سبک زندگی محیط‌زیستی» انتخاب شد. سؤالات مرتبط با این موضوع تحقیق، از نوع چيستی است (سبک

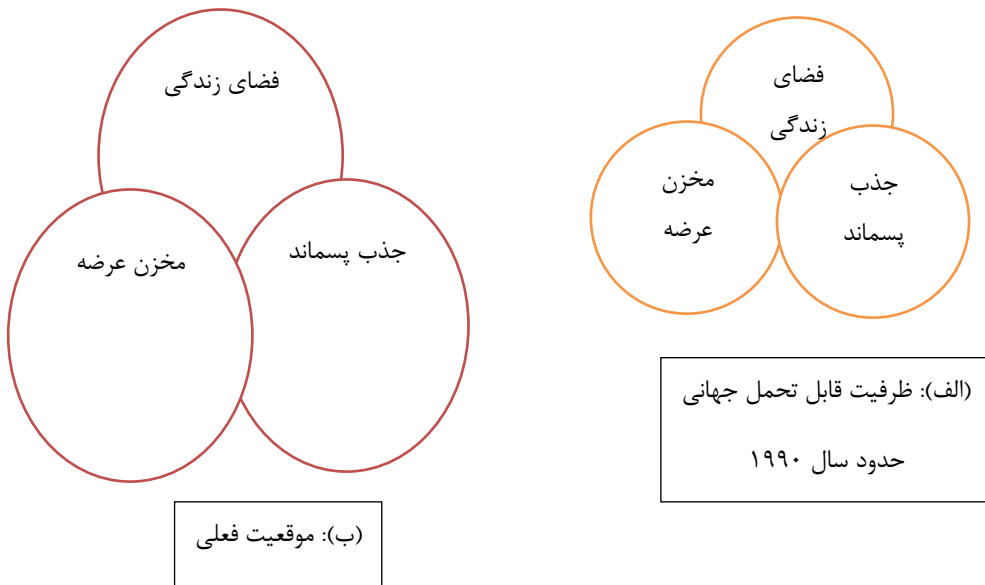


زندگی اسلامی محیط‌زیستی چیست و تحت تأثیر چه عواملی ترویج می‌شود؟. برای بسط دیدگاه و تعیین دامنه پژوهش بررسی‌های اکتشافی انجام شد. کارکرد این روش گسستن از قضاوت‌های شخصی یا پیش‌فرض‌های نظری و آماده شدن برای دریافتن دیدگاه‌های متعدد است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۹: ۶۱). بررسی‌ها شامل مطالعات اولیه (یافتن منابع اصلی و عمده) و مشورت با متخصصان است. بر این اساس، در تحقیق حاضر، پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و مشورت‌های علمی، هم با ادبیات و واژگان تخصصی موضوع آشنایی حاصل شد (سبک زندگی/ محیط‌زیست/ الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی/ علم). همچنین، در این تحقیق جهت مسیر پژوهش و حوزه مطالعاتی مشخص شد. محل دسترسی به داده‌ها شامل کتابخانه، سازمان‌های پژوهشی مانند سازمان حفاظت از محیط‌زیست، سایت‌های مرتبط با انتشارات آثار پژوهشی مانند جهاد دانشگاهی، سایت‌های خارجی مانند گوگل اسکولارشیپ و جست‌وجوی آزاد بر اساس مفاهیمی مانند ( / life life style/ environment/ environmental behavior/ Islamic patterns of development) بود. در مورد این تحقیق نیز، همانند سایر تحقیقات اسنادی دیگر، اگرچه شاید بتوان گفت جمع‌آوری داده‌ها به صورت پرسشنامه‌ای و حتی میدانی و موردی امکان‌پذیر بود، اما به دلیل محدودیت‌های زمانی، گستردگی ابعاد موضوع، تأمین منابع مالی و لزوم وجود یک تیم تحقیقاتی بین‌المللی پژوهشی آشنا و مسلط به موضوع، استفاده از روش اسنادی مناسب‌تر دیده شده و لذا، تحقیق حاضر عمدتاً بر جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از کتاب‌ها و مقالات داخلی و عمدتاً خارجی تکیه نمود. بعد از گردآوری اطلاعات، برای گزارش پژوهش از روش نگارش استفاده شد. به این صورت که ایده‌های مستخرج در هیبتی از جملات و پاراگراف‌های جدید به همراه نقطه نظرات پژوهشگر بازنویسی شدند. برای نوشتن پاراگراف‌ها از روش قیاسی استفاده شد. از آنجا که واژگان کلیدی راهنمای تحقیق هستند، از آنها در عنوان‌بندی و بخش‌بندی استفاده شد. این ساختاربندی به گونه‌ای تنظیم شد که مخاطب بر اساس یک نظم منطقی از سیر مباحث و مفهوم اصلی یعنی سبک زندگی محیط‌زیستی اسلامی آگاهی پیدا کند.



## ۵) تبیین سبک زندگی محیط‌زیستی

رویکردهای مختلفی برای تبیین مسائل محیط‌زیستی در جامعه‌شناسی محیط‌زیست مطرح می‌باشد. به عنوان مثال، هانیگن (۲۰۰۷) معتقد است که در زمینه تخریب گسترده محیط‌زیست، اساساً دو رویکرد غالب وجود دارد. رویکرد اول، رویکرد بوم‌شناختی است که رایلی دنلپ و ویلیام کاتن از آنها با عنوان «کارکردهای محیط‌زیستی رقیب»<sup>۱</sup> نام بردند. مدل کتون و دانلپ سه کارکرد اصلی محیط‌زیست برای انسان‌ها را مشخص می‌کند: انبار تدارکات، فضا برای زندگی و مخزن زباله که نمودارهای زیر وضعیت قابل تحمل جهانی و وضعیت فعلی محیط‌زیست را نشان می‌دهد.



شکل ۳) کارکردهای رقابتی محیط‌زیست (هانیگن، ۱۳۹۳: ۴۲)

هر یک از این کارکردها بر سر فضا رقابت می‌کنند و اغلب در تضاد با بقیه قرار می‌گیرند. برای نمونه، قرار گرفتن یک گورستان زباله در یک زمین روستایی و نزدیک به شهر، هم آن منطقه را سکونت‌ناپذیر می‌سازد و هم قابلیت آن زمین را برای انبار غذا از بین می‌برد. به همان ترتیب، گسترش نامنظم شهری مساحت زمین‌های زراعی مناسب برای تولید را کاهش می‌دهد در



حالی که قطع بی‌روبه درختان نیز فضای زندگی مردم بومی را تهدید می‌کند. در سال‌های اخیر، تداخل و در نتیجه تضاد میان این سه کارکرد رقابتی محیط‌زیست مانند گرمایش جهانی ناشی از رقابت هم‌زمان این سه کارکرد است. علاوه بر این امروزه تضاد میان کارکردها در سطح اکوسیستم‌های منطقه‌ای پیامدهایی را برای محیط‌زیست جهانی دارد (هانینگن، ۱۳۹۳: ۴۲).

رویکرد دوم، تفسیر این پدیده از منظر اقتصادی است که در مفاهیم گفتمان جامعه‌ای- محیط‌زیستی و چرخه یکنواخت تولید<sup>۱</sup> آلن اشناینبرگ ملاحظه می‌شود. در حالی که هر یک از رویکردهای فوق، در سطح کلان می‌توانند برای تحلیل آسیب‌های محیط‌زیستی نظیر آلودگی محیط‌زیست مورد استفاده قرار گیرند، متأسفانه کمک چندانی در تبیین این پدیده ارائه نمی‌دهند. بنابراین، در مطالعه حاضر برای تعیین این که چه عواملی موجب غفلت نسبت به محیط‌زیست می‌شود، از عوامل مختلفی برای تبیین این پدیده می‌توان استفاده نمود. این عوامل مختلف را می‌توان در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. در جامعه‌شناسی، مفاهیم مختلف در دسته‌هایی چون عاملیت- ساختار، خرد- کلان، فردی- اجتماعی جای می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۲: ۵۹۹). در حقیقت، عوامل مؤثر بر پدیده‌ای اجتماعی را می‌توان مثلاً به عوامل خرد- عاملیتی یا کلان- ساختاری نسبت داد. آنچه که موجب شکل‌گیری پدیده اجتماعی می‌شود ممکن است عوامل فردی و یا مجموعه‌ای از عوامل غیرفردی یا ساختاری در آن دخالت داشته باشند. در اینجا نیز تلاش می‌شود تا بر اساس این رویکرد و با اتکا بر نتایج تحقیقات پیشین، به تحلیل عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی در مقوله‌های جمعیت‌شناختی (زمینه‌ای)، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پردازیم. باید توجه داشت که این نوع تقسیم‌بندی‌ها قراردادی بوده و صرفاً جهت تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۵-۱) عوامل زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی

منظور از عوامل زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی متغیرهایی چون جنسیت، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال می‌باشد. در اینجا به بررسی تأثیر هر یک از این عوامل می‌پردازیم.



### ۵-۱-۱) جنسیت

یکی از متغیرهای کلیدی که تقریباً در اکثر تحقیقات مربوط به رفتارهای محیط‌زیستی مورد سنجش قرار می‌گیرد جنسیت می‌باشد. مثلاً، بر اساس نتایج موج پنجم ارزش‌های جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۰۸-۲۰۰۵)، ۶۷ درصد زنان در مقابل ۶۳ درصد مردان ایرانی تمایل به صرف هزینه برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست داشتند و ۷۰ درصد کیفیت آب و ۶۶ درصد کیفیت هوا را خیلی بد گزارش کرده بودند. همچنین، اغلب تحقیقات داخلی نشان دادند که زنان محیط‌زیست‌گراتر از مردان هستند (مصادقی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶)، رحمانی و مجیدی (۱۳۸۸)، لاهیجیان و همکاران (۱۳۸۹)، یزدان‌پرست و همکاران (۱۳۹۲)، صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۲).

جدول ۵) مقایسه سطوح فعالیت سمن‌های محیط‌زیستی در تهران برحسب جنسیت

سطح	ویژگی‌ها	وضعیت	میانگین
فردی	یادگیری مداوم، پرسشگری و گفت و شنود	زنان	۴۸/۲۳
		مردان	۴۶/۴۲
گروهی	یادگیری تیمی، نظام خلق و تسهیم یادگیری	زنان	۲۵/۷۶
		مردان	۲۳/۵۷
سازمانی	توانمندسازی افراد برای کسب دیدگاه مشترک، ارتباط با محیط پیرامون، رهبری راهبردی	زنان	۸۴/۶۴
		مردان	۸۸/۰۷

(عباسی و همکاران، ۱۳۹۱)

بر اساس دیدگاه اکوفمنیسم متقدم، زنان به واسطه ماهیت زنانه، توانمندی باروری و زایش و یا نحوه جامعه‌پذیری‌شان، نسبت به مردان دغدغه و حساسیت بیشتری نسبت به محیط‌زیست و طبیعت دارند (ساتن، ۱۳۹۲). در مقابل، مردان قدرتمند، سازنده و برنامه‌ریز نگریده می‌شدند و مشاغل و تخصص‌ها بیشتر مردانه تعریف شده است (کات ورت، ۲۰۰۳). نظریه‌های جامعه‌پذیری بر این امر تأکید دارد که رفتار از طریق فرایند جامعه‌پذیری قابل پیش‌بینی است به طوری که رفتار تحت تأثیر انتظارات جنسیتی در بستر هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرد. زنان در بین فرهنگ‌ها، برون‌گراتر بوده و حس پرورندگی در آنها نیرومندتر بوده و وابسته‌تر، دلسوزتر، همیارتر هستند. از سوی دیگر، مردان مستقل‌تر و رقابتی‌تر تربیت می‌شوند. به لحاظ



نظری، تفاوت‌های جنسیتی در محیط‌زیست‌گرایی مبین ارتباط میان جامعه‌پذیری و ارزش‌ها است. ارزش‌ها به عنوان اصول راهنما پیش‌بینی‌کننده نگرش‌ها و رفتارها هستند. بنابراین، به دلیل اینکه زنان در مقایسه با مردان در برابر ارزش همیاری، جامعه‌پذیر شدند و در نتیجه زنان گرایش بیشتری به کمک کردن و دیگرخواهی دارند (زلزنی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۲: ۴۴۵).

#### ۵-۱-۲) سن

نتایج غالب تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که افراد سالمند گرایش بیشتری به حفاظت از محیط‌زیست دارند. در بحث مخاطرات محیط‌زیستی، نتایج مطالعه صالحی (۲۰۱۰) فرضیه سالمندی در ایران را تأیید می‌کند. با این حال، بررسی‌های مصداقی‌نیا و همکاران (۱۳۸۷)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰)، صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۲) فرضیه دوره‌ای را تأیید کردند. مطابق این فرضیه تأثیرات دوره‌ای ناشی از تغییرات شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عامل این تفاوت است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). معمولاً سالمندان به دلیل اینکه بنیه جسمی ضعیف‌تری نسبت به جوانان و بزرگسالان دارند، بیشتر در معرض بیماری‌های ریوی و قلبی ناشی از آلودگی هوا قرار دارند. مثلاً بررسی جغتایی و مردانی (۱۳۸۴) نشان داد که بیشترین تعداد ویزیت‌های پزشکان در روزهای آلوده مربوط به افراد بالای ۶۰ سال است که دچار بیماری‌های آسم و سایر بیماری‌های تنفسی شده بودند.

#### ۵-۱-۳) محل سکونت

بر خلاف برخی از مسائل اجتماعی مانند کج‌رفتاری‌های اجتماعی که گفته می‌شود روستاییان معمولاً به دلیل پایین بودن پایگاه اجتماعی و اقتصادی درصد بالایی از کج‌رفتاری را مرتکب می‌شوند، در مسائل محیط‌زیستی مانند داشتن رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی و توجه به آلودگی محیط‌زیستی، این روستائیان هستند که معمولاً رتبه‌های بالایی را نسبت به شهرنشینان به خود اختصاص می‌دهند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲؛ صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۰؛ پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲). دلایل مختلفی برای تبیین ارجحیت محیط‌زیست در نزد روستاییان در مقایسه با شهرنشینان مطرح



شده است. مثلاً، از نظر صالحی و پازوکی (۱۳۹۲) روستائیان به دلیل پیوستگی زندگی و شغلشان با منابع طبیعی روستا، بهتر می‌توانند تغییر در محیط‌زیست را حس کنند. آنها نوعی همزیستی با طبیعت روستا دارند. علاوه بر این، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۲) به شیوه تولید روستائیان (اکثر نیازهای آنها به طبیعت وابسته است) و الگوی رفتاری روستائیان که به سمت سنتی بودن گرایش دارد (در الگوی رفتار سنتی طبیعت تقدس دارد و رفتارهای تحت تأثیر دوران تسلط طبیعت بر انسان است)، به عنوان عوامل مؤثر بر محیط‌زیست‌گرا بودن روستائیان نسبت به شهرنشینان تأکید داشتند.

#### ۵-۱-۴) وضعیت تأهل

یکی دیگر از متغیرهایی که با محیط‌زیست‌گرایی ارتباط نزدیک دارد، وضعیت تأهل می‌باشد. خوشفر و همکاران (۱۳۸۹)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) و نیز پازوکی‌نژاد (۱۳۹۱) دریافتند افراد متأهل مسئولیت بیشتری در برابر محیط‌زیست و مقابله با مشکلات محیط‌زیستی مانند آلودگی‌ها احساس می‌کنند. به هر حال با توجه به نتایجی که در رابطه بین رده‌های سنی و حفظ محیط‌زیست به دست آمده، باید گفت که مجردین با توجه به اینکه در سنین جوانی به سر می‌برند کمتر از متأهلین، به حفظ محیط‌زیست توجه نشان می‌دهند. همچنین، نتایج برخی از تحقیقات نشان داده است که بسیاری از کسانی که دارای خودروهای تک‌سرنشین هستند و زباله پراکنی و آلودگی صوتی انجام می‌دهند جوانان مجرد هستند (منظم و بوبه رز، ۱۳۸۸؛ اویسی و همکاران، ۱۳۸۶).

#### ۵-۱-۵) وضعیت اشتغال

محققان معتقد هستند افرادی که شاغل هستند و از لحاظ درآمد وضعیت مناسبی دارند به تدریج ارزش‌هایشان از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی تغییر می‌کند. ارزش‌ها به عنوان شکل دهنده پیام‌های نظام رفتاری افراد دارای بیشترین تأثیر در کنش‌های آنها دارد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۳). تفاوت نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود و با انجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست، به تدریج در ارزش‌ها نیز تغییر حاصل می‌شود و افراد در مسیر



تحولات ارزش‌ها با توجه به دوری یا نزدیکی از آن، تغییر می‌کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵؛ پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین، دغدغه‌های فرامادی مانند حفظ محیط‌زیست و همت برای حفاظت از آن نزد افراد شاغل نیرومندتر از افراد بیکار و یا جویای کار می‌باشد.

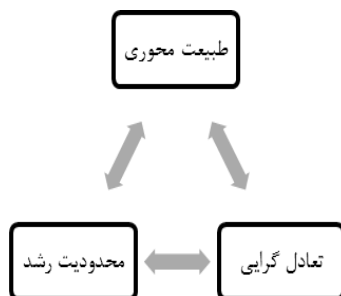
## ۵-۲) عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی شامل نگرش‌ها، عملکرد خانواده، فردگرایی و هنجارهای اجتماعی است.

### ۵-۲-۱) نگرش محیط‌زیستی

نگرش به عنوان احساس مثبت یا منفی در مورد شخص، شیء یا مسئله تعریف شده است. نگرش ارتباط نزدیکی با باورها که اشاره به اطلاعات (دانش) فرد در مورد یک شخص، شیء یا موضوع دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). غالب‌ترین و متداول‌ترین نگرش در جامعه‌شناسی محیط‌زیست، نظریه نگرش نوین بوم‌شناختی دنلپ و ون لایر است که نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورها به عنوان یک متغیر مستقل در رابطه با مسائل محیط‌زیستی مورد سنجش قرار گرفته و هنوز هم مورد استفاده می‌گیرد (صالحی، ۱۳۸۹؛ عابدسروستانی، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۲۰۱۰؛ ژنوا، ۲۰۰۰؛ دنلپ و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاتنام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ آیدین و کپنی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ مودیرایگلو<sup>۴</sup> و آلتانلار<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). مقصود از نگرش محیط‌زیستی، نوعی نگرش نسبت به محیط‌زیست می‌باشد که بر اساس آن فرد معتقد است اولاً انسان بر طبیعت غلبه ندارد، ثانیاً باید بین انسان و طبیعت تعادل وجود داشته باشد و ثالثاً، برای رشد و توسعه اقتصادی محدودیت وجود دارد (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

1. Geno  
2. Putnam  
3. Cepni  
4. Muderrisoglu  
5. Altanlar



شکل ۴) سه رکن نگرش محیط‌زیستی (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

تجربیات فردی، از جمله علت‌های تغییر پارادایم محیط‌زیستی هستند. مثلاً اگر شخصی پارادایم مسلط اجتماعی را قبول داشته باشد، پس تجربه او شناختی است در غیر این صورت او پیوندهای ناگسستنی با محیط‌زیست خواهد داشت. در حقیقت، پارادایم محیط‌زیستی پیش از این نیز در جهان موجود بود. پارادایم محیط‌زیستی را پس از پیوند با تجربه فرد می‌توان به عنوان عامل تغییر نگرش و باور فرد به دلیل ناسازگاری‌ها و اختلافات پذیرفت. در طول زمان، پارادایم شخص به پارادایم حفاظت از محیط‌زیست تبدیل می‌شود، تا جایی که همسو و سازگار با ارزش‌های حاصل از تجربه ارتباطی و پیوندی است. با شروع تغییر، نفوذ پارادایم جدید بر ارزش‌ها و باورها است که با تجربه شخص پیوند پیدا می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۶: ۴۰۲).

#### ۵-۲-۲) عملکرد خانواده

نقش مهم خانواده در محافظت از محیط‌زیست غیرقابل انکار بوده و به عنوان یکی از جنبه‌های مهم توسعه پایدار محسوب می‌گردد. به همین دلیل، محققان معتقدند که امروزه، لزوم توانمندسازی خانواده برای مشارکت در امر توسعه بیش از پیش احساس می‌شود. خانواده نهادی است که ارزش‌ها و باورها را که زیرمجموعه‌ای از فرهنگ است را به فرزندان انتقال می‌دهد. در بسیاری از موارد همانند انتقال ارزش‌های دینی، بر نهاد خانواده و آموزش پایه در خانواده‌ها تأکید می‌شود. به عقیده صاحب‌نظران، باید محیط‌زیست سالم نیز با محور آموزش در خانواده‌ها به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود. تحقیقات داخلی که در چند سال گذشته انجام شده بر نقش خانواده در پررنگ ساختن حفظ محیط‌زیست و عدم آلوده ساختن آن تأکید دارد (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸؛ پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲).



### ۵-۲-۳) فردگرایی

متغیر فردگرایی نقش مهمی در بی‌توجهی نسبت به محیط‌زیست در قالب تخریب یا آلوده ساختن آن دارد. امروزه در کنار آموزش و فرهنگ‌سازی حفظ محیط‌زیست بر تدوین قوانین و مجازات افراد یا بخش‌های آلوده‌کننده تأکید می‌شود. فردگرایی یا ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی بر رفتار قانون‌گريزانه تأثیر مثبت دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۶). یعنی هر چه افراد در جامعه به جای توجه به منافع عمومی و جمعی به دنبال رفتارهای سودجویانه و خودخواهانه باشند، کمتر تمایل دارند تا از قوانین تبعیت کنند. البته این موضوع تا حدود زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های تربیتی، شخصیتی و فرهنگی جامعه نیز می‌باشد که به جای آنکه جمع و موفقیت آن مد نظر باشد، پیگیری منافع شخصی (البته به هزینه جامعه) مد نظر می‌باشد. باید توجه داشت که فردگرایی به خودی خود بد نیست، بلکه به تعبیر دورکیم این فردگرایی افراطی است که معادل خودخواهی، حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و منشأ شر است. در فردگرایی خودخواهانه التزام افراد به قواعد و هنجارهای جامعه سیاسی که دولت نمایندگی آنها را بر عهده دارد ضعیف می‌شود. این فردگرایی به آنومی منجر می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۱).

### ۵-۲-۴) هنجارهای اجتماعی

هنجارهای اجتماعی در شکل‌گیری نیت رفتاری تأثیر دارد. هنجارهای اجتماعی به فشار اجتماعی محسوس برای انجام یا عدم انجام یک رفتار اشاره دارد (منتی‌زاده و زمانی، ۱۳۹۱). در بسیاری از تحقیقاتی که تبیین رفتارهایی نظیر فعالیت‌های حفاظت محیط‌زیست (فیلدینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸)، عادات غذایی و مصرف (نونبرگ<sup>۲</sup> و لیدا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱)، رفتار اکولوژیکی (کایزر<sup>۴</sup> و شوتلی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳) و مصرف غذاهای ارگانیک (آیدین<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰) انجام شده، تأثیر هنجارهای اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. بررسی منتی‌زاده و زمانی (۱۳۹۱) و مطالعه صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۲) نشان داده است وارد کردن متغیر «هنجارهای اجتماعی» به مدل

1. Fielding  
2. Kronenberg  
3. Lida  
4. Kaiser  
5. Scheuthle  
6. Aydin





تحلیلی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مدل را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج تحقیقات اخیر نشان داده است که این هنجارها اثر غیرمستقیمی بر نیت رفتاری دارند؛ زیرا آنها به عنوان پیش‌بینی‌کننده نگرش عمل می‌کنند. هنجارها، همیشه نقش تقویت‌کننده رفتارها را ندارند و بلکه ممکن است در جهت معکوس عمل نمایند. به عنوان مثال، استرن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقد هستند عادت مانع تغییر رفتار می‌شود و بیشترین سهم را در به تأخیر افتادن تغییر رفتار دارد و از آنجایی که برای فرد خوشایند محسوب می‌شود، به سختی قابل تغییر است. در بیشتر مواقع، افراد نسبت به محرک‌های بیرونی با شیوه‌های آشنا و تکراری عکس‌العمل نشان می‌دهند. عادت موجب آسان شدن انجام کارها شده و افراد را برای انجام کارهایی که نیاز به مهارت دارند، یاری می‌کند. البته افراد در فرایند تغییر عادت‌ها، منافع و زیان‌های آنها را در نظر می‌گیرند. در مقابل، استیگ<sup>۲</sup> و ویلیک<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) بر این مهم تأکید دارند که شاید عادت‌ها بیشتر به عنوان مانعی برای تغییر رفتار محسوب شود، اما هنجارها می‌توانند نوعی محرک تشویقی باشند. مثلاً، مردم مدعی‌اند که رفتار بازیافتی را باید انجام دهند، زیرا آگاه هستند که باید انجام دهند، چرا که یک هنجار اجتماعی است. بنابراین، هنجار بازیافت کردن عاملی برای انجام آن است.

### ۵-۳) عوامل فرهنگی

فرهنگ هر جامعه‌ای که مشتمل بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و منش افراد است، رفتار افراد در حوزه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت، ویژگی‌های فرهنگی جامعه به شکل رفتار در حوزه‌های رسمی و غیررسمی نمایان می‌شود. در ادامه، به بررسی تأثیر برخی متغیرهای فرهنگی بر بی‌توجهی نسبت به محیط‌زیست و آلودگی‌های آن می‌پردازیم.

### ۵-۳-۱) تحصیلات

تحقیقات در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست نشان داده است که افراد تحصیل کرده درک مطلوب‌تری از محیط‌زیست دارند و دانش و آگاهی آنها بستر لازم برای درک مخاطرات



محیط‌زیستی را فراهم می‌کند. بررسی کیفی پازوکی‌نژاد (۱۳۹۱) محدود بودن دانش تغییر آب و هوا نزد افراد عادی را تأیید کرد. او همچنین دریافت افراد تحصیل کرده نسبت به مردم عادی درک متفاوتی از پدیده‌ی تغییرات جهانی آب و هوا دارند، زیرا آنها این پدیده را در قالب‌های از پیش موجود مانند نازک شدن لایه اوزون، از بین رفتن جنگل‌های حاره‌ای و آلودگی هوا درک می‌کنند و اعتماد بیشتری به نهادهای دولتی و غیردولتی در حل مشکلات محیط‌زیستی دارند. بر این اساس، می‌توان گفت که تحصیلات در برخی زمینه‌ها به افزایش پایبندی به هنجارها منجر شده و یا رفتارهای مثبت اجتماعی را تقویت می‌کند. همچنین بررسی دیگر (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲) در خصوص شهروندی متعهد نشان داد که افراد تحصیل کرده بیشتر به هنجارهای مدنی پایبند بوده و کمتر پایبند هنجارهای سنتی جامعه هستند. و قابلیت بیشتری برای پذیرش نوآوری‌های محیط‌زیستی دارند. اما این رابطه همیشگی نیست. مثلاً، امام قلی (۱۳۸۹) و صالحی و همکاران (۱۳۹۱) دریافتند که بین مصرف انرژی و تحصیلات رابطه‌ای وجود ندارد.

#### ۵-۳-۲) ارزش‌های محیط‌زیستی

ارزش‌ها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هرکس منوط به شناخت ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی او است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷). ارزش‌ها دارای کارکردهای بسیار مهم در هر جامعه هستند و این اهمیت زمانی بیشتر مشخص می‌شود که حوادث و تغییرات مهمی در جامعه اتفاق بیافتد و ارزش‌هایی خاص در آن زمان برجسته و مهم شوند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۳). ارزش‌های محیط‌زیستی شامل جهت‌گیری اساسی فرد در مورد محیط‌زیست و نشانگر جهان‌بینی او در مورد جهان طبیعی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷؛ عابدسروستانی و همکاران، ۱۳۸۶، عابدسروستانی و همکاران، ۱۳۸۷) در مطالعه خود دریافتند که یکی از ارکان اخلاق محیط‌زیستی توجه به ارزش‌ها است که شکل دهنده و هدایت‌کننده رفتارهای محیط‌زیستی است. در رابطه با مسائل محیط‌زیستی در جایی که بین



منافع فردی و جمعی تضاد به وجود می‌آید، ارزش‌ها نقش مهمی دارند. رفتار حامی محیط‌زیست برگرفته از ارزش‌هایی است که فراتر از منافع خود هستند (پورتینگا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۱). ارزش‌های محیط‌زیستی را می‌توان در سه بخش اصلی یعنی (۱) حفاظت از تنوع زیستی، اکوسیستم‌ها و حیات‌وحش؛ (۲) کاهش تأثیرات منفی بر سلامت انسان و (۳) تثبیت الگوهای پایدار بهره‌گیری از منابع دانست.



شکل ۵) سه رکن ارزش‌های محیط‌زیستی (پورتینگا و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۱)

ارزش‌های محیط‌زیستی از دهه ۱۹۹۰ به شدت مورد توجه قرار گرفتند. دسته اول، ارزش‌ها بیشتر معرف حفاظت از محیط‌زیست، طبیعت است. رفاه و بقای انسان‌ها در دسته دوم، ارزش‌ها به شدت مورد تأکید است. دسته سوم، ارزش‌ها بر پایداری تأکید دارند که بیش از دو ارزش گفته شده اهمیت دارد و آنها را تحت پوشش قرار می‌دهد و مهم‌ترین بعد محیط‌زیست‌گرایی است. پایداری ارزشی است که بر کاهش وابستگی به منابع غیرقابل تجدید، بهره‌گیری از منابع تجدید شونده و کاهش تأثیرات منفی انسان بر محیط‌زیست تأکید دارد (پالک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۲-۵).

### ۵-۳-۳) دین‌داری

جهان‌بینی محیط‌زیستی اسلامی تعامل انسان و محیط‌زیست را بسیار روشن‌تر از ادیان غربی مطرح ساخته است و یکی از جامع‌ترین و کاربردی‌ترین دیدگاه‌هایی است که نحوه تعامل



انسان با عناصر محیط‌زیستی را بر مبنای آموزه‌های اخلاقی و معنوی ارائه می‌سازد و رفتارهای محیط‌زیستی انسان را مسئولیت ساز و موجب ضمانت می‌داند (صالحی و حمایت‌خواه جهرمی، ۱۳۹۲). یکی از مؤثرترین متغیرهایی که توان تبیینی بالایی در پایبندی به هنجارهای اجتماعی یا اجتناب از نابهنجاری‌ها دارد، متغیر «مذهب» و اعتقادات مذهبی است. این متغیر هرچند خود وابسته به سایر ویژگی‌های اجتماعی است و از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد، اما در جایگاه متغیر مستقل، نقش بسیار مهمی در تبیین پایبندی به هنجارهای اجتماعی دارد: پایبندی‌های مذهبی بالاترین تأثیر را بر روی اعتماد و ملاحظات نشان می‌دهند. یعنی افراد با پایبندی‌های مذهبی بیشتر، اعتماد و ملاحظات اجتماعی بیشتر دارند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). فراهانی‌فرد معتقد است با تقویت مبانی دینی فردی و نهادهای اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر محیط‌زیست حفظ خواهد شد (انجام تکالیف الزامی، پرهیز از ظلم، پرهیز از اتلاف منابع عمومی، پرهیز از فساد و نهی از فساد در زمین و رهنمودهای تشویقی). فراهانی‌فرد (۱۳۸۵) نیز دریافت ارزش‌های سنتی و دینی، احساس مسئولیت و اخلاق اجتماعی بر حفظ محیط‌زیست تأثیر دارد.

#### ۵-۳-۴) رسانه‌ها

امروزه دولت‌ها برای آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی حفظ محیط‌زیست، مقابله با مشکلات محیط‌زیستی و اصلاح الگوهای مصرف از رسانه‌ها در کنار نهادهای رسمی آموزش استفاده می‌کنند. هانیگن (۱۳۹۳) معتقد است می‌بایست محیط‌زیست‌گرایی را چیزی بیشتر از یک پدیده‌ی گذرا دانست و مسائل محیط‌زیستی می‌بایست بیشتر به عنوان اشغال یک موقعیت داستانی متمایز تلقی شود و نه صرفاً امری متداخل با چندین حوزه موضوعی - سیاست، تجارت، کشاورزی، علم و فن‌آوری. باید راه‌هایی را یافت تا مچ‌گیری علنی یا روزنامه‌نگاری افشاگرانه با اهداف بلندمدت آموزش محیط‌زیستی و اصلاح سیاست‌ها ترکیب شود (همان: ۲۵۰-۲۵۲). بررسی‌های مختلف نشان داده است رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون و بعد از آن رادیو بهتر می‌توانند دغدغه‌های محیط‌زیستی را در افراد ایجاد کنند. رسانه‌ها باید بتوانند بدون هیچ محدودیتی تخریب محیط‌زیست را به تصویر بکشند. آنها وظیفه دارند به عموم



شهروندان بگویند که مشکلات محیط‌زیستی نظیر پساب‌های صنعتی فاضلاب، زباله‌های بیولوژیکی و شیمیایی، کودهای مصنوعی، آلاینده‌های سمی ناشی از حمل و نقل، باعث آلودگی منابع سه گانه حیات یعنی آب، خاک و هوا می‌شوند. در تحقیقات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی محیط‌زیست، محققانی مانند مصداقی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶؛ شبیری و براهالد، ۱۳۸۷؛ صالحی عمران و آقامحمدی، ۱۳۸۷؛ جوکار و میردامادی، ۱۳۸۹؛ صالحی، ۱۳۸۹؛ رشیدی و رشیدی، ۱۳۹۰؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۲؛ یزدان‌پرست و همکاران، ۱۳۹۲؛ صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲ دریافتند که آموزش محیط‌زیستی و توسعه فرهنگی در عصر مخاطرات محیط‌زیستی مهم‌ترین کارکردهای ارتباطات جمعی است. رشیدی و رشیدی (۱۳۹۰) نیز معتقد است وسایل ارتباط جمعی با ایجاد چارچوب‌های تجربه و نگرش‌های کلی فرهنگی، افراد را در تفسیر و سازمان‌دهی اطلاعات یاری می‌دهند و شیوه‌هایی را پی‌ریزی می‌کنند که افراد به وسیله آنها بتوانند زندگی اجتماعی را تفسیر کنند.

#### ۴-۵) عوامل اقتصادی

اساس مطرح ساختن توجه به عوامل اقتصادی مانند نابرابری، توسعه ناموزون شهری، بیکاری و درآمد پایین، پایگاه اقتصادی و عواملی از این قبیل آن است پیامدهای تخریب محیط‌زیست، آلوده ساختن منابع سه گانه طبیعی (آب، هوا و خاک)، در یک محدوده باقی نمی‌ماند و بیشتر گروه‌های حاشیه‌ای جامعه را درگیر می‌کند. به عبارت دیگر گروه‌های حاشیه‌ای مانند زنان، اقلیت‌های قومی و نژادی مهم‌ترین قربانیان آلودگی‌های محیط‌زیستی هستند. در این بخش قصد داریم تا در قالب بحث نابرابری و پیامدهای پایین بودن درآمد، اهمیت عدالت محیط‌زیستی را خاطر نشان کنیم.

#### ۱-۴-۵) نابرابری

در صورتی که در جامعه‌ای توسعه‌ای ناموزون اتفاق بیفتد بخش‌های مختلف جامعه تعادل خود را از دست می‌دهند و توسعه به تضاد منجر می‌شود. یکی از نتایج این گونه توسعه، ایجاد نابرابری در جامعه است. اگر در جریان توسعه به مسئله نابرابری توجه نشود نظام اجتماعی دچار ازهم پاشیدگی می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). منابع آلاینده و تأثیرات آلودگی‌های



محیط‌زیستی معمولاً در مناطق حاشیه‌ای متمرکز می‌شود. از این‌رو، توزیع تأثیرات و میزان آسیب‌پذیری مردم نسبت به آن متفاوت است. این آسیب‌پذیری‌ها بر حسب طبقه اجتماعی، سن و جنسیت متفاوت است (ناجل<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).



شکل ۶) تفکیک زباله توسط کارگران غیررسمی برای فروش (پایگاه خیری فضای سبز و محیط‌زیست ایران، سبز پرس، ۱۳۹۲)

#### ۵-۴-۲) درآمد

علاوه بر این‌که آلاینده‌ها بیشتر در مناطق جنوبی انباشت می‌شوند و صنایع آلوده کننده در مناطق حاشیه‌ای مستقر می‌شوند، اقشار کم درآمد و از طبقات پایین جامعه بیشتر در معرض آسیب‌های آلاینده‌ها قرار می‌گیرند. این گروه به دلیل منابع مالی محدودی که دارند به مخزنی برای انباشت آلودگی‌ها تبدیل می‌شوند و در نتیجه، در معرض پیامدهای مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند. بیماری‌های قلبی، سرطان ریه، آسم در بین ساکنان مناطق جنوب بیشتر است. زنان، سالمندان و کودکان نیز بیشتر مبتلا به بیمارهای دوره‌ای و بلندمدت می‌شوند که درمان آن



هزینه‌های گزافی را می‌طلبد و با افزایش درآمد کیفیت محیط‌زیست نیز بهبود پیدا می‌کند (توراس<sup>۱</sup> و بویس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

#### ۵-۴-۳) پایگاه اقتصادی - اجتماعی

شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین متغیر در تبیین پایداری و عدم پایداری به هنجارهای اجتماعی، متغیر «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» باشد و به نظر می‌رسد که محیط‌زیست‌گرایی افراد با پایگاه بالاتر اجتماعی عمدتاً تابع هنجارهای مدنی است و افراد با پایگاه اجتماعی پایین‌تر عمدتاً بر پایه هنجارهایی که بنیانی دینی - مذهبی دارند بیشتر به محیط‌زیست اهمیت می‌دهند. بررسی مصداقی‌نیا و همکاران (۱۳۸۶) نیز نشان داد آگاهی محیط‌زیستی شهروندان مناطق بالای شهر تهران بیشتر از مناطق جنوب تهران است. بررسی صالحی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داد با بهبود پایگاه اجتماعی و اقتصادی رفتارهای مصرفی افراد در آب بهبود پیدا می‌کند. همچنین، مطالعه پازوکی‌نژاد (۱۳۹۰) نیز نشان داد که افراد طبقه پایین بر اساس آموزه‌های دینی خود (قبیح اسراف، توجه به منابع طبیعی به عنوان امانت الهی) به محیط‌زیست احترام می‌گذارند.

#### ۵-۵) عوامل سیاسی

منظور از عوامل سیاسی عواملی است که مربوط به نهادها، کارگزاران سیاسی و قوانین و یا نحوه اجرا آن است. قطعاً این عوامل تأثیر زیادی بر پایداری افراد به هنجارهای اجتماعی دارد. چرا که وقتی از نظر مردم، به اجرای آن پایبند نیستند و یا اعمال قانون به صورت ناعادلانه صورت می‌گیرد و یا اینکه خود قوانین از کفایت کافی برخوردار نیستند، نمی‌توان از مردم انتظار داشت تا به قانون احترام گذاشته و یا به آن پایبند باشند. بنابراین، وضعیت نهادها، کارگزاران و قوانین تأثیرات مهمی بر قانون‌مداری یا قانون‌گریزی افراد جامعه دارد.



#### ۵-۵-۱) قوانین و شفافیت

یکی از عوامل اصلی و مهم، قانون و نحوه اجرا آن است. به روز نبودن قانون، تغییرات پی در پی و جامع و مانع نبودن (ابهام قانون) آن زمینه را برای سوء استفاده از آن هم توسط شهروندان و هم توسط مجریان قانون فراهم می‌کند. جامعه‌شناسانی مانند «ارلیک» بر این نظرند که قوانین موضوعه یک کشور باید قوانین زنده باشند. منظور از زنده بودن، انطباق قوانین با روحیات، نگرش‌ها و باورهای عمومی و درک صحیح از شرایط و مقتضیات کنونی جامعه انسانی است. در شرایطی که این انطباق وجود نداشته باشد قوانین و مقررات بر مردم تحمیل شود و مردم در مرحله «جبرگرایی» قرار گیرند و فرار از قانون تشدید می‌یابد (محسنی، ۱۳۹۱). در زمینه تنظیم و اجرای قوانین محیط‌زیستی کشور، عدم تسریع اجرا و نظارت قاطع بر حسن اجرای راهکارهای محیط‌زیستی با آلودگی‌ها، عدم هماهنگی بین بخشی و اهمال‌کاری برخی از بخش‌ها مانند صنایع در همکاری با ادارات محیط‌زیستی، عدم سامان‌دهی خدمات، عدم تمرکز نهادهای سیاسی و تصمیم‌گیری و کم‌اهمیت دانستن محیط‌زیست و در واقع، نوعی اتلاف منابع دانستن در این بخش از موانع قانون‌گذاری برای مقابله با آلاینده‌ها است (محرم‌نژاد و اجتهادی، ۱۳۸۹).

#### ۵-۵-۲) نهادهای دولتی

در کشورهای در حال توسعه متأسفانه روند توسعه تک‌بعدی بوده و تصمیمات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها معطوف به ملاحظات محیط‌زیستی و مدیریت نبوده است و محیط‌زیست بیشتر به عنوان منبع مواد خام مورد توجه بوده تا میراثی که باید حفظ و به نسل‌های آتی انتقال داده شود. در حالی که تصمیماتی که کارگزاران اتخاذ می‌کنند باید معطوف به حداقل وارد کردن خسارات محیط‌زیستی باشد (مبرقعی و نعیمی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴۹). رفتار مجریان قانون و جهت‌گیری مردم نسبت به نهادهای دولتی و مجریان قانون به شدت بر مشارکت مدنی تأثیر دارد. یکی از عوامل تأثیرگذار در این حوزه اعتماد است. تجربه نشان داده است که هر جا سطح بالایی از اعتماد اجتماعی وجود دارد، مشارکت افراد در عرصه عمومی گسترده‌تر است (محسنی، ۱۳۹۱). در واقع، می‌توان گفت که نگرش، ارزش‌ها و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال





محیط‌زیست، تحت تأثیر طرز تلقی آنها از روابط اعتماد آمیز آن دسته از سازمان‌هایی قرار دارد که مسئولیت رسمی در قبال محیط‌زیست دارند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). در جامعه مخاطره‌آمیز، نهادهای متمرکز، نظیر حکومت‌های ملی، اساساً فاقد قابلیت پاسخگویی به دغدغه‌های محیط‌زیستی و دغدغه‌های مربوط به مخاطره هستند (اروین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). فجایع محیط‌زیستی ممکن است کل زیستگاه کره زمین را مورد تهدید قرار دهد. این تهدید می‌تواند اعتماد مردم به نظام‌ها و توانایی آنها جهت حفظ امنیت را دستخوش تغییر و تحول نماید (فرهادی، ۱۳۹۰: ۲۱). منابع اطلاعاتی محیط‌زیست مختلف هستند مانند گروه‌های محیط‌زیستی، سازمان‌های دولتی، رسانه‌ها و برنامه‌های دانشگاهی و اگر شهروندان به منبع ارائه دهنده اعتماد داشته باشند، اطلاعات لازم را در مورد مسائل محیط‌زیستی و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی دریافت خواهند کرد (لائوریان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۲۶۰).

### ۵-۳-۵ فرصت‌های حمایت

علاوه بر وجود قوانین کارآمد و کارگزاران متعهد، فرصت‌های حمایت هم باید فراهم باشد. بررسی‌های صالحی و همکاران (۱۳۹۱)، صالحی و همتی گویمی (۱۳۹۱) و صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۲) نشان داد که فرصت‌ها برای حفظ محیط‌زیست در سطح مناسبی قرار ندارد. در حالی که فرصت‌های حمایت می‌تواند زمینه را برای بروز رفتارهای حامی محیط‌زیست را فراهم نماید. منظور از فرصت‌ها، وجود امکانات و تسهیلات لازم برای بروز رفتارهای محیط‌زیستی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱) مانند وجود سطل زباله با حجم مناسب و به تعداد کافی در سطح شهر، وجود سیستم حمل و نقل مناسب و برخوردار از امکانات سرمایشی و گرمایشی، صندلی‌های مناسب. یکی دیگر از موارد فرصت‌های حمایت، فراهم ساختن و باز گذاشتن فضا برای ابراز هویت افراد در قالب نهادهای مدنی است که می‌تواند پایه‌های اعتماد نسبت به نظام سیاسی را مستحکم‌تر کند. یکی از این نهادها، سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی است که هم نقش آگاه‌سازی عمومی نسبت به مسائل



محیط‌زیستی را بر عهده دارند و هم به نوعی ناظر بر عملکرد دولت در کارهای مربوط به محیط‌زیست می‌باشند.

جدول ۶) وضعیت سمن‌های محیط‌زیستی در تهران

ویژگی‌ها	میانگین از ۵
خلق فرصت‌های یادگیری مداوم	۳/۴۷
پرسشگری و گفت و شنود	۳/۸۴
تشویق همکاری و یادگیری تیمی	۳/۴۷
نظام خلق و تسهیم یادگیری	۳/۳۶
توانمندسازی افراد برای کسب دیدگاه مشترک	۳/۶۶
ارتباط با محیط پیرامون	۳/۶۷
رهبری راهبردی	۳/۷۱

(عباسی و همکاران، ۱۳۹۱)

بر اساس یافته‌های جدول فوق، پرسشگری و گفت و شنود با میانگین ۳/۸۴ از ۵ و نظام خلق و تسهیم یادگیری با میانگین ۳/۳۶ از ۵ دارای بیشترین و کمترین میانگین هستند. چنانچه فضای لازم برای فعالیت‌های این سازمان‌ها در کلان‌شهرها فراهم شود فرهنگ حفظ محیط‌زیست سریع‌تر در بین مردم نهادینه می‌شود.

لاهیجیان و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی خود دریافتند که سازمان‌های مدنی محیط‌زیستی در ایران نقش‌های کوچکی در توسعه شهری ایفا می‌کنند و بین سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی و کمیته مدیریت توسعه پایدار شهری همکاری مؤثری وجود ندارد

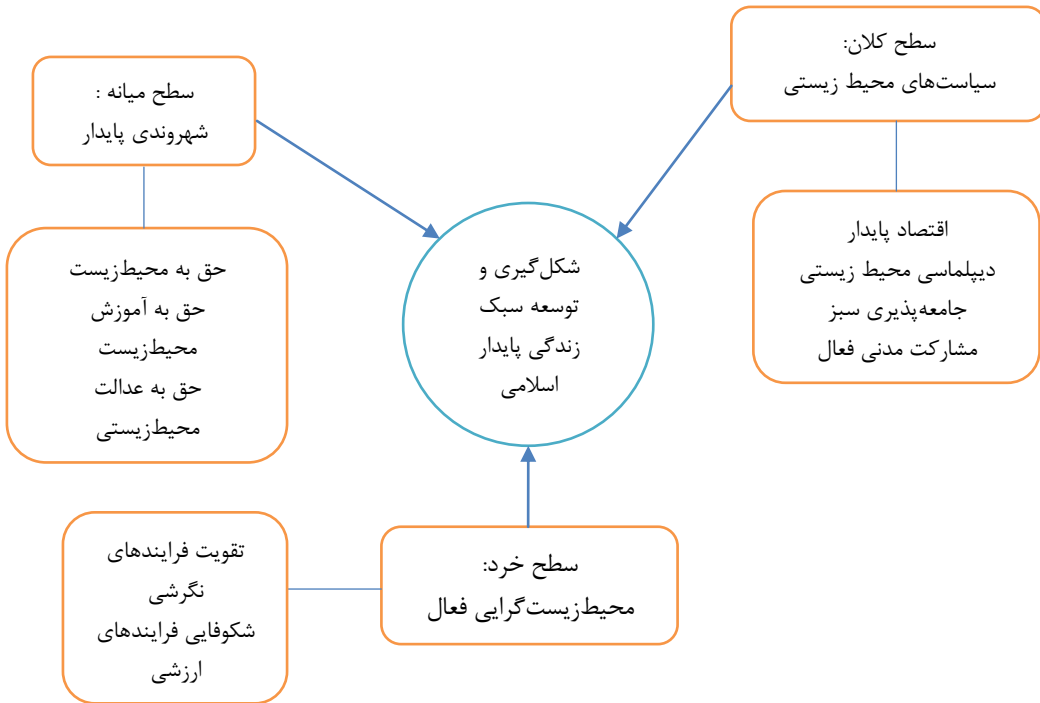
جدول ۷) طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی

متغیرهای تأثیرگذار	عوامل مؤثر
۱. سن؛ ۲. جنسیت؛ ۳. وضعیت اشتغال؛ ۴. محل سکونت؛ ۵. وضعیت تأهل.	الف- عوامل زمینه‌ای
۱. نگرش‌های محیط‌زیستی؛ ۲. هنجارها و عادت واره ها؛ ۳. فردگرایی در حوزه روابط اجتماعی؛ ۴. عملکرد خانواده.	ب- عوامل اجتماعی
۱. تعهد مذهبی؛	



پ- عوامل فرهنگی	۲. تحصیلات؛ ۳. ارزش‌ها؛ ۴. رسانه‌ها.
ت- عوامل اقتصادی	۱. نابرابری؛ ۲. درآمد پایین؛ ۳. پایگاه اقتصادی و اجتماعی.
ث- عوامل سیاسی	۱. عوامل مربوط به قانون: جهت‌گیری منفی نسبت به قانون، نامناسب دانستن قوانین، اجرائی نبودن برخی قوانین، تغییرات پی در پی قوانین، عدم آگاهی از قوانین؛ ۲. عوامل مربوط به نهادهای دولتی: نگرش منفی نسبت به مجریان قانون، بی‌اعتمادی نسبت به آنان، تبعیض و اجرا ناعادلانه قوانین، استفاده ابزاری از قوانین؛ ۳. عوامل مربوط به فرصت‌های حمایت: فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت مدنی گروه‌های حامی محیط‌زیست و فراهم ساختن امکانات لازم برای مقابله با آلودگی‌ها در سطح شهرها برای شهروندان.

همان‌طور که اطلاعات موجود در جدول فوق نشان می‌دهد مسئولانه یا غیرمسئولانه بودن سبک زندگی ما نسبت به محیط‌زیست، از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد و فقط این‌طور نیست که ما فرد یا دولت را در بروز آلودگی‌ها، پسماندها، از بین رفتن تنوع زیستی مقصر و یا مسئول بدانیم. اکنون می‌توان مدلی برای سبک زندگی پایدار اسلامی ترسیم نمود که در سه سطح کلان، میانه و خرد قابل تقسیم‌بندی است.



شکل ۷) مدل شکل‌گیری و توسعه سبک زندگی پایدار اسلامی (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

با توجه به رویکردها و تبیین عوامل مؤثر بر سبک زندگی محیط‌زیستی، شکل‌گیری و رونق سبک زندگی پایدار اسلامی از سه دسته عامل در سه سطح خرد، میانی و کلان تأثیر می‌پذیرد. در سطح خرد، فرد مطرح است که به فرایندهای نگرشی و ارزشی تأثیر پذیرفته از مبانی اسلامی حفاظت از محیط‌زیست وابسته است. با تقویت این فرایندها، اثربخشی و کارآمدی به عنوان کسی که می‌تواند در حفظ محیط‌زیست سهمی داشته باشد تقویت می‌شود؛ یعنی هر فردی می‌تواند یک محیط‌زیست‌گرا باشد. محیط‌زیست‌گرایی نوعی گرایش در فکر، ذهن و نیت هست که سبب می‌شود در هر موضعی مسئولیت‌پذیر عمل کند. تهدیدها را باور داشته باشد و فرصت‌ها را مغتنم بداند. در سطح میانه شهروندی پایدار قرار دارد. فرایند محیط‌زیست‌گرایی با این بعد تقویت می‌شود. شهروندی به معنای برخورداری از حقوق و انجام انتظاراتی در جامعه هست. حق به محیط‌زیست، یعنی برخورداری از آموزش و آگاهی و حق به مشارکت در حفظ محیط‌زیست شهری یا منابع طبیعی و مقابله با تهدیدها و آسیب‌هایی است که از جانب افراد



سوءاستفاده‌گر رخ می‌دهد. شهروندی پایدار رکنی است که با سیاست‌های کلان در جامعه تعریف می‌شود. یعنی در سطح کلان زمینه‌های تسهیلگری آن احراز شده و ضمانت‌های اجرایی برای آن باید در نظر گرفت.

#### ۶) پیشنهادها

در اینجا، با توجه به نتایج به دست آمده در رابطه با تأثیر متغیرهای مورد بررسی بر سبک زندگی پایدار اسلامی، چند پیشنهاد ارائه می‌گردد. این پیشنهادها مشتمل است بر: آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی، کنترل و نظارت، نهادهای دولتی، شهروندی (شهروندی متعهد نسبت به قانون و شهروندی پایدار)، و نهایتاً، الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی و سبک زندگی محیط‌زیستی. در ادامه، به توضیح هر یک می‌پردازیم.

#### ۶-۱) آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی

علاوه بر نامناسب بودن قوانین، عدم آگاهی شهروندان از تبعات اقداماتی که آنها انجام می‌دهند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد:

۱- قوانین به خصوص قوانین محیط‌زیستی از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به اطلاع مردم برسد.

۲- روش‌های آموزش در نهادهای آموزشی به خصوص از طریق مدارس باید از حالت نظری خارج و شکل کاربردی پیدا کند تا دغدغه‌های محیط‌زیستی از سنین پایین در افراد درونی گردد. پرداختن به این امور در کتب درسی مدارس و حتی دانشگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۳- در بسیاری موارد افراد به دلیل عدم اطلاع از هزینه‌های تخریب محیط‌زیست به راحتی مرتکب آن می‌شوند. از این رو اطلاع‌رسانی در این زمینه تا حد زیادی می‌تواند افراد را از عمل تخریب باز دارد.

می‌توان در راستای شهروندگرایی محیط‌زیستی از طریق برنامه‌ها و همایش‌ها، مزایای قانون‌گرایی و معایب قانون‌گریزی به اطلاع افراد برسد. تقویت حوزه عمومی و حمایت از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.



کمک به افراد فقیر و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی آنها در جهت کاهش مخاطرات برای سلامتی و بهداشت فردی آنها ناشی از آلودگی‌ها و نیز تخریب منابع طبیعی.

## ۶-۲) کنترل و نظارت

می‌توان گفت با توجه به وضع قوانین مختلف با رویکرد حفاظت از محیط‌زیست و یا عضویت کشور ایران در کنوانسیون‌ها و مجامع بین‌المللی و پذیرفتن پروتکل‌ها اما این قوانین از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیستند و از این رو لازم است تا قوانین کیفی با توجه به نیازهای روز تقویت و مورد بازبینی قرار گیرد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). بر این اساس پیشنهاد می‌گردد:

۱- نهادهایی که برای حفظ محیط‌زیست تلاش می‌کنند و برخورد قاطع با تخریب‌گران و آلوده‌کنندگان وجود دارند تقویت گردند.

۲- جریان مجازات افراد خاطی از قطعیت بیشتری برخوردار گشته و فرار از مجازات کاهش یابد.

۳- سرعت و شدت مجازات به گونه‌ای باشد که هزینه ارتکاب انحراف از قانون بسیار بیشتر از سود آن باشد.

۴- در زمینه سیاست‌های پیشگیرانه در حفاظت از محیط‌زیست، باید به آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه توجه کرد. مردم باید دانش بیشتری از مباحث محیط‌زیستی داشته باشند تا کنش خود را در برابر آن تصحیح کنند.

استفاده از روش‌های ارزیابی محیط‌زیستی قبل از اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف در نواحی مختلف به منظور ارزیابی آثار محیط‌زیستی پروژه‌ها و به حداقل رساندن آثار زیان‌بار محیط‌زیستی آنها (احمدی و حاجی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲).

شفاف‌سازی تعریف نظارت در اصل ۱۰۰ قانون اساسی و تقویت نقش مشارکت در همکاری با دولت در پیشبرد برنامه‌ها می‌تواند انگیزه لایه‌های مختلف سازمان یافته مردم برای افزایش سطح نظارت را بهبود بخشد (کریمی، بی تا: ۱۰).

گسترش دامنه نظارت و رسمیت دادن به فعالیت‌های شورا‌یاری‌ها و تغییر نگاه دولت‌مردان و



اعتماد بیشتر به سازمان‌های مدنی بهبود محیط‌زیست و سلامت شهروندان در سطح شهرها منجر می‌شود (همان: ۱۱).

### ۳-۶) نهادهای دولتی

کارگزاران و مجریان قوانین محیط‌زیستی تأثیر زیادی بر صیانت از میراث طبیعی و مقابله با آلودگی‌ها دارند. چرا که آنان هم باید قانون را به تصویب رسانده هم از آن تبعیت کرده و هم آن را در جامعه اجرا کنند. از این رو نقش آنها چه در شهروندی پایدار و نه مصرف‌کننده صرف بودن افراد جامعه چشمگیر است. بر این اساس:

۱- قانون‌گذاران باید تلاش کنند تا با توجه به نیازها و شرایط روز محیط‌زیست، قوانین مناسب را تصویب کنند. هر چند که این موضوع مستلزم آن است تا قانون‌گذاران از تخصص و صلاحیت کافی برای قانون‌گذاری برخوردار باشند. در اینجا اهمیت همکاری‌های بین‌رشته‌ای فوق‌العاده حساس می‌شود. مخصوصاً مشاوره با متخصصان علوم اجتماعی در زمینه شناخت عوامل مؤثر بر رشد و گسترش طرح‌های توسعه شهری در ایران مهم می‌باشد (لاهیجیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۲- قانون‌گذاران و مجریان آن باید از مشروعیت برخوردار باشند. در درجه اول کسانی از مشروعیت برخوردار هستند که از تخصص و توانایی لازم برای پست‌ها و موقعیت‌هایی که به آنها محول می‌شود برخوردار باشند.

۳- قانون‌گذاران باید نظارت کافی و جدی بر اجرا قوانین مصوب داشته باشند.

۴- رعایت انصاف و عدالت اصل محوری اجرا قانون می‌باشد. لذا مجریان قانون اعم از قضات، پلیس و کارکنان ادارات باید رویه‌های منصفانه‌ای در برخورد با متخپیان (کارخانه‌داران، تخریب‌گران منابع طبیعی، خودروسازان و ...) در جامعه داشته باشند.

۵- بی‌اعتمادی مدنی مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌باشد. وقتی افراد جامعه ببینند که مجریان قانون قوانین را رعایت نمی‌کنند و یا آنها دچار فساد اداری هستند آنان نیز میلی به حفظ محیط‌زیست نخواهند داشت.

مسئولان باید انجام کارهای عام‌المنفع و رعایت ضابطه، اعتماد مردم را به خود و نهادهای دولتی جلب کنند.



۲. ارائه اخبار و گزارش توسط رسانه‌ها، به این ترتیب که رسانه‌ها باید اقدامات انجام گرفته از طرف مسئولان را به گوش مردم برسانند تا مردم در جریان اقدامات و فعالیت‌ها قرار گیرند.
۳. توجه شایسته به سیاست‌های عدالت اجتماعی به منظور ایجاد توازن معقول بین اقشار مختلف مردم و تحقق عدالت اجتماعی و پیشگیری از تعمیق اختلاف طبقاتی.
۴. اهمیت دادن به نظر و خواسته‌های مردم بومی و بهره‌گیری از پیشنهادهای آنها در بهره‌برداری از منابع طبیعی و یا استقرار صنایع، ساختن سدها و موارد دیگر.

#### ۴-۶) شهروندی

در ارتباط با شهروندی، دو پیشنهاد اساسی می‌توان ارائه داد که عبارت‌اند از متعهد ساختن افراد نسبت به قانون و دیگری، شهروندی پایدار. در اینجا به توضیح در هر یک از موارد می‌پردازیم.

#### ۴-۶-۱) شهروندی متعهد نسبت به قانون

شهروندی دربرگیرنده حقوق برای شهروندان است شامل مسئولیت برای آنان نیز می‌باشد (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). از این‌رو جامعه‌ای که شهروندی در آن شکل نگرفته است، جامعه‌ای است که نه تنها حقوقی برای شهروندان در آن وجود ندارد بلکه افراد نیز مسئولیتی در قبال جامعه برای خود قائل نیستند.

مشارکت مدنی موجب پیوستگی افراد با جامعه می‌شود. هر چه افراد از روابط مدنی و رسمی بیشتری برخوردار باشند، پیوند آنها با جامعه بیشتر شده و رفتارهای جمع‌گرایانه آنها بیشتر خواهد شد. لازمه این کار فراهم کردن زمینه برای مشارکت افراد در جامعه است. وقتی سازوکارها و مسیرهای مشارکت برای افراد در جامعه فراهم نباشد، راهی جز حل فردی و خانوادگی مسائل برای آنان باقی نمی‌ماند. برای اینکه شهروندانی مسئول در جامعه داشته باشیم باید حوزه عمومی قوی داشته باشیم که در آن سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در حوزه‌های مختلف فعال باشند. مشارکت در این نوع سازمان‌ها کارکردهای مختلفی دارد:

الف- افراد با حقوق خود از این طریق آگاه می‌شوند. ب- از این طریق در جهت رفع برخی مسائل در جامعه فعالیت می‌کنند. پ- موجب افزایش تعلق اجتماعی افراد می‌شود و از این





طریق. ت- افراد مسئول و قانونمند در جامعه افزایش می‌یابد. برای اینکه شهروندانی مسئولیت‌پذیر در جامعه داشته باشیم باید نه تنها حقوقی برای آنان در نظر گرفته شود بلکه رعایت حقوق شهروندی از طرف دستگاه حاکمه باید در اصل قرار گیرد. وقتی برای افراد جامعه حقوقی (مثلاً انواع آزادی‌های مدنی) در نظر گرفته نشود و یا حقوق تعریف شده در قانون اساسی در قبال آنان رعایت نشود نباید از آنان انتظار مسئولیت‌پذیری در جامعه داشت (بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸).

#### ۶-۴-۲) شهروندی پایدار

حمایت از سازمان‌های غیردولتی حامی محیط‌زیست به صورت تخصصی و متمرکز در یکی از زمینه‌های توسعه شهری مرتبط با محیط‌زیست مانند بهینه‌سازی مصرف انرژی- کاهش و کنترل آلودگی‌های آب، خاک، هوا، صوت و نور- بازیافت مواد زائد- فضای سبز- بهداشت محیط‌زیست- فرهنگ‌سازی برای اقشار مختلف (زنان خانه‌دار، کودکان، نوجوانان، جوانان)- پیشگیری از حوادث در محیط‌زیست شهری- ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی جامعه- تغییر الگوهای ناپایدار تولید و مصرف (لاهیجیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

لازمه تغییر الگوهای مصرفی در جامعه، شکل‌گیری و گسترش شهروندی محیط‌زیستی است. در شهروندی محیط‌زیستی تصریح شده است که شهروندان به دنبال گسترش اصول جهانی مرتبط با حقوق محیط‌زیستی و گنجاندن آن در قانون، فرهنگ و سیاست می‌باشند. یک شهروند محیط‌زیستی به پیامدهای محیط‌زیستی تصمیماتش در زندگی روزمره- اینکه با انواع زباله چه باید کرد، چگونه سفر کرد و چه چیزی را مصرف کرد، توجه خاصی نشان می‌دهد و به دولت‌ها کمک می‌کند تا جوامع مصرفی خود را به جوامعی تبدیل کنند که در آن تأکید عمده بر محیط‌زیست باشد (کهیل، ۱۳۸۷).

پایداری محیط‌زیستی زمانی محقق می‌شود که برای ثبات محیط‌زیست برنامه‌ریزی صورت پذیرد به این معنی که بر کاهش ضایعات بیش از مدیریت ضایعات، توسعه مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و منابع قابل بازیافت تأکید شود؛ به پیامدهای ناخواسته اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناوری، مدیریت و قوانین توجه شود؛ فرایندهای تولید ما عاری از تولید مواد سمی و خطرناک باشند؛ همه کشورها سهم خود را در حفاظت از محیط‌زیست جهانی ادا کنند؛



تنوع زیستی حفظ و تقویت شود و در نهایت رشد جمعیت جهان تثبیت شود (ویدرمن، ۱۹۹۳: ۳۹). شهروند محیط‌زیستی به مصرفی کارآمد و بهبود دهنده کیفیت زندگی معتقد است. مصرف پایدار در قالب چارچوب گفتمان نوسازی محیط‌زیستی تعریف می‌شود که بر مصرف پایدار، ظهور فرصت‌های تجاری نوین و بهبود کیفیت زندگی به طور هم‌زمان تأکید دارد. اهدافی که در مصرف پایدار دنبال می‌شود عبارت است از کاهش مصرف کلی منابع به منظور هدایت نظام اجتماعی-اقتصادی به دور از محدودیت‌های طبیعی؛ چالش اخلاقی بازتوزیع تخصیص منابع از غنی به فقیر در و میان ملت‌ها؛ و تلاش برای دستیابی به کیفیت مطلوب زندگی (گلیکمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۳).

دولت‌ها نقشی غیرقابل جایگزین در تمام کشورها در توسعه داشته و دارند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲). متأسفانه در ایران بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای به دلیل حاکمیت رویکردهای غیرعلمی در فاز امکان‌سنجی (بخ‌کشی، ۱۳۸۱: ۷۸) و کم‌اهمیت تلقی نمودن محیط‌زیست، عدم توجه به تعریف ذهنی محیط‌زیست در فرهنگ بومی هر منطقه با اقلیم متفاوت، نبود فرصت‌های حمایتی سبب تخریب محیط‌زیست و ناپایداری روند توسعه شده است. با این حال، بر اساس اهداف چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴ دولت ایران با انجام اقدامات زیر می‌تواند نقشی مؤثر در حفظ و مدیریت محیط‌زیست داشته باشد.

مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات محیط‌زیستی: هر فردی باید این امکان را داشته باشد تا با رعایت قوانین و مقررات کشور خود به صورت فردی یا جمعی در قالب یک شکل اجتماعی در اتخاذ تصمیماتی که مستقیماً مربوط به محیط‌زیست او است، مشارکت نماید.

حق دسترسی به اطلاعات: مؤسسات عمومی موظف هستند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست و اقدامات مؤثر بر آن را در اختیار شهروندان قرار دهند. قابل توجه اینکه ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط‌زیست سالم عمدتاً فقط هنگامی ممکن می‌گردد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند.

حق آموزش محیط‌زیست: به موجب این حق دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد



فرهنگ دوستی با محیط‌زیست، حفاظت از آن و استفاده از فناوری‌های پاک می‌باشد. این آموزش و فرهنگ‌سازی باید در کلیه سطوح اعم از آموزش رسمی و غیررسمی صورت گیرد. حق دادخواهی محیط‌زیستی: برای اینکه حق برخورداری از محیط‌زیست تحقق یابد باید از ضمانت اجرایی کافی برخوردار بوده و قابلیت دادخواهی داشته باشد. به عبارت دیگر، افراد و سازمان‌های غیردولتی بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به ویژه قضایی شکایت نمایند.

مقابله با یارانه‌های فساد برانگیز: یارانه‌های فسادبرانگیز موجب تشویق فعالیت‌هایی می‌شود که برای اقتصاد و محیط‌زیست زیان‌بخش هستند. برای مثال، پرداخت یارانه به زغال‌سنگ می‌تواند از تخصیص درآمد مالیاتی کمیاب به فعالیتی که با قیمت‌های بین‌المللی قابل رقابت نیست به اقتصاد آسیب برساند، محیط‌زیست را از راه تشویق استفاده از یکی از آلوده‌ترین منابع انرژی تخریب کند، یارانه‌ها بنا به دلایل متعدد دلایلی بار ارزشی مانند ریشه‌کنی فقر یا شناسایی شکست بازار، پی‌ریزی شده است. با این همه آنها اغلب در دسترسی به این اهداف شکست خورده یا اینکه با هزینه‌های بسیار گزاف به اهداف مورد نظر دست نیافته‌اند. حذف یارانه‌های فساد برانگیز با آزاد کردن منابع ملی دولت برای سایر اهداف هم‌زمان موجب منتفع شدن اقتصاد و محیط‌زیست نیز می‌گردد. در گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۲ چنین اقدامات سیاستی با عنوان سیاست‌های برنده-برنده توضیح داده شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

#### ۵-۶) الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی و سبک زندگی محیط‌زیستی

با وجود این‌که مبحث توسعه اقتصادی در ادوار مختلف تاریخ معاصر ایران مورد توجه بوده است، نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب اسلامی با عنوان «دهه پیشرفت و عدالت» از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و نیز تداوم آن در آغاز دهه پنجم، نقطه عطفی در حوزه نظری و کاربردی برنامه‌ریزی به اصطلاح توسعه در کشور ایجاد نمود (عبدالملکی، ۱۳۹۱). در نظریه الگوی بومی پیشرفت مقام معظم رهبری، سازگاری اسلام با پیشرفت و معرفی اسلام به عنوان الگوی پیشرفت هدف نهایی است (یاوری و همکاران، ۱۳۸۹؛ در عبدالملکی، ۱۳۹۱: ۲۲). مفهوم پیشرفت به عنوان مفهومی تأسیسی توسط مقام معظم رهبری و جزئی از اندیشه و الگوی اقتصاد اسلامی متضمن معنایی عمیق است. این مضمون مشتمل بر محورهایی جامع و



ابعادی از جمله تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، رشد اخلاق و معنویت، ارتقای بهره‌وری، قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی، رشد مسئولیت‌پذیری و رفاه عمومی است. با توجه به چنین مضمونی، محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی و انرژی جایگاه ویژه‌ای در تعریف الگوی اسلامی و بومی پیشرفت به خود اختصاص می‌دهد. در سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی و ایرانی، مبانی جامعه‌شناختی در ارتباط با تحقیق حاضر این طور بیان شده است:

- جامعه به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می‌تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به ویژه نخبگان اثر پذیرد.

- ساخت‌یافتگی جامعه عمدتاً مبتنی بر فرهنگ است که به مثابه هویت و روح کلی جامعه در اجزاء و عناصر خرد و کلان آن حضور دارد.

- بنیادی‌ترین واحد تشکیل دهنده جامعه، خانواده است که نقشی بی‌بدیل در تولید، حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه دارد.

- جوامع با وجود پاره‌ای تفاوت‌ها، تحت تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر هستند.

- تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه پدید می‌آید.

- جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دین‌داری فردی آحاد جامعه به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست.

- پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود (مرکز الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷).

با ملاحظه مبانی جامعه‌شناختی سند الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت، می‌توان جایگاه سبک زندگی محیط‌زیستی را برحسب موارد زیر نشان داد:



### الف. مسئولیت فردی:

مطابق این سند، مسئولیت هر فرد در برابر خودش و نیز جامعه مشخص هست. حفظ محیط‌زیست، حفاظت از میراث منابع طبیعی و پاسداشت طبیعت به معنای حفظ حیات برای خود فرد است که باقی جامعه بدان وابسته است.

### ب. ارزش‌های محیط‌زیستی:

ارزش‌های محیط‌زیستی که تعریف‌کننده هنجارهای حفاظت از محیط‌زیست و مراقبت از منابع طبیعی است، بخشی از یک فرهنگ است و چه بسا فرهنگ اسلامی که جامعه ایرانی با آن عجین شده است حاوی پیام‌ها و رسالت‌هایی برای تک‌تک اعضای جامعه در برابر حفظ امانت الهی است. دولت اسلامی باید مانند دوربین نظارتی عمل کند که رد پای محیط‌زیستی شرکت‌ها و افراد و دولت را زیر نظر داشته باشد و با توجه به مشکلات محیط‌زیستی جدید مانند ریزگردها، تغییر آب و هوا، آلودگی، پسماندها، کمبود منابع طبیعی از جمله آب در قوانین و حقوق محیط‌زیستی تغییراتی ایجاد کند. لذا دولت اسلامی برای گسترش منابع طبیعی و احیای آنها همت داشته باشد.

### ج. نقش خانواده:

در این سند به نقش خانواده به عنوان بنیادی‌ترین و اولین نهاد اجتماعی در جامعه اشاره شده است که زینده است والدین در آموزش محیط‌زیست و درونی ساختن ارزش‌های محیط‌زیستی کوشا باشند. خانواده‌ها می‌توانند ساده زیستی به عنوان شکلی از مصرف پایدار را به فرزندان خود آموزش دهند و با این کار مدل‌های ذهنی و روانی نسبت به ارزش‌های مصرفی را تغییر دهند.

### خ) حفظ حقوق مالکیت عمومی بر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی همراه با رعایت

#### ملاحظات صیانتی، محیط‌زیستی و بین‌نسلی در بهره‌برداری از آنها

بسیاری از نهادهای دولتی مخصوصاً نهادهایی که صبغه دینی دارند خود را مالک منابع طبیعی می‌دانند و با ادعای قرار داشتن امامزاده‌ای در آن مکان زمین‌های اطراف را جزء موقوفات اعلام می‌کنند و با کشیدن حصار آن را از مالکیت عمومی خارج می‌کنند. چه قبل از انقلاب و چه



بعد از آن بخش خصوصی در ایران تعریف مشخصی نداشته است و مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی تنها در قالب بازیافت یا مصرف بهینه آب و انرژی خود را نشان داده است. چه قدر از روستائیان برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی مانند جنگل‌ها و مقابله با زمین‌خواری استفاده شده است. عدم داشتن آگاهی نسبت به ارزشمند بودن منابع طبیعی باعث شده است بسیاری از روستائیان زمین‌های خود را به سرمایه‌دارانی بفروشند که با داشتن ارتباط با نهادهای مرتبط، مجوز انبوه‌سازی را کسب می‌کنند. در بسیاری از مناطق جنگلی استان‌های شمالی در ارتفاعات انبوه‌سازی‌هایی صورت گرفته است. در حالی که ساخت و ساز در حریم جنگل‌ها غیرقانونی هست. زمانی که پول و قدرت در جامعه ملاک تمایز آدم‌ها شود فساد در آن جامعه رشد می‌کند و زمانی که فساد از ۴۰ درصد بیشتر شود به نوعی سبک زندگی در جامعه تبدیل می‌شود.

پس اینکه منابع طبیعی باید به چشم میراث ملی نگریسته شود که نسل‌های آینده نیز در آن سهمی خواهند داشت شعاری بیش نیست.

#### د. دین‌داری:

در مبانی جامعه‌شناختی دین‌داری فردی برای تحقق جامعه دینی کافی دانسته نشده و این بدان معنا است که فرد نمی‌تواند خودم‌محور باشد و مدعی شود که من حریم شخصی خود را پاکیزه نگه می‌دارم و یا آبی که مصرف می‌کنم پولش را داده‌ام یا مال خودم هست. دین‌داری تنها به انجام فرایض نیست و سالم نگه‌داشتن محله یا تولید زباله کمتر و توجه به توصیه‌های مربوط به داشتن شهری سالم نشانه احترام به حقوق دیگران و بخشی از امر به معروف یا نهی از منکر است و آلوده نکردن رودخانه‌ها، استفاده از خودروی عمومی، خاموش کردن لامپ‌های اضافی یا مصرف بهینه آب در زمان استحمام، پاکیزه نگه‌داشتن جنگل‌ها و بسیاری از موارد دیگر نمونه‌ای از دین‌داری جمعی است.

همچنین در این سند تدابیری نیز اندیشیده شده است که در اینجا به مواردی اشاره می‌شود که به بحث محیط‌زیست و سبک زندگی پایدار مربوط است.

الف) توسعه علوم بین‌رشته‌ای و مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای بدیع و مفید. برای حل



مشکلات محیط‌زیستی استفاده از دانش و مهارت‌های علمی سایر رشته‌ها امری لازم است. برای مثال، عدم استقبال کشاورزان از کنتورهای دیجیتال آب که در اختیارشان گذاشته می‌شود تا مصرف آب کنترل شود نمونه‌ای از تحقیقاتی است که حضور اصحاب علوم اجتماعی را می‌طلبد.

ب) توسعه فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی و مصرف آب، انرژی و سایر منابع حیاتی متناسب با ظرفیت، حقوق و اخلاق زیستی (بخش کشاورزی سهم قابل توجهی از منابع آب را هدر می‌دهد که صنایعی که آب بر هستند بیشتر باید قوانین محیط‌زیستی را رعایت کنند و بر کار آنها نظارت صورت گیرد یا اقداماتی را برای جبران آبی که مصرف می‌کنند انجام دهند). محدودیت رشد و نیز پایان‌پذیر دانستن منابع طبیعی باید اساس توسعه شرکت‌ها و تولید کنندگانی باشد که کالا و خدماتی را ارائه کنند که بهره‌گیری بهینه از انرژی و مخصوصاً آب کمک کند. به همین منظور باید گروه‌های هدف که با توجه به کارشان آب بیشتری مصرف می‌کنند یا با منابع انرژی سروکار دارند مشخص شود. دولت با داشتن یک دیدگاه بلندمدت نسبت به تقاضا و عرضه، پارامترهای منابع اکولوژیکی در سطح کلان تعیین می‌کند. در این خصوص، دولت باید آمادگی برای انجام دو نوع برآورد را داشته باشد: یکی بیشینه کمیت پایدار این منابع و نیز بیشینه ظرفیت تحمل پسماندها و آلاینده‌ها. این برآوردها پارامترهای اقتصاد کلان هستند و ساز و کار بازار به‌گونه‌ای باید باشد که امکان عملیاتی شدن آنها مهیا شود (رمضان آکتار، ۱۹۹۶: ۷۳).

ت) رویکرد اسلامی می‌بایست تعدادی از اقدامات بنیادی که دولت اسلامی باید آنها را در خصوص منابع انرژی انجام دهد تعیین کند. از جمله تعیین پارامترهای منابع اکولوژیکی، طراحی یک نظام انگیزه‌بخش، نظارت بر اجرای مقررات محیط‌زیستی و توسعه منابع اکولوژیکی در بخش دولتی. کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک (ایران سرزمین چهار فصل است و غنی به لحاظ منابع انرژی تجدیدپذیر که متناسب با شرایط جغرافیایی و اقلیمی می‌توان با بهره‌گیری از منابع تجدیدپذیر انرژی در مصرف سوخت‌های فسیلی یا برق آبی جلوگیری کرد. ایجاد نگرش مثبت نسبت به کارایی چنین منابعی در بین صنایع، کارخانه‌ها، ادارات و سازمان‌ها و حتی بین مردم وظیفه‌ای



است که بر عهده محققان اجتماعی است). علاوه بر ابزارهای اطلاعاتی و اقتصادی که ذکر شد، سازوکارهای زیر را نیز می‌توان در پیش گرفت :

- عوامل خارجی متناسب با موقعیت (فرصت‌های حمایت) که شیوه‌های پایدار مصرف انرژی را به آسانی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد؛

- توجه به بستر اجتماعی و فرهنگی مانند هنجارهای اجتماعی، اصول اخلاقی و انتظارات فرهنگی دین در خصوص تولید و مصرف و در نهایت

- معرفی دستاوردهای موفق بومی در کنترل آلاینده‌ها و حفظ محیط‌زیست.

ث) در نهایت، حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاست. دولت اسلامی می‌تواند از سازمان‌های مردم‌نهاد حمایت کند و زمینه را برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم کند. چرا که این سازمان‌ها نقش زیادی در آگاهی محیط‌زیستی، اصلاح الگوهای مصرف و کاهش پسماند، حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی ایفا می‌کنند. گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی به منظور افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم ساختار درونی نظام بستری است که می‌تواند افراد جامعه را نسبت به مشکلات محیط‌زیستی حساس‌تر کند و آموزش محیط‌زیست در جامعه عمومیت پیدا کند و تنها در خانواده یا در اختیار نهاد آموزش و پرورش نباشد که صرفاً در یک یا چند کتاب درسی و در قالب یک فصل به آن پرداخته شود.

در خاتمه، امید است با بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی و تجربیات ارزشمند تلاشگران در عرصه حفظ محیط‌زیست، شاهد تحقق سبکی از زندگی محیط‌زیست باشیم که هم با الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت سازگار باشد و هم با شرایط محیط طبیعی ایران.





## منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگه، صص ۵۸۹-۵۶۸.
- آقایاری هیر، توکل؛ هنرور، حسین و علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۶)، نقش واسطه‌ای مصرف‌گرایی در ارتباط با مادی‌گرایی و ردپای اکولوژیک (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه‌ای)، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، دوره ششم، شماره اول: صص ۹-۱۸.
- آقای تبریزی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی سیاست‌های راهبردی انرژی و نقش قوانین مرتبط در آینده انرژی کشور حاوی پیشنهاد، سند راهبرد انرژی کشور، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، تهران، چاپ اول.
- ابراهیمی سالاری، تقی؛ صالح‌نیا، نفیسه و لشکری پور، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه محیط‌زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار، همایش ملی پژوهش‌های محیط‌زیست در ایران، همدان: دانشکده شهید مفتح.
- ابراهیمی، افسانه. (۱۳۹۲). مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در قبال محیط‌زیست در جهان سوم، پژوهشکده مطالعات روابط بین‌الملل، گرفته شده از [www.riirpolitics.com](http://www.riirpolitics.com)
- احمدی، علی و حاجی‌نژاد، علی. (۱۳۸۶). تخریب محیط‌زیست مانعی در برابر توسعه پایدار، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه زاهدان.
- اروین، آلن. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی و محیط‌زیست: درآمدی انتقادی بر جامعه، طبیعت و دانش، ترجمه: صادق صالحی، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
- اصغری، مریم، مه‌ری، سهیلا و اسماعیلی، علی. (۱۳۹۳). نقش فساد و سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در کیفیت محیط‌زیست، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- امام‌قلی، لقمان. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی محیط‌زیستی (مطالعه موردی: استان کردستان)، رساله دکتری، استاد راهنما: صادق صالحی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.



- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۱). جهان‌بینی دینی و محیط‌زیست (نگرش اسلام به طبیعت)، مجله محیط‌شناسی، دوره ۲۸، شماره ۳۰، صص ۹۷-۱۰۶.
- اویسی، الهام؛ ساری، عباس؛ قاسم‌پوری، محمود و آزاد فلاح، پرویز. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آلودگی صوتی ناشی از ترافیک بر سلامت عمومی و روانی شهروندان یزد، مجله محیط‌شناسی، سال سی و سوم، شماره ۴۳، صص ۴۱-۵۰.
- بابایی، طاهره. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان در مقابله با تغییر آب و هوا (مطالعه موردی: دانشگاه بوعلی سینا همدان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صادق صالحی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۷-۵۸.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تجدد: غیرت‌ها و محدودیت‌ها (قسمت دوم)، مجله نقد و نظر، سال سوم، ش ۲ و ۳، صص ۴۴۲-۴۴۳.
- بنی فاطمه، حسین، روستایی، شهرام، علیزاده اقدام، محمدباقر و حسین‌نژاد، فهیمه. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط‌زیستی در بین شهروندان شهر تبریز، دو فصلنامه جامعه اقتصادی و توسعه، شماره دوم، صص ۳۳-۳۶.
- بهار، مهری. (۱۳۹۰). فرهنگ و مصرف، تهران: انتشارات سمت.
- پاک سرشت، سلیمان. (۱۳۹۳). ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، راهبرد فرهنگ، شماره، صص ۱۰۲-۷۲.
- پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شناخت دانشجویان نسبت به تغییرات جهانی آب و هوا، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صالحی، صادق، دانشگاه مازندران، گروه علوم اجتماعی.
- پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی در میان دو نسل، کنفرانس بین‌المللی مدیریت محیط‌زیست، دانشگاه تهران.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود، سیارخلج، حامد، شکوهی‌فر، کاوه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل



فرهنگی مرتبط با رفتارهای محیط‌زیستی. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. ۳، صص ۹-۳۲.

جغتایی، فرناز و مردانی، حسن. (۱۳۸۴). بررسی اثرات آلاینده‌های مختلف هوا بر سلامت، اولین همایش آلودگی هوا و اثرات آن بر سلامت، تهران.

جوکار، گلناز و میردامادی، سیدمهدی. (۱۳۸۹). دیدگاه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر شیراز نسبت به حفاظت از محیط‌زیست، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۱، سال سوم، صص ۱۳-۱.

درخشه، جلال. (۱۳۸۴). جستاری در اندیشه‌های بوم‌گرایی، دانش سیاسی، شماره (۱)، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۵۹-۱۸۰.

دژاردن، جوزف آر. (۱۳۹۶). اخلاق محیط‌زیست (درآمدی بر فلسفه محیط‌زیست)، ترجمه: مهدی کلاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

رحمت‌آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب. (۱۳۸۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره، صص ۲۳۵-۲۵۲.

رحمانی، بیژن و مجیدی، بتول. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش فمینیستی، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷، صص ۳۷-۱۵.

رشیدی، علیرضا و رشیدی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی نقش رسانه‌ها در حفاظت از محیط‌زیست و تأثیر آنها در رفتار مردم و مدیران از منظر شکل‌گیری فرهنگ مصرف، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۵۶ و ۵۵، صص ۴۴-۳۱.

رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

زارع، حمید. (۱۳۸۹). رفتارهای شهروندی در جامعه دینی، فلسفه دین، سال هفتم، شماره ۷، صص ۱۴۲-۱۱۹.



- فتحی ضرغام، کنعانی، محمدمبین و چاوشیان حسن. (۱۳۹۴). تحلیل رفتارهای محیط‌زیستی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۲۳.
- فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۵). محیط‌زیست: مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام، اقتصاد اسلامی، سال ششم، تابستان ۱۳۸۵، صص ۹۴-۱۲۸.
- فراهادی، مرتضی. (۱۳۹۰). بحران محیط‌زیست در ایران: و لزوم بازنگری به دانش‌های مردمی و راهکارهای فرهنگی ملی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۱، صص ۱۶-۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- فولتر، ریچارد؛ دنی، فردریک و بهارالدین، عزیزان. (۱۳۹۳). اسلام و محیط‌زیست، ترجمه: محمد خواجه حسینی و سید شهاب‌الدین معین‌الدین، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- قنبری، آیت. (۱۳۷۹). ایران و موج اول مدرنیته، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۲.
- ساتن، فیلیپ. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه: صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- شبییری، محمد و براهالاد، ان. ان. (۱۳۸۷). بررسی آگاهی محیط‌زیستی دبیران مقطع متوسطه ایران و هندوستان، مجله علوم و فناوری محیط‌زیست، شماره ۳۶، سال دهم، صص ۱۴۷-۱۳۶.
- شریفی‌نیا، زهرا و مهدوی، مسعود. (۱۳۹۰). نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط‌زیست، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۰، صص ۸۴-۶۷.
- شیانی، ملیحه و داودوندی. (۱۳۸۹). شهروندی، در گزارش وضعیت اجتماعی ایران، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- صالحی عمران، ابراهیم و علی آقامحمدی. (۱۳۸۷). بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های محیط‌زیستی معلمان آموزش دوره ابتدایی استان مازندران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۵، تهران، ۹۱-۱۱۶.
- صالحی، صادق. (۱۳۸۹). نگرش جدید نسبت به محیط‌زیست و مصرف انرژی، مجله مطالعات



- فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۰: صص ۱۹۹-۲۱۶.
- صالحی، صادق و امام قلی، لقمان. (۱۳۹۰). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای محیط‌زیستی (مطالعه موردی: مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۱.
- صالحی، صادق؛ فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ قائمی اصل، زهرا و غلامدوست اشککی، عاطفه. (۱۳۹۱). بررسی سیاست‌های مرتبط با جرائم محیط‌زیستی در ایران، اولین همایش بین‌المللی بحران‌های محیط‌زیستی و راهکارهای بهبود آن، جزیره کیش، ۲۵ و ۲۶ بهمن.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار دانشجویان، مجله انجمن آموزش عالی ایران، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۲-۱۰۶.
- صالحی، صادق و حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی. (۱۳۹۲). مقایسه تحلیلی ارزش‌های محیط‌زیستی جهان اسلام و غرب: تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۲، صص ۵۰۵-۵۱۲.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). نوسازی بوم‌شناختی و مصرف انرژی، پژوهشنامه توسعه فرهنگی و اجتماعی، دوره ۱، شماره اول، صص ۱۳۶-۱۲۴.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد محیط‌زیست دانشجویان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی اصفهان، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۷۱-۸۸.
- صالحی، صادق، سلیمانی، کریم و پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست (مطالعه موردی: دانشجویان استان مازندران)، مجله پژوهش‌های محیط‌زیست، دوره ششم، شماره ۱۱، صص ۵۶۲-۵۷۶.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). محیط‌زیست در آموزش عالی: سنجش و ارزیابی دانش محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۲۲۱-۱۹۹.



صالحی صادق و همتی گویمی، زهرا. (۱۳۹۱). نقش آموزش محیط‌زیستی در مدیریت زباله‌های الکترونیکی، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، سال اول، شماره اول، صص ۲۳-۴۵.

صالحی، صادق، محمدی، جمال و امام قلی، لقمان. (۱۳۹۷). تحلیل اجتماعی عدم موفقیت در مردمی کردن مسئله محیط‌زیست در ایران، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۲.

عابدی سروستانی، احمد، شاه ولی، منصور و محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۶). ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق محیط‌زیستی با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۵۹-۷۳.

عابدی سروستانی، احمد و شاه ولی، منصور. (۱۳۸۷). ضرورت و ویژگی‌های پژوهش در اخلاق محیط‌زیستی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره ۳ و ۴، صص ۶۱-۵۶.

عباسی، عنایت، رفیعی، لیلا و فرهادیان، همایون. (۱۳۹۱). بررسی میزان برخورداری سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی شهر تهران از ویژگی‌های یک سازمان یادگیرنده، مدیریت دولتی، سال ۴، شماره ۴، صص ۷۲-۵۳.

عبدالملکی، حجت‌اله. (۱۳۹۱) الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت منطقه‌ای (مقدمه‌ای بر مفهوم، فرایند و چارچوب برنامه‌ریزی)، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۲۱-۵۱.

عیوضی، محمدرحیم و باب گوره، سیدحسام‌الدین. (۱۳۹۱). تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی، سال ۴۲، شماره، صص ۲۰۵-۱۸۷.

کارسون، راشل. (۱۳۸۸). بهار خاموش، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، علیرضا کوچکی، امین‌علیزاده، مشهد: انتشارات دانشگاهی مشهد.

کاوپانی‌راد، مراد. (۱۳۹۰). نسبت ژئوپلیتیکی امنیت محیط‌زیستی و توسعه پایدار؛ مطالعه موردی دریاچه ارومیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۱۵.

کریم‌زاده، سارا. (۱۳۹۶). مطالعه اخلاق در مصرف با رویکردی ترکیبی، رساله دکتری، استاد



- راهنما: حسین بنی‌فاطمه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- کریمی، داریوش. (بی‌تا). ظرفیت‌ها و مکانیسم‌های نظارت عمومی در قوانین ناظر بر حفاظت محیط‌زیست و بهداشت محیط‌زیست شهری، ۱۸۸۸. [tehran.ir.\(8/1/1393\)](http://tehran.ir.(8/1/1393)).
- کهیل، مایکل. (۱۳۸۷)، محیط‌زیست و سیاست اجتماعی، ترجمه: حسین حاتمی‌نژاد و سهراب امیریان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- لاهیجیان، اکرم‌الملوک، ارجمندی، رضا، محرم‌نژاد، ناصر و جمشیدی دلجو، مجتبی. (۱۳۸۹). بررسی عملکرد سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی و نقش آنها در فرایند توسعه شهری استان تهران، علوم و فناوری محیط‌زیست، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۰۱.
- مبرفعی دینان، تغمه و نعیمی‌فر، افسانه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر هزینه‌های ناشی از آلودگی هوا در تعیین کارآمدترین بخش‌های اقتصادی - محیط‌زیستی در فرایند صادرات، محیط‌شناسی، سال ۳۷، شماره ۵۹، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- محمدی، آرزو، صالحی، صادق، خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۰). سبک زندگی و تأثیر آن بر مصرف انرژی، اولین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی، تهران.
- محسنی، رضاعلی. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول.
- محرم‌نژاد، ناصر و اجتهادی، مریم. (۱۳۸۹). بازنگری طرح جامع کنترل آلودگی هوای تهران بزرگ و روند پیشرفت محورهای طرح، توسعه و تغییرات اقلیم، شماره ۹، صص ۶۶-۵۶.
- مصداقی‌نیا، علیرضا، یونسیان، مسعود، جعفری، علی، فرحدوست، فرحناز و یعقوبی، لیلیا. (۱۳۸۶). بررسی آگاهی ساکنین شهر تهران از آلودگی‌های محیط‌زیستی و عوارض بهداشتی مربوطه و تعیین منابع اطلاعاتی آنان، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۳-۳.
- منتی‌زاده، میثم، زمانی، غلامحسین. (۱۳۹۱). تدوین مدل رفتار محیط‌زیستی زارعان شهرستان شیراز، مجله ترویج و آموزش کشاورزی ایران، سال ۸، شماره ۲، صص ۶۳-۷۵.



منظم، محمدرضا و بوبه رژ، مهدیه. (۱۳۸۸). ارائه نتایج نظرسنجی از دانش آموزان و اولیای مدارس استان تهران در مورد آلودگی صوتی دزدگیر خودروها، فصلنامه محیط‌زیست، صص ۲۱-۱۱.

یخ‌کشی، علی. (۱۳۸۲). مدیریت سازمان جنگل‌ها و مراتع و حفاظت محیط‌زیست ایران در مقایسه با سیستم مدیریتی پاره‌ای از کشورهای اروپایی، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران یزدان‌پرست، ترانه، صالح‌پور، سوسن؛ مسجدی، محمدرضا و آذین، سیدعلی. (۱۳۹۲). شناخت و آگاهی دانش‌آموزان شهر تهران در خصوص آلودگی هوا، نفس، سال اول، شماره، صص ۴۳-۳۳.

یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها؛ بررسی تجربی و نظری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

هانینگن، جان. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه: صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹). دین و نظام طبیعت، ترجمه: فغفوری، محمدحسن، تهران: نشر حکمت.

نواح، عبدالرضا، فروتن کیا، شهروز و پورترکارونی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)، مجله مطالعات شهری، دوره اول، شماره ۱، صص ۹۸-۷۷.

نورحسینی، سیدعلی، محمدصادق اللهیاری و همایون میره جینی. (۱۳۹۱). نقش آموزه‌های دینی در کاهش روند تخریب محیط‌زیست در استان گیلان، ششمین همایش ملی مهندسی محیط‌زیست، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده محیط‌زیست.

Abdelnabi Salem, M., Hasan, N., Hasan Osman, N. (2012). Some Islamic views on environmental responsibility, 2nd International Conference on Environment science and Biotechnology, IPCBEE, 48(21): 10. 7769/IPCBEE. 2012, Singapore.

Abedi-Sarvestani, A., Shahvali, M. (2008). Environmental ethics: Towards an Islamic perspective, American –Eurasian Journal of agriculture and Environmental Science, 3(4): 609-617.





- Aburounia, H., & Sexton, M. (nodate). Islam and sustainable development, <http://www.irbnet.de/daten/iconda/CIB9051.pdf> (9/8/2019)
- Anderson, J. (2012). New Ecological Paradigm(NEP), Scale, from [www.nerkshirepublishing.com](http://www.nerkshirepublishing.com), (13, August, 2013).
- Ashtankar, O. M. (2016). Islamic perspectives on environment protection, *International Journal of Applied Research*, 2(1): 438-441.
- Aydin, N. (2010). Subjective well-being and sustainable consumption, *The International Journal of Environmental, Cultural, Economic & Social*, 6(5): 1-20.
- Aydin, F. Cepni, O. (2010). University Students' Attitudes towards Environmental Problems: A Case Study from Turkey, *International Journal of the Physical Sciences*, 5(2): 2715-2720.
- Ramazan Akhtar, M. (1996). Towards an Islamic approach for environmental balance, *Islamic Economics Studies*, 3(2): 57-78.
- Barr, S. Gilg, A. (2006). Sustainable lifestyles: Framing environmental action in and around the home, *Geoforum* 37: 906-920.
- Backhaus, J. Breukers, S. Mont, O Mourike R. (2011). Sustainable Lifestyles: Today's Facts Tomorrow's Trends, from [www.sustainable-lifestyles.eu](http://www.sustainable-lifestyles.eu), (9/Mai/2013).
- Benson, M. H. Craig, R. K. (2014). The End of Sustainability, *Society and Natural Resources*, 27:777-782.
- Bedford, T. Jones, P Walker, H. (2004). Every little bitt helps. . . overcoming the challenges to researching, prompting and implementing sustainable lifestyles, from [www.Wmin.ac.ir](http://www.Wmin.ac.ir).
- Berkowitz, A. Ford, M. Brewer, C. (2004). A framework for integrating ecological literacy, civics literacy and environmental citizenship in environmental education, from [www.bioed.org/pubs/EE\\_chapter\\_berkowitz\\_et\\_al.pdf](http://www.bioed.org/pubs/EE_chapter_berkowitz_et_al.pdf)(2013/3/11)
- Bohr J. Dunlap, R. E. (2017). Key Topics in environmental sociology, 1990-2014: results from a computational text analysis. *Environmental sociology*, <https://doi.org/10.1080/23251042.2017.1393863>.
- Casimir, G. Dutilh, C. (2003). Sustainability: A gender studies perspective, *International Journal of Consumer Studies*, 24(4): 316-326.
- Catton, W. R. Dunlap, R. (1978). Environmental sociology: A new paradigm, *American Sociologist* 13): 41-49.



- Chen, S. L. (2014). Measuring the effect of procrastination and environmental awareness on household's energy-saving behaviours: An empirical approach. *Energy policy*, 66: 249- 256.
- Christensen, p. (1997). Different lifestyles and their impact on the environment, *Sustainable Development*, 5: 30–35.
- Clements, J. M. McCrightb, A. M. Dietzc, T. Marquart-PyattcS. T. (2015). A behavioural measure of environmental decision-making for social surveys, *Environmental Sociology*, Vol. 1, No. 1, 27–37.
- Cudworth, E. (2003). *Environment and Society*, London: Rutledge Press.
- Darnton, A. (2004). Driving public behaviours for sustainable lifestyles, Report Research, from collection europarchive. org.
- Dubson, A. (2007). Environmental citizenship: Towards sustainable development, *Sustainable Development*, 15: 276-285.
- Dunlap, R. Van Liere, K. (1978). The New Environmental Paradigm: A proposed Measuring Instrument and Preliminary Results, *Journal of Environmental Education*, 9: 10-19.
- Dunlap, R. Kent, D. Mertig, A., Jones, R. (2000). Measuring Endorsement of the New Environmental Ecological Paradigm: A Revised NEP Scale, *Journal of Social Issues*, 56(3): 425-442.
- Fielding, K. McDonald, R. Louis, W. (2008). Theory of planned behavior, identity and intentions to engage in environmental activism, *Environmental Psychology*, 28(4):18-326.
- Gadenne N, D. Sharma, B. Kerr, D. Smith, T. (2011). The influence of consumers 'environmental beliefs and attitudes on energy saving behaviours, *Energy Policy*, 39(2011) 7684–7694.
- Gebert, A. (2014). Recycling in Dubrovnik: Discrepancies between attitudes, knowledge and behavior, *RIThink*, 4: 25-29.
- Glickman, L. (1999). *Consumer society in American History*, London: Cornell University Press.
- Gutowski, T. Taplett, A. Allen, A. Banzaert, A. Cirinciore, R. Cleaver, C. Figueredo, S. Fredholm, S. Gallant, B. Jones, A. Krones, J. Kudrowitz, B. Lin, C. Morales, A. Quinn, D. Roberts, M. Scaringe, R. Studley, T. Sukkasi, S. Tomczak, M. Vechakul, J. & Wolf, M. (2008). Environmental Life Style Analysis(ELSA). IEEE International Symposium on Electronics and the Environment. May 19-20, 2008, San Francisco USA.
- Gould, K. Lewis, T. (2015). *Twenty lessons in Environmental Sociology*, UK:



Oxford University Press.

Geno, B. (2000). Replacing the New Environmental Paradigm (NEP), with an Ecologically Sustainable Development Paradigm (ESDP), Testing Scale Items on Rural and Regional Australian Occupational Groups, Sociological Sites/Sights, TASA Conference, Flinders University, December 6-8.

Haines, F. McConnell, D. (2016). Environmental norms and electricity supply: an analysis of normative change and household solar PV in Australia. *Environmental Sociology*, 2(2):155-165.

Boll Stiftung, H. (2017). The green movement in Turkey, from [www. tr. boell.org](http://www.tr.boell.org)

Kilbourne, W. Polonsky, M. (2005). Environmental Attitudes and their Relation to the Dominant Social Paradigm Among University Students in New Zealand and Australia, *Australasian Marketing Journal*, 13(2):37-40.

Kronenberg, J., Lida, N. (2011). Simple living and sustainable consumption, *Problems of sustainable Development*, 6(2): 67-74.

Kollmuss, A. Agyeman, J. (2002). Mind the Gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behaviour? in *Environmental Education Research*, 8(3).

Laurian, L. (2003), A Prerequisite for Participation: Environmental Knowledge and What Residents Know About Local Toxic Sites, *Journal of Planning, Education and Research*, 22:257-269.

Marchand, A. Walker, A. (2004). Insights for sustainable lifestyles and communities: Ecocitizens as key informants. International conference. Toronto.

McKenzie, M. Nemiroff, L. Beers, L. Desmarais. S. (2010). Determines Responsible Environmental Behaviour, *Journal of Social Issues*. 51(4): 139-156.

McCright, A. Dunlap, E. (2011). Cool dudes: the denial of climate change among conservative white males in the United States, *Global Environmental Change*, xxx: 1-10.

Muderrisoglu, H. Altanlar, A. (2011). Attitudes and Behaviour of Undergraduate Students towards Environmental Issues, *International Journal Environment and Science Technology*, 8(1): 159-168.

Nagel, J., Dietz, T. Broadbent, J. (2008). Workshop on sociological perspectives on global climate change, National Science Foundation, Arlington, Virginia, May 30-31.



- Niaura, A. (2013). Using the Theory of Planned Behaviour to Investigate the Determinants of Environmental Behaviour among Youth, *Environmental Research, Engineering and Management*, 1(63): 74-81.
- Nilan, P. (2017). The ecological habitus of Indonesian student environmentalism, *Journal Environmental Sociology*, Volume 3, 370-380. <https://doi.org/10.1080/23251042.2017.1320844>.
- Norgaard, K. (2006). We don't really want to know: Environmental justice and socially organized denial of global warming in Norway. *Organization Environment* 19: 347-370.
- Orboi, M., Banes, A., Petroman, I., Monea, M., Balan, L. (2010). Sociological dimensions of sustainable development, *Research Journal of Agricultural Science*, 42(3):749-756.
- Paehlke, R. (2000), *Environmental Values and Public Policy*, *Environmental Policy*, 4(2): 77-97.
- Partidario, M. R., Vicente, G. Belchior, C. (2010). Can New Perspectives on Sustainability Drive Lifestyles, *Sustainability* 2010, 2, 2849-2872.
- Poortinga, W., Steg, L. Vlek, C. (2004). Values, Environmental Concern, and Environmental Behavior, *Environment and Behaviour*, 36(1): 70-93.
- Putnam, T. (2006). *Environmental Paradigm Shifts: Their Causes, Attributes, and Implications for Environmental Sustainability*, The National Conference on Undergraduate Research, The University of North Carolina, Asheville, North Carolina, PP: 401-408.
- Sau Meia, N., Weng Wai, C., Ahmad, R. (2016). Environmental awareness and behavior index for Malaysia, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 222(2016): 668-675.
- Saadatian, O., ChinHaw, L., Bin Mat, S., Sopian, K. (2012). Perspective of sustainable development in Malaysia, *International Journal of Energy and Environment*, 2(6): 260-269.
- Salehi, S. (2010). *People and Environment*, London, Limbert Academic Publication
- Schultz, P. W. Zeleny, L. (1999). Values as predictors of environmental attitudes: evidence for consistency across 53 countries, *Journal of Environmental Psychology*, 255-265.
- Shwesin Aung, T. (2016). Islam and environmental protection: The awareness of the Malaysians Muslim community, *Al-Shajarahm* 21(2): 225-245.
- Steg, L. Vlek, C. (2009). *Encouraging Pro-Environmental Behaviour: An*



- Integrative Review and Research Agenda, *Journal of Environmental Psychology*, 29: 309-317.
- Stern, P. (2000). Toward a Coherent Theory of Environmentally Significant Behaviour, *Journal of Social Issue*, 56(3): 407-424.
- Tracy, L. (2008 ). Global Warming and Sociology, *Current Sociology*, 56(445).
- Verplanken, B. Roy, D. (2016). Empowering interventions to promote sustainable lifestyles: Testing the habit discontinuity hypothesis in a field experiment, *Journal of Environmental Psychology* 45: 127-134.
- Wackernagel, M. Rees, W. (1997) *Unser oelogische r Fussabdruck: Wie der Mensch Einuss auf die Umwelt nimmt [Our Ecological Footprint]* (Basel, Switzerland, Birkhaeuser Verlag).
- Viederman, S. (1993). Sustainable society: what is it? How of we get there, *The George Wright Forum*, 10(4): 34-48.
- Zhang, D. Guangqing, H. Xiaoling, Y. Qinghua, G. (2015). Residents' waste separation behaviors at the source: Using SEM with the Theory of Planned Behaviour in Guangzhou, Chin, *International Journal of Environmental Research and Public Health* ISSN 1660-4601.
- Zelezny, L., Chua, P., Aldrich, C. (2000). Elaborating on Gender Differences in Environmentalism, *Journal of Social Issues*,. 56 (3): 443-457.